

جمهوری
سازمان برنامه و بودجه کشور
مرکز پژوهش‌های توسعه و آینده‌نگری

گابنامہ پایش توسعه و آینده‌نگری



نشریه داخلی مرکز پژوهش‌های توسعه و آینده‌نگری شماره ۲ بهمن ۱۳۹۸ (ویژه نامه آینده پژوهی)

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

شناسه گزارش

عنوان	گاهنامه پایش توسعه و آینده‌نگری
کد شناسه	نشریه داخلی مرکز پژوهش‌های توسعه و آینده‌نگری شماره ۲ بهمن ۱۳۹۸ ۹۸-۵-۱۰۱۵۶
نام دفتر	دفتر خدمات پژوهشی و کاربست یافته‌های پژوهشی
پدیدآورندگان (به ترتیب حروف الفبا)	علیرضا آزموده اردلان - حسین آرامی - محمدعلی برادران - ابوالفضل پاسبانی صومعه - سیدرحیم تیموری - رمضان رنجبری - سیدمحمد شفیعی - سعید قاسمی‌زاده‌تمر - مجید مردانی شهری - رضا مجیدزاده - حجت‌مه‌دوی سعیدی - خسرو نورمحمدی - مهدی نظرآقایی
ناشر	مرکز پژوهش‌های توسعه و آینده‌نگری
تاریخ انتشار	بهمن ۱۳۹۸
صفحه آرایه و طراحی جلد	محمدسعید حسن پور زرکامی
مطالب این گزارش لزوماً بیانگر نظر رسمی سازمان برنامه و بودجه کشور و مرکز پژوهش‌های توسعه و آینده‌نگری نیست.	
حقوق معنوی اثر به پدیدآورندگان و حقوق مادی آن، به مرکز پژوهش‌های توسعه و آینده‌نگری سازمان برنامه و بودجه کشور تعلق دارد و استفاده از آن با ذکر مأخذ بلامانع است.	
آدرس: تهران - خیابان استاد نجات‌الهی - خیابان سپند - پلاک ۱۶	
https://www.dfrc.ir Email: info@dfrc.ir	

فهرست مطالب

عنوان

صفحه

پیشگفتار

- بخش اول: رادار آینده؛ اخباری در حوزه آینده پژوهی ۱
- توشیبا موفق به ابداع الگوریتمی سریع تر از یک ابررایانه شد. ۱
- اولین عمل جراحی موفقیت آمیز از راه دور با استفاده از فناوری G^o ۱
- نیمه سیاه ژئوپلیتیکی نفت شیل ۲ ۲
- اندازه گیری شاخص پنیک اجتماعی با محاسبه حباب بازار کالاها ۴
- جعبه ابزار ۴
- بخش دوم: مقالات آینده پژوهی ۵
- مسائل متحول کننده آسیا تا سال ۲۰۳۸ ۵
- هفت نیروی شگرف در خدمت آینده پژوهان ۱۴
- توسعه در آینده: ضرورت بازاندیشی در مفهوم توسعه و جهت گیری های آینده توسعه ۲۵
- جهت گیری های فناوری برای آینده دولت ۳۲
- بخش سوم: آینده پیش رو؛ ایران در پرتو تحولات اخیر ۳۵
- رهبری شهید قاسم سلیمانی و درس هایی برای رهبری در نظام اداری ۳۵
- ملاحظات در باب تأثیر شرایط جدید بر مأموریت های سازمان برنامه و بودجه کشور ۳۷
- بررسی سناریوهای محققان و مراکز پژوهشی داخلی و خارجی آینده ایران و خاورمیانه ۳۹
- بازبینی نقش و مأموریت سازمان برنامه و بودجه به واسطه تنش های اخیر ۴۶
- آوردگاه ژئوپلیتیک غرب آسیا و ضرورت توازن توسعه اقتصادی و توسعه نظامی در ایران ۵۴
- کاهش هزینه ها با مدیریت تخصیص منابع ۵۸
- تقابل قدرت جهانی و قدرت منطقه ای در خاورمیانه و آثار سیاسی و مالی آن و بررسی راه حل ها ۶۰
- دستگاه معادلات توحیدی حلقه مفقوده مطالعات آینده ایران ۷۰
- تحولات منطقه خاورمیانه و لزوم پیاده سازی الگوی سیمرغ توسعه ۷۶
- لزوم تدارک نظری و آمادگی عملی و عملیاتی در شرایط پیچیده فعلی ۸۰
- بررسی روندهای عمده توسعه در کشورهای جهان بر محور اقتصاد و سیاست ۸۲
- آیندنگری همکاری های توسعه ای ایران با کشورهای جهان با توجه به تحولات اخیر منطقه ۸۷

پیشگفتار



علیرضا آزموده اردلان

رئیس مرکز پژوهش‌های توسعه و آینده‌نگری

گاهنامه پایش توسعه و آینده‌نگری، نشریه داخلی مرکز پژوهش‌های توسعه و آینده‌نگری است که به انتشار اخبار علمی در حوزه‌های مرتبط با فعالیت‌های مرکز و نیز ارائه مقالات و دیدگاه‌های کارشناسی همکاران مرکز اختصاص دارد. شماره نخست این نشریه با عنوان ویژه‌نامه هفته پژوهش در بزرگداشت این مناسبت با مقالاتی از سوی اعضاء و محققان همکار انتشار یافت. این شماره نشریه، ویژه‌نامه‌ای است که به گروه پژوهشی آینده‌نگری و فناوری‌های نو اختصاص یافته است.

بخش اول این ویژه‌نامه دربرگیرنده اخبار علمی و فناوری در حوزه آینده‌نگری بوده و بخش دوم به مقالاتی از سوی اعضای گروه آینده‌نگری مرکز اختصاص یافته است. بخش سوم دربرگیرنده مقالات و یادداشت‌هایی با رویکرد آینده‌پژوهی از تحولات اخیر منطقه بوده که توسط همکاران مرکز به رشته تحریر درآمده است. مرکز پژوهش‌های توسعه و آینده‌نگری در مسیر نیل به جایگاه اتاق فکر و عقل منفصل سازمان برنامه و بودجه نیازمند دریافت نظرات و هم‌افزایی همه صاحب‌نظران و متخصصان توسعه و آینده‌نگری کشور است. لذا دریافت نظرات و پیشنهادهای همواره مورد استقبال و مزید امتنان خواهد بود.

بخش اول: رادار آینده؛ اخباری در حوزه آینده پژوهی



توشیبا موفق به ابداع الگوریتمی سریع تر از یک ابررایانه شد.

الگوریتم انشعاب شبیه سازی شده شرکت توشیبا به گونه ای طراحی شده است تا اصول رایانه های کوانتومی را بدون نیاز به استفاده از این دستگاه ها که در حال حاضر کاربردهای محدودی دارند و ساخت و نگهداری آن ها در دماهای نزدیک به صفر مطلق میلیون ها دلار هزینه دارد، به کار گیرد. توشیبا می گوید این فناوری جدید که می توان از آن در خارج از حوزه مالی نیز استفاده کرد، روی رایانه های شخصی آماده (غیر سفارشی) قابل اجرا است. کوسوکه تاتسومورا از پژوهشگران ارشد آزمایشگاه سیستم های رایانه و شبکه توشیبا در مصاحبه ای گفت: کافی است این الگوریتم را به یک سرور نصب کرده و آن را در همان دمای اتاق اجرا کنید.

اگرچه شرکت خوشه ای و چندملیتی توشیبا واقع در توکیو ژاپن بیشتر به تولید محصولات الکترونیک و راکتورهای هسته ای شناخته می شود، مدت ها است که در زمینه فناوری های پیشرفته تحقیق می کند. این الگوریتم جدید به طور خاص برای تاجران که موفقیت کاری آن ها در گرو میکروثانیه هاست، جالب و کاربردی خواهد بود. به گفته این شرکت، کاربردهای دیگر این الگوریتم می تواند مواردی چون ترسیم مسیره های پیچیده کشتیرانی و لجستیک و تولید داروهای جدید با دقت مولکولی را در بر گیرد.

<http://www.bloomberg.com/amp/news/articles/2020-01-16/toshiba-says-it-built-an-algo-that-s-faster-than-a-supercomputer>

برای کسب اطلاعات بیشتر کد زیر را اسکن کنید.



اولین عمل جراحی موفقیت آمیز از راه دور با استفاده از فناوری 5G

چینی ها موفق شدند اولین جراحی از راه دور را از طریق فناوری 5G انجام دهند. در حالی که تمامی دنیا منتظر توسعه نسل پنجم شبکه های ارتباطی و عرضه اولین گوشی های 5G است، در این عرصه، یک جراح چینی موفق شده اولین عمل جراحی از راه دور را بر بستر 5G با موفقیت به انجام رساند. این عمل جراحی از راه دور توسط پزشکی انجام شد که 48 کیلومتر با اتاق عمل فاصله داشت و تنها راه ارتباطی اش دو بازوی مکانیکی بود. تمامی این اتفاقات به لطف توانایی های نسل پنجم شبکه ارتباطی رخ داده است، چراکه با استفاده

از ۵G تمامی دستورات با یک‌دهم ثانیه تأخیر زمانی، به مقصد می‌رسند. به این ترتیب، جراح می‌تواند در کسری از ثانیه اتفاقات رخ داده در اتاق عمل را کنترل کند. این روش می‌تواند در آینده جان افراد بسیار زیادی را نجات دهد.

<https://techthelead.com/first-remote-surgery-via-5g-successfully-accomplished-in-china>

برای کسب اطلاعات بیشتر بارکد زیر را اسکن نمایید.



نیمه سیاه ژئوپلیتیکی نفت شیل ۲

انقلاب فناوری دیگری در حوزه نفت شیل در راه است و اوج‌گیری تولید نفت آمریکا به ۱۱ میلیون بشکه در روز را بسیار قریب‌الوقوع می‌داند. نشنال اینترست عواقب ژئوپلیتیکی این انقلاب جدید را در سناریوهای تنش بین ایران - سعودی و ایران - سوریه - حزب‌الله - فلسطین اشغالی گزارش کرده است.



*Custom-designed truck converts into sand silo.
Source: Halliburton

برای کسب اطلاعات بیشتر بارکد زیر را اسکن کنید.





کتاب **سواد آینده** از گروه آینده یونسکو منتشر شد. این کتاب از منظر رشته پیش‌نگری به آینده‌پژوهی نگاه می‌کند و کارگاه مورد توصیه آن، مشارکت‌کنندگان را قادر می‌سازد به شش پیش‌فرض مختلف در پیش‌نگری آینده، مهارت یافته و بتوانند گفتمان قوی در مورد آینده مسئله مورد بحث را شکل دهند. اگر در مورد چیزی نتوانیم دقیق حرف بزنیم، نمی‌توانیم در مورد آن تصمیم بگیریم.



برای دریافت فایل انگلیسی کتاب، اسکن یا کلیک کنید:





اندازه‌گیری شاخص پنیک اجتماعی با محاسبه حباب بازار کالاها



جعبه‌ابزار

◇ مرکز توانمندسازی حکومت دانشگاه هاروارد بر اساس کتاب و فیلم‌های آموزشی خود، یک راهنمای قدم به قدم و مبتنی بر فعالیت خود شخص (Do it yourself) به نام جعبه‌ابزار^۱ ارائه کرده است.

◇ این جعبه‌ابزار یک رویکرد قدم به قدم برای حل مسائل پیچیده بوده که برای کمک به افراد درگیر در طراحی و اجرای سیاست‌های مختلف در دولت‌ها و NGOها آماده شده است.

◇ برای بهره‌برداری کافی از این جعبه‌ابزار بهتر است در تیم‌های ۵ و ۶ نفره بر روی مسئله‌ای مشخص تمرکز کرده و گام‌های مطرح شده در این کتاب را پیاده کنید.

برای کسب اطلاعات بیشتر بارکد زیر را اسکن نمایید.



معرفی وبسایت نیوز فیوچر

newsoffuture.com وبسایتی مستقل است که جهان را تا ۵۰ سال آینده به تصویر کشیده است. هدف این وبسایت ارائه تصویری از آینده ممکن در تمام جوانب است. همانند دگرگونی دائمی آینده، این وبسایت نیز با آنتشار سناریوهای محتمل، به‌طور مداوم آن‌ها را به‌روز کرده تا بیشترین انطباق را با آینده واقعی داشته باشد.

برای کسب اطلاعات بیشتر بارکد زیر را اسکن نمایید.



۱. Problem Driven Iterative Adaptation (PDIA)

بخش دوم: مقالات آینده پژوهی

مسائل متحول کننده آسیا تا سال ۲۰۳۸

نویسنده: سهیل عنایت‌الله

مترجم: محمد علی برادران قهفرخی

با دیدن وضعیت آسیا به خصوص مناطق شرق، جنوب و جنوب شرقی، چشم‌انداز من از آینده این قاره که برخی آن را «خیزش یا قیام عظیم» تلقی می‌کنند؛ در واقع گذر از فقر به ثروت اقتصادی (به صورت ناهمگن)، گذر از نشخوارکنندگان منفعلانه دانش و معرفت به سوی آفرینشگران واقعیت به طور کاملاً فعالانه و هوشمندانه و تغییر از فرهنگ گذشته‌نگری به فرهنگ آینده‌نگری است. چیزی که شاهد آن خواهیم بود، در واقع پتانسیل‌های آسیا برای قدرت و قوت گرفتن است که نه تنها از نظر فرصت‌های کسب و کار و توسعه اقتصادی بلکه در چشم‌انداز آینده جدید جهان نیز نقش بسزایی دارد. من به عنوان یک عامل تغییر، به بررسی ابداعات و امکانات موجود بسنده کرده‌ام و بنابراین ممکن است نسبت به وضع موجود سوگیری داشته باشم. با توجه به چنین مقتضیاتی، من آینده‌های جایگزین آسیا را در بیست سال آینده در ادامه ترسیم خواهم کرد.

به عقب برگردیم و از گذشته سخن بگوییم

وقتی در اوایل دهه ۱۹۷۰ با تیم بسکتبال دبیرستانم برای شرکت در یک تورنمنت به سنگاپور سفر کردم، این کشور را همانند «غرب وحشی» با داروهای نیروزا و اعتیادآور و بی‌بندوباری‌ها در خیابان‌ها مشاهده کردم، اما امروز این کشور کمتر نشانی از آن دوران دارد. طراحی شهری سبز، نظارت قوی و قوانین متعالی و نوآوری از ویژگی‌های بارز این کشور و شهر است.



شکل ۱: سنگاپور سبز، هتل پارک رویال

تصویر: سهیل عنایت‌الله

شهرهای دیگر آسیا نیز شاهد انباشت ثروت قابل ملاحظه‌ای بوده‌اند، اما با ناهمگونی و عدم توازن چشمگیر، تبدیل به «سیاه‌چاله‌های» سرمایه شده‌اند که منابع مالی و زندگی مجامع محلی را از مناطق هم‌جوار بلعیده است. به عنوان مثال، کوالالامپور جایی که من در اوایل دهه ۱۹۷۰ زندگی می‌کردم، به یک شهر جهانی خیره‌کننده تبدیل شده است؛ هرچند هنوز چالش‌هایی در این شهر به چشم می‌خورند. به عنوان مثال هنوز این ذهنیت که «من خرید می‌کنم، پس هستم» در افراد جامعه قابل تأمل است. در سنگاپور چشم‌انداز جامعه و شهروندان در خصوص زندگی جدید را تحت عنوان «C» قلمداد می‌کنند که بیانگر ارزش وجه نقد، حاکمیت مشترک، کارت اعتباری، خودرو و باشگاه تفریحی است. همچنین هنوز فرایند مهاجرت از روستا به شهر به‌منظور رهایی از فقر و بدون توجه به جوانب نابودی جوامع روستایی در آسیا ادامه دارد. در اینجا این تضاد پیش می‌آید که آیا لزومی دارد روستای «کامپونگ» (روستایی پایدار، مبتنی بر اجتماعات محلی، دارای توازن و تعادل) در شهر ادغام شود و باعث اتصال جوامع محلی روستایی به فرصت‌های شهری شود یا خیر؟ آیا راه جایگزینی وجود دارد، به نحوی که بتوان آینده و گذشته را به یک جریان حال ممکن متصل کرد؟

چشم‌انداز آینده از سال ۱۹۹۴

در سال ۱۹۹۴، محققان در نشست یونسکو برای بررسی این پرسش‌های مطرح شده و پرسش‌های مهم دیگر در بانکوک دیدار کردند (۱). در طی آن جلسه، نتیجه‌گیری که به‌عنوان یک پرسش اساسی مطرح شد، این بود که آیا آسیا در تمام زمینه‌ها و حوزه‌ها باید مسیری در امتداد «آینده دست دوم غربی» طی کند و به‌صورت کورکورانه از مدل‌های شهری، خانوادگی، اقتصادی و درمانی غرب تبعیت کند یا می‌تواند از مدل‌های نوآوری جهشی استفاده نموده و به سمت مدرنیته سوق پیدا کند (دستیابی به حقوق مترقی دنیای مدرن با وجود احترام به سنت‌ها) یا جایگزین‌های جدید برای مدرنیته با روش‌های جدید تأمین مالی، محصولات فرهنگی و فناوری‌های جدید پیدا کند. این یک پرسش چالش‌برانگیز و بی‌پاسخی بوده است. محققان یقین داشتند که آسیا ناگزیر است از الگوی غربی به‌صورت کورکورانه تبعیت کند (اشاره به فرهنگ لس‌آنجلسی و مصرف بی‌رویه از خودرو شخصی دارد)، اما این فرهنگ و جهان‌بینی صرفاً آسیا را به سمت فاجعه سوق می‌دهد.



شکل ۲: خیابان‌های مملو از خودرو در بانکوک

تصویر: سهیل عنایت‌الله

اکنون این پرسش به قوت خود باقی است که آسیا باید به کدامین سو برود؟

سال ۲۰۱۸: پس از گذشت ۲۰ سال از نشست بانکوک اکنون در سال ۲۰۱۸، پاسخ به موارد زیر تا حدی روشن و مشخص شده است. آسیا برخاست و شروع به گفتن «بله می‌توانم» به خودش کرد، همان‌طور که سوزانتا گوناتیلاک^۱ در نشستی در سال ۱۹۹۱ در بانکوک پیش‌بینی کرده بود. آنچه قابل تصور است در زیر آمده است:

۱- ظهور قدرت اقتصادی و نرم چین

گزارش‌های آینده‌پژوهی از دهه ۱۹۸۰ نشان می‌داد که سرانجام یک «تغییر قدرت به سمت ناحیه پاسیفیک» همان‌طور که به سال ۲۰۲۰ نزدیک می‌شویم، به وجود خواهد آمد (۲)؛ اما این تغییر هم‌اکنون صورت گرفته است. به‌عنوان مثال، طبق بسیاری از پیش‌بینی‌ها قرار بود میزان تولید ناخالص داخلی چین از ایالات متحده تا سال ۲۰۵۰ پیشی گیرد؛ در حالی که این موضوع در سال ۲۰۱۹ تحقق پیدا کرد و در واقع داده‌های صندوق بین‌المللی پول^۲ بر اساس قدرت خرید نیز قبلاً چنین پیش‌بینی کرده بود که تا سال ۲۰۱۴، چین بزرگ‌ترین اقتصاد جهان را خواهد داشت (۳).

۲- سیطره کالاها و محصولات عامه‌پسند کره‌ای (k-pop) در بازارهای جهانی

شواهد حاکی از فروش ۱۰۰ میلیون دلاری محصولات فرهنگی است که منجر به رشد چهار برابری میزان فروش محصولات و فناوری‌های کره‌ای از قبیل سامسونگ می‌شود (۴).

۳- پیشرو شدن کشورهای آسیایی در حوزه مطالعات آینده‌نگری و آینده‌پژوهی

سنگاپور، مالزی، کره جنوبی و تایوان در حوزه مطالعات آینده‌نگری و آینده‌پژوهی هم‌اکنون پیشرو هستند.

۴- افزایش اعتبار پاسپورت کشورهای آسیایی

سنگاپور اکنون به همراه مالزی، کره جنوبی و ژاپن در جمع ۲۰ کشور برتر دارای معتبرترین گذرنامه جهان هستند. این اولین بار در تاریخ است که یک کشور آسیایی دارای بالاترین اعتبار گذرنامه است (۵).

۵- ارتقاء جایگاه و رتبه دانشگاه‌های آسیا در دنیا

رتبه‌بندی جدید دانشگاه‌های دنیا بر اساس عامل پایداری حاکی از رشد و توسعه دانشگاه‌های آسیا دارد و یک دانشگاه اندونزیایی در این حوزه پیشرو است. به‌عنوان مثال چشم‌انداز دانشگاه USM در پنانگ^۳ و دانشگاه براک در بنگلادش حاکی از تمرکز بر سرمایه‌گذاری در تحقیق و توسعه دارد (۶)، (۷) و (۸).

^۱ Suzanta Gunathilake .

^۲ International Monetary Fund (IMF)

^۳ Penang .



شکل ۳: سناریوهای آینده دانشگاه براک بنگلادش

تصویر: سهیل عنایت‌الله، شکیل احمد، پوشپیتا الام^۱ و سوزان دیویس

۶- رتبه برتر در شاخص‌های جدید توسعه از قبیل شاخص خوشبختی و شادی

شاخص‌های جدید توسعه نیز نشان از بهبود و توسعه آسیایی‌ها دارد. برای مثال، شاخص خوشبختی و شادی ناخالص ملی «کشور بوتان و کره جنوبی» بالاترین میزان در دنیا است (۹).

۷- پیشرو شدن آسیایی‌ها در شاخص‌های نوآوری و ثبت پتنت

برای مثال آسیا بیش از ۴۷٪ حق اختراعات را به خود اختصاص داده است و هفت شرکت برتر از ده شرکت که بیشترین اختراع و پتنت را ثبت کرده‌اند از چین، ژاپن و کره جنوبی هستند (۱۰).

۸- معرفی ثروتمندان جدید آسیایی به جهانیان

آسیا هر روز میلیاردر جدیدی را به جهانیان معرفی می‌کند و ۴۱٪ از میلیاردرهای جهان را به خود اختصاص خواهد داد. سنگاپور در حال حاضر بیشترین تجمع میلیونرها در جهان (یک از شش خانوار) را دارد. این جریان‌ها منجر به ساخت فیلم‌هایی مانند «Crazy Rich Asians» می‌شود (۱۱) و (۱۲).

سناریوهای آینده آسیا در افق ۲۰۳۸

در اینجا پرسش‌هایی مطرح می‌شود که آیا این روند ادامه خواهد یافت یا آینده جایگزین دیگری وجود دارد؟ در این بخش نویسنده ضمن معرفی سناریوهای آینده آسیا به جوانب هر کدام از سناریوها پرداخته که در زیر ارائه شده است.

سناریو اول: دیوار بزرگ آسیا

اولین نکته در مورد آسیا این است که ملاحظات ژئوپلیتیک ناشی از جنگ‌ها و تنش‌های گذشته کماکان وجود دارد، چراکه به طرز چشمگیری تروریسم توسط گروه‌های حاشیه‌ای افزایش یافته است. داعش در خاورمیانه، تحرکات چین یا کره شمالی به راحتی می‌توانند منجر به تنش‌هایی شود که آسیا را به یک دژ

^۱ Pushpita Alam .

نظامی و جنگی محصور در دیوارهای دفاعی تبدیل کند. به عنوان مثال، مهاجرت و کوچ‌های دسته‌جمعی پناهندگانی که از تأثیرات منفی و تخریب زیستی ناشی از جنگ یا حتی جنگ هسته‌ای فرار می‌کنند، می‌تواند آسیا را به سمت این سناریو سوق دهند. از یک طرف، ملت‌های مختلف آسیا برای مقابله با چنین تهدیداتی دیوارهای دژ خود را می‌سازند، اما از مزایای گردش آزاد سرمایه، فرهنگ و نیروی کار دور می‌مانند. از نظر استعاری این به معنای بازگشت به «دیوار بزرگ آسیا» است.

سناریو دوم: بازی مار و پله

می‌توان چنین تصویری داشت که با وجود پیشرفت‌های حاصل شده، اما آسیا در حال سقوط و انحطاط است. تأثیر تغییر اقلیم بر کاهش رشد اقتصادی بازی قدیمی «مار و پله» را خاطر نشان می‌کند (آنچه بالا می‌رود، پایین می‌آید)؛ چراکه پدیده تغییر اقلیم را همانند ماری می‌توان تصور کرد که برخی از دستاوردها نظیر برابری جنسیتی و حرکت به سمت شهرهای پاک‌تر و سبزتر آسیا را از بین می‌برد. مار دیگر می‌تواند «سالخوردگی» جمعیت باشد، چراکه جمعیت سالخورده نوآوری را کاهش داده و توسعه اقتصادی را مختل می‌کند. افرادی که از آینده نامطمئن هستند، می‌ترسند و لذا کمتر خرج می‌کنند که این امر منجر به ایجاد یک رکورد بلندمدت می‌شود. در این سناریو درواقع وضعیت امروز ژاپن به‌نوعی، می‌تواند فردای آسیا را تداعی کند.

سناریو سوم: دولت‌های جنگ

همچنین می‌توان این تصور را داشت که آینده آسیا درواقع آینده‌ای با جنگ‌های بی‌پایان است، هرچند این جنگ‌ها، با درگیری‌های نظامی محدود همراه هستند. چین می‌تواند با نبردهایی در برابر هنگ کنگ و تایوان، آینده‌ای را که احتمالاً تاریک‌تر است، رقم زند. عدم یافتن پاسخ‌های راهگشا به بحران کره شمالی نیز می‌تواند احتمال سقوط و انحطاط آسیا را در آینده افزایش دهد. بحران کره شمالی می‌تواند به یک جنگ محلی، محله‌ای، منطقه‌ای یا حتی جهانی منجر شود. این قضیه می‌تواند به سقوط ائتلافات سیاسی یا حتی نابودی کامل منجر شود. این سناریو می‌تواند بدترین نتیجه ممکن باشد. جنوب آسیا همچنین می‌تواند با تجزیه پاکستان و هند به چندین کشور، تقسیمات جدیدتری را مواجه شود. حتی بخش‌های مسلمان‌نشین کشورهای چین، میانمار، تایلند و فیلیپین می‌توانند به دنبال تقسیمات بیشتری باشند.

سناریو چهارم: حرکت به سوی یک آینده تحول‌گرا

با این حال، سناریو چهارمی را نیز می‌توان متصور شد که تحول‌گراتر از سناریوهای قبلی است. آینده قابل تصور در این سناریو می‌تواند از طریق موضوعات نوظهور زیر پدید آید.

تصور کنید که در سال ۲۰۳۸ هستیم در این صورت، موارد زیر قابل تصور است:

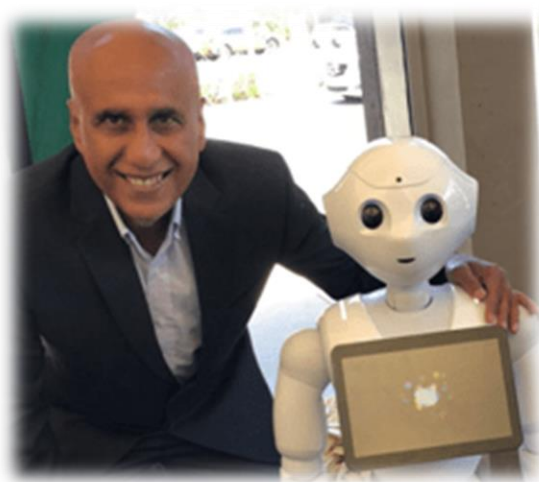
- آسیا به یک کنفدراسیون تبدیل خواهد شد که مرکز اقتصادی جهانی است.
- مشارکت و برابری جنسیتی به یک هنجار و رویه عادی تبدیل شده است.
- آموزش، مرزهای دانش را درنوردیده و این دانش شکل سنتی و سلسله‌مراتبی تدریس و کلاس درس را به یک، زمین بازی دیجیتال سوق داده است. الگوهای قدیمی دانش منسوخ شده است.



شکل ۴: پارک دانش- بانکوک تایلند

تصویر: سهیل عنایت‌الله

نهاد خانواده نیز تغییر کرده است و در این تغییر نسل، نقش ربات‌ها و هوش مصنوعی یا هدایتگران دانش در خانواده پررنگ و مسلط شده است.



شکل ۵: نویسنده به همراه یک ربات مهربان



شکل ۶: کارگاه آموزشی آینده‌پژوهی، داکا، بنگلادش، نقاشی توسط یکی از شرکت‌کنندگان در کارگاه

برای ایجاد بهره‌وری بالاتر، محیط کار در آینده تغییر خواهد کرد. نقش دولت کمرنگ شده و به جای رابطه بازار- دولت، از رابطه بازار- جامعه سخن به میان خواهد آمد. استعاره «مرد بزرگ» کسی که برای همه تصمیم می‌گیرد، شاید به استعاره «برادر بزرگ» کسی که کمک می‌کند، تغییر خواهد کرد.



شکل ۷: پروفسور کو هوآ چن، استاد آینده‌پژوهی دانشگاه تامکانگ در کارگاه آموزشی «شهر آینده» یونسکو، فیلیپین می

۲۰۱۴

در آینده، تخصص‌گرایی به یک ارزش تبدیل خواهد شد و متخصصان ارج نهاده می‌شوند و در این صورت است که رابطه همکاری میان صنعت و محل کار شکل خواهد گرفت. این قضیه از این جهت مهم و ضروری است که انقلاب دانشی در آینده باعث می‌شود که همکاران در یک شرکت یا سازمان برای خلق ارزش و ثروت باهم

همکاری کنند و به طرز هوشمندانه و با استفاده از تحلیل و پیش‌بینی‌های هوش مصنوعی، سازمان‌های بسیار چابک‌تر و تعاملی‌تری را در سال ۲۰۳۸ هدایت کنند.

ممکن است در آن زمان معیارها نیز به طرز چشمگیری تغییر کنند. در این چشم‌انداز آینده که بحث کردیم، ما به احتمال زیاد به سمت خط پایین چهارضلعی حرکت خواهیم کرد. این تغییرات شامل معیارهای شکوفایی و موفقیت، ادغام اجتماعی، پایداری زیست‌محیطی و معنویت خواهند بود (مدیتیشن، شیوه‌های درونی تمرکز حواس). با این توصیفات می‌توان گفت آینده‌ای تحت عنوان «یوگانومیک» اتفاق می‌افتد- در چنین آینده‌ای درواقع تصمیمات با استفاده از ترکیبی از علوم مختلف شامل علوم طبیعی و علوم پیش‌بینی (پیشگویی) گرفته می‌شوند، همچنین افراد و سازمان‌ها با استفاده از آرامش درونی عمیق نسبت به تغییر شرایط انعطاف‌پذیر خواهند بود و روی بدن، ذهن و روح متمرکز می‌شوند.

این به آن معنا نیست که تا سال ۲۰۳۸ مشکلات و چالش‌ها به کلی از بین خواهند رفت، درواقع تغییرات آب و هوایی در صدر چالش‌ها قرار خواهد گرفت. با این حال تا سال ۲۰۳۸، آسیا نه تنها پیشگام در انرژی‌های تجدیدپذیر خواهد شد، بلکه ساختارهایی را طراحی می‌کند که سیستم‌های توزیع انرژی را ارتقا می‌بخشد و نتیجتاً ما به راحتی می‌توانیم یک سیستم انرژی اشتراکی (اوبری) در آسیا به صورت نظیر به نظیر تصور کنیم. خیزش و ترقی آسیا در آینده به احتمال زیاد الگوهای مهاجرت را نیز تغییر خواهد داد. مهاجرت‌های عظیم و دسته‌جمعی به آسیا بیشتر خواهد شد و ما انواع مختلفی از مهاجران را مشاهده خواهیم کرد که به آسیا مهاجرت خواهند کرد، برخی برای جستجوی شغل و فرصت‌های کسب‌وکار و برخی با هدف تغییر سبک زندگی یا زندگی ساده مهاجرت خواهند کرد. مهاجرت زنان، متخصصان با ملیت‌های آسیایی، بازنشستگان با ملیت‌های غربی، پناهجویان زیست‌محیطی و کارگران خارجی به آسیا افزایش خواهند یافت. بخش‌هایی از آسیا که این ماهیت مهاجرت را درک کنند و با مهاجران همکاری هوشمندانه و فعالانه داشته باشند، در آینده بیشترین سود را خواهند برد. شعار این روند مهاجرت و درواقع این موج آینده چنین خواهد بود: «بروید شرق ای زنان جوان!».

شاید آینده پیش‌گفته بعید به نظر برسد و این جغرافیای سیاسی و فجایع آب و هوایی هستند که آینده را شکل خواهند داد. با این حال، تحقیقات ما برعکس آن را پیشنهاد می‌کند. بذریع تغییر برای آینده تحولی آسیا و درواقع کره خاکی به این بستگی دارد که چقدر می‌توانیم بر اینرسی کنونی غلبه کنیم تا چنین آینده مطلوبی را بسازیم. این مهم‌ترین پرسشی است که در جستجوی پاسخ آن هستیم.

- Clive Cookson, "China poised to opt global corporate patents," Financial Times ۱۰ March ۲۰۱۷
<https://www.ft.com/content/۳۸۴ba۴b۴-۰۸dc-۱۱e۷-ac۰a-۹۰۳b۲۱۳۶۱b۴۳?mhq۰j=e۲> Accessed ۱۲ July ۲۰۱۷
<http://blogs.wsj.com/searealtime/۲۰۱۲/۰۶/۰۱/singapore-no-۱-for-millionaires-.again/> Accessed ۲۰۲۳/۲۰ September/۲۰۲۰۱۴
<http://business.financialpost.com/2014/08/02/how-korea-became-the-worlds-coolest-brand/>. Accessed 23 September 2014.
<http://greenmetric.ui.ac.id/news/detail/۴۹/> Accessed ۲۰۲۰/۲۰ September/۲۰۲۰۱۴/۲۰ <http://greenmetric.ui.ac.id/ranking/> Accessed ۲۰۲۰/۲۰ September/۲۰۲۰۱۴/۲۰
<http://time.com/82225/china-world-biggest-economy/>. Accessed 23 September 2014. On the purchasing power basis, China overtook the US in 2014 and thus became 'the world's biggest economy.'
<http://www.businessinsider.com/china-overtakes-us-as-worlds-largest-economy-2014-10>.
<http://www.channelnewsasia.com/news/singapore/singapore-passport-becomes-most-powerful-in-the-world-9341920>.
<http://www.kpopstarz.com/articles/۱۰۱۰۹/۲۰۱۲۱۰۰۰/psy-the-new-economic-force-of-south-korea-.bbc.htm> Accessed ۲۰۲۰/۲۰ September/۲۰۲۰۱۴.
<https://asia.nikkei.com/Politics-Economy/Economy/Asia-Pacific-overtakes-US-as-home-to-most-billionaires> Accessed ۲۰۲۰/۲۰ October/۲۰۲۰۱۷.
It is not just the power of measurement but the reframing. A new piece in The Friday Times explores unhappiness in Pakistan using the gross national happiness index. The Friday Times (October 16-22, 2017), 22.
Leong, M. (2014). How Korea became the world's coolest brand. Financial Post 2 August 2014 Viewed 10 July 2015.
Masini, E. and Atal, Y. (eds.) (1993). *The Futures of Asian Cultures*, Bangkok, UNESCO.
Nasruddin, E., Bustami, R., & Inayatullah, S. (۲۰۱۲) "Transformative foresight: Universiti Sains, Malaysia leads the way" *Futures*, Vol. ۱' No. ۴۴' ۳۶-۴۰
Pushpita Alam, Susan Davis, and Syed Hashemi, "Alternative Futures of BRAC University," *On the Horizon* Vol. No. ۴' ۲۰۱۳' ۲۷۰-۲۸۰, ۲۱
This is important as hundreds of thousands of dollars are invested in a second passport – visa free mobility is highly sought after.

هفت نیروی شگرف در خدمت آینده پژوهان

نویسنده: سهیل عنایت‌الله

مترجم: محمدعلی برادران قهفرخی^۱

مادامی که فردا شبیه امروز باشد، نتیجه جز ملالت و سرافکندگی چیزی نیست. انسان امروزی به دنبال تازگی و چیزهای بدیع است، لذا در این برهه از زمان فردا قطعاً شبیه امروز نخواهد بود، چراکه ما در اوج و بحبوحه تغییرات اجتماعی و فناورانه هستیم که به برخی از آن‌ها اشاره می‌کنم.

۱. تغییرات دموگرافیک در آفریقا به نحوی رقم خواهد خورد که ۴۰ درصد کودکان دنیا در سال ۲۰۵۰ در این قاره زندگی خواهند کرد و تا سال ۲۱۰۰ حدود ۳۹ درصد از جمعیت بزرگسال در این قاره زندگی می‌کنند (۱)، (۲) و (۳).



تصویر ۲: کودکان آفریقایی^۲

۲. کاهش جمعیت در بسیاری از کشورهای غربی و شرق آسیا، منجر به کمبود نیروی کار و متعاقب آن، احتمال کاهش رشد اقتصادی در اقتصادهای پایدار خواهد شد (۴) و (۵).

۳. ظهور فناوری‌های جدید مانند چاپ سه‌بعدی، هواپیماهای بدون سرنشین، هوش مصنوعی، اتومبیل‌های بدون راننده منجر به افزایش چشمگیر بهره‌وری، کاهش هزینه‌ها و سایر فناوری‌های تأثیرگذار، منجر به بازطراحی مجدد در طراحی شهری می‌شوند. در این راستا پرسش‌هایی برای بازطراحی شهری مطرح می‌شود از قبیل اینکه چرا فضای پارکینگ به شکل کنونی نیاز است؟ یا چرا ماشین‌ها به‌عنوان خانه‌های بسیار نیستند؟

۴. احتمالاً اختلال عمده در صنایع غذایی جهانی از طریق کشاورزی سلولی^۳ منجر به انقلابی می‌گردد که بحث تولید گوشت و شیر خالص جدید بر اساس مواد جدید مطرح می‌شود و پایان زنجیره تأمین مواد غذایی بر

^۱ دانش‌آموخته دکتری آینده‌پژوهی، دانشکده مدیریت، دانشگاه تهران و محقق مرکز پژوهش‌های توسعه و آینده‌نگری (MALI.BARADARAN@GMAIL.COM).

^۲ <https://www.ictsd.org/news/bridges-africa/bridges-news/> harvesting-from-%E2%80%9Cpoor-old%E2%80%9D-china-to-harness-
%E2%80%9Cpoor-young%E2%80%9D-africa%E2%80%99s%

^۳ Cellular agriculture. ۱۶/۲/۲۰۱۹ Accessed

پایه حیوانی، احتمال تغییر داستان از کشتارگاه به سمت گلخانه‌ها و آزمایشگاه‌های مواد غذایی جدید که محصولات کشاورزی سلولی تولید می‌کنند را مطرح می‌سازد (۶).



News > World > Asia

China signs \$300m deal to buy lab-grown meat from Israel in move welcomed by vegans

For many environmental and animal rights groups, lab meat is seen as a positive move away from the slaughter of billions of animals

تصویر ۳: خبر مربوط به قرارداد ۳۰۰ میلیون دلاری چین برای تأمین گوشت‌های آزمایشگاهی

منبع: روزنامه ایندپندنت

۵. تغییر سیستم‌های انرژی به سوی انرژی‌های نو: شروع مبادلات اقتصادی نظیر به نظیر^۱ (همتا به همتا) و پلتفرم‌های جدید همکاری و همچنین ورود سیستم‌های حمل‌ونقل اشتراکی مبتنی بر فناوری از قبیل «اوبر» و استفاده از آن در سیستم‌های انرژی (اوبری شدن^۲ انرژی) از قبیل: انرژی خورشیدی مبتنی بر AI و به اشتراک‌گذاری انرژی^۳ است. این چالش‌ها باعث تغییر سلسله‌مراتب و هرم انرژی از جمله مصرف‌کنندگان و تولیدکنندگان شده و پرسش‌هایی از قبیل اینکه آیا سوخت‌های فسیلی به پایان عمر خود نزدیکند، مطرح می‌شود (۷).

۶. تغییر هژمونی قدرت از مرکزیت آمریکا به سمت چین و آسیا منجر به تغییر نگرش به ارزش‌های پیشین و سلسله‌مراتب از قبیل حقیقت، دانش و زیبایی می‌گردد (۸).

۷. در ورای همه این‌ها شاید افزایش برابری جنسیتی و تنوع و دربرگرفتن حقوق همه ذی‌نفعان و گروه‌های جامعه، نمود بیشتری پیدا خواهد کرد.

بسیاری از این تغییرات که به‌عنوان دوران جدید مطرح می‌شود، پایان بسیاری از امپراتوری‌ها از قبیل مردسالاری، نفت و زغال‌سنگ، پایان فقر، پایان برتری انسان به طبیعت را رقم خواهد زد و انتقال به این دوره جدید را «سرکار»^۴ یکی از آینده‌پژوهان سرشناس این دوره، تحت عنوان «انسان‌گرایی نو»^۵ می‌نامد. این تغییرات شگرف برای سردمدارانی که امپراتوری و منابع زیرزمینی تحت اختیار را به‌عنوان دارایی‌های خود تلقی می‌کنند، وحشتناک است؛ چراکه به لحاظ فیزیکی ذخایر زیرزمینی مثل معادن زغال‌سنگ، به لحاظ فرهنگی انحصارگرایی مردان و تغییرات نرم از جمله تفکرات امپراتوری، همه و همه در معرض تهدید، انقراض و ناپدید شدن هستند. این ترس و وحشت از این‌رو است که این سردمداران با خود عهد بسته‌اند که جامعه تحت سلطه خود که نویسنده از آن تحت عنوان «قبیله» یاد می‌کند را صرفاً از لحاظ فیزیکی و جغرافیایی

^۱Peer to peer

^۲Uberification

^۳Energy sharing

^۴Sarkar

^۵Neohumanism

دوباره بزرگ و گسترده کنند. اشاره به مقاله‌ای در خصوص ترامپ و آینده دارد که در شماره ویژه مجله آینده‌پژوهی در منبع شماره (۱۰) چاپ شده است.

مطمئناً، در این برهه از زمان و در این نوسانات و دوران تغییر، یافتن مرکزی که بتوان بر آن تکیه کرد، دشوار است؛ چراکه احساس می‌کنیم در مقابل این سونامی تغییرات قدرتمان از دست رفته و دچار نقصان و آسیب خواهیم شد و حتی از آن فراتر احساس می‌کنیم در این زمانه گم شده‌ایم. طرز فکر گذشته‌نگر و اقدامات روزمره ما دیگر به قدر کافی جوابگوی چالش‌ها و رفع مشکلات نیستند. ما شاید به چنین نیروهای شگرف آینده‌پژوهانه‌ای احتیاج داشته باشیم تا در این سونامی تغییرات، با تمرکز بر آن‌ها در امان بمانیم، همان‌گونه که آینده‌پژوه معروف «جیمز دیتور» نیز به لزوم چنین قابلیت‌هایی اشاره کرده است (۱۱).



تصویر ۴: جیمز دیتور^۱ آینده‌پژوه سرشناس غربی

من در کارها و آثارم به‌عنوان یک فارغ‌التحصیل مکتب آینده‌پژوهی «سرکار» چنین پیشنهاد می‌کنم که اگر در جستجوی آینده هستید از تغییرات و ایده‌های بدیع و تازه استقبال کنید و به دنبال قدرت‌های شگرف و خارق‌العاده باشید (۱۲).

من شخصاً تجارب استفاده از چنین نیروهای شگفت‌آوری را در کشورهای زیادی، با صدها سازمان و شرکت بین‌المللی و صدها گروه شهروندی مختلف داشته‌ام. آینده‌پژوهان برجسته از چنین نیروهای خارق‌العاده و دگرگون‌ساز استفاده می‌کنند. ما امید داریم که همه آینده‌پژوهان از چنین نیروهای شگرفی که در ادامه به آن‌ها اشاره خواهیم کرد در جهت رفع محرومیت‌ها، مقابله با چالش‌ها و خطرات بالقوه و ساختن آینده مطلوبی که همگان انتظارش را داریم استفاده کنند (۱۳).

^۱ ۱۷/۲۰/۲۰ Accessed/۲۰۱۶/۲۰۲۰۲۰۱۹/۱۰۵۳۱۰/۱۱۳/۰۶۳/http://shindonga.donga.com/Library

نیروی اول: مدیتیشن^۱

با توجه به تنش‌ها و سرعت تغییرات زیاد در زندگی روزمره، اختصاص زمان برای انجام مدیتیشن و تمرینات آن پیشنهاد می‌شود. این تمرین در طول روز باعث ایجاد آرامش می‌شود. مدیتیشن، تفکر، ذکر (آیین اسلامی)، zen (آیین چینی)، مانترا (آیین هندویی) و هر گونه روشی که باعث ایجاد تمرکز بر یک موضوع گردد و باعث رهایی از افکار آشفته شود به‌عنوان اولین نیروی شگرف^۲ در خدمت آینده‌پژوهان پیشنهاد می‌شود.



تصویر ۵: نقاشی مربوط به سماع^۳

نیروی دوم: در نظر گرفتن آینده به‌عنوان دارایی و سرمایه

دومین پیشنهاد به‌عنوان یک نیروی خارق‌العاده این است که آینده را به‌عنوان یک دارایی و سرمایه در نظر بگیریم و بخشی از فرایند یادگیری و یک سفر اکتشافی آن را تلقی کنیم و به‌جای اینکه نگران آینده باشیم که چه رخ خواهد داد، از آینده استفاده کنیم برای خلق واقعیت‌هایی که دوست داریم اتفاق بیفتند (در حیطه اختیارات و کنترل خود). بینش‌ها و پیش‌بینی‌هایی درباره جهان در حال تغییر در نظر بگیریم و اینکه ما یا سازمان ما چه کاری در مقابل این تغییرات می‌توانیم انجام دهیم را به تصویر کشیده و نموداری رو به جلو ارائه کنیم.

به چالش کشیدن مفروضات گذشته و قدیمی: به‌جای گم‌شدن در روزمرگی‌هایمان و رخداد‌های پیش‌پافتاده روزمره^۴ ما نیاز داریم که مفروضات و تصوراتمان در خصوص واقعیات را به چالش بکشیم و در چرخه یادگیری و بازآموزی قرار بگیریم. در صورتی که به سیگنال‌های ضعیف و تجارب موفق اهمیت بدهیم خلق آینده ساده‌تر خواهد بود. به‌راستی تحریف و گمراه شدن با تمرکز و تکیه بیش از حد بر پیش‌فرض‌های معین و کهن‌الگوهای قدیمی یکی از عوامل مؤثر در شکست راهبرد و استراتژی است. اغلب برآوردهای اشتباه و تحلیل‌های غلط ما از داده‌ها خصوصاً در مورد تغییر اقلیم، بیانگر این غفلت است.

^۱ Meditation

^۲ Super-power

^۳ <https://upliftconnect.com/sufi-teachings-light-your-way/>. Accessed 2017/2022/2019

^۴ litany of events



تصویر ۶: کشتی در حال غرق شدن نمادی از واکنش جمهوری خواهان به تغییر اقلیم^۱

ما برای تهیه فهرست کارهای روزانه^۲ و مواردی که باید انجام دهیم عجله داریم. ولی در واقع می‌بایست بر حلقه‌های یادگیری و بازآموزی که منجر به زیر سؤال بردن مفروضات و به چالش کشیدن آن‌ها تمرکز کنیم. سؤالاتی از قبیل: آیا آینده باید خلق شود و یا خود برای ما رقم خواهد خورد؟ چگونگی باور ما در خصوص اینکه آینده روش است یا تیره و تاریک؟

برای روشن شدن موضوع مثالی از اقدامات گمراه‌کننده در خصوص آینده مطرح می‌کنم. فرض کنید یک سازمان بزرگ به مدیران خود مبلغی را برای انجام یک پروژه آینده‌پژوهی در خصوص تحلیل و تأثیر متغیرهای بیرونی بر سازمان با استفاده از- اسکن محیطی^۳- تخصیص داده است و به کارشناسان پول داده تا در مورد این گزارش نظر دهند. با این حال، آن‌گونه که در جلسات هیئت مدیره سازمان مشهود است، اینکه سازمان مذکور اصلاً قصد تغییر استراتژی‌های خود را ندارد. آن‌ها صرفاً می‌خواهند به برنامه‌ریزان خود در خصوص آینده نوظهور آگاهی‌هایی داده و نشان دهند که کوشش لازم را در خصوص اطلاع‌رسانی و آگاهی‌بخشی صورت داده‌اند. در واقع این سازمان اصلاً تمایلی ندارد که پیش‌فرض‌های اساسی خود را به چالش کشیده و مورد نقد و بازبینی قرار دهد و لذا تعریف چنین پروژه آینده‌پژوهی بدون زیر سؤال بردن مفروضات و پیش‌فرض‌ها و راهبردهای سازمان بسیار گمراه‌کننده است.

نیروی سوم: یافتن «آینده‌های دست دوم»^۴ و تفکیک آن‌ها از آینده‌های ناب

تمرکز بر «آینده‌های دست دوم» فعالیتی است که دیگر به کار نمی‌آید و منسوخ شده است. با این حال بسیاری از سازمان‌ها به غلط بدون توجه به شرایط و توانایی‌های خود صرفاً می‌خواهند که بخشی از انقلاب دانشی باشند، در حالی که هنوز درگیر بوروکراسی امور روزمره و سیستم زمان‌سنجی اداری (ورود و خروج طبق ساعت معین) هستند. بروز چنین رفتاری از چنین سازمان‌هایی در عصر حاضر شبیه مؤسسات قرن نوزدهمی

^۱<https://imgur.com/gallery/aynABv6%20by%20Xinbi%20/%20Accessed%2016%20%202019>

^۲To do list

^۳ The environmental scan

^۴Used future

و قدیمی است، به نحوی که کارکنان دچار خستگی مفرط روزانه ناشی از نظارت و حضور و غیاب هستند و احساس می کنند که آنچه آن ها را خاص می کند و ارزش افزوده آنها محسوب می شود به چشم نمی آید و صرفاً حضور فیزیکی و اداری آن ها مهم است.



تصویر ۷: نقاشی با موضوع سیستم قدیمی ثبت ساعت ورود و خروج کارکنان

نیروی چهارم: کشف تأثیر تغییرات و فناوری های نوظهور و برافکن، تغییر ذهنیت فرهنگی، تغییرات دموگرافیک بر آینده

کار کردن درباره این موضوعات به قدری مهم و حیاتی است که می بایست تأثیرات موج اول و دوم این تغییرات را رصد و اندازه گیری کرد و اینکه کدام تأثیرات به درستی تشخیص داده شده اند، مورد بحث قرار گیرند. در دنیایی که آینده در حال تغییر و تحول باشد، سازمان هایی با چنین طرز فکر منسوخ می شوند به دنبال یک گزینه معین و تغییرناپذیر هستند. معقولانه تر و هوشمندانه تر این است که گزینه های دیگر را نیز تصور کنند. به عنوان مثال، بگذارید تصور کنیم که با ظهور و گسترش کشاورزی سلولی^۱، چه گزینه هایی ممکن است پیش روی شما مطرح شوند:

(۱) به سمت کشاورزی بازتولید شونده^۲ حرکت کنید، جایی که کشاورزان مباشر زمین های کشاورزی هستند.

(۲) به سمت تولید گوشت خالص بروید و زمینی را که برای دامپروری و چرا مورد استفاده قرار می گرفت، برای اهداف دیگر استفاده کنید.

(۳) به یک فروشنده گوشت ارگانیک تبدیل شوید.

(۴) تمام موارد فوق یا

(۵) به این امید اینکه فناوری جدید شما و صنعت شما را مختل نکند، هیچ کاری انجام ندهید؟

در اینجا می توان چنین توصیه کرد که به جای تمرکز و یافتن تنها یک جواب و گزینه آینده مملو از گزینه های ممکن است. با این حال، ما معمولاً بدون توجه به پیامدهای یک پدیده نوظهور، اغلب یک موضع تدافعی نسبت به آن می گیریم.

^۱ Cellular agriculture

^۲ Regenerative

در این راستا نویسندگان اشاره می‌کند زمانی که ایده آینده احتمالی گوشت‌های آزمایشگاهی^۱ (گوشت‌های تولید شده خارج از چرخه طبیعی) توسط یک اتحادیه کشاورزی در یک کارگاه آینده‌پژوهی در سپتامبر ۲۰۱۶ با عنوان «آینده مصرف فراورده‌های گوشتی» ارائه شد، در ابتدا شرکت‌کنندگان چنین تصور کردند که گیاهخواران^۲ و دانشمندان جایی در این ایده جدید ندارند و از گروه هدف حذف خواهند شد. با اینکه این ایده با شوخی و طنز ارائه شد، اما در این چالش پیش آمده از گزاره «هیچ کاری نمی‌توانیم بکنیم» به سمت استراتژی‌های جایگزین حرکت کردند و برای همه شرکت‌کنندگان گزینه‌های دیگر نمایان شد.



تصویر ۸: کارگاه آینده‌پژوهی و کاربست روش چرخ آینده با عنوان آینده گوشت طبیعی یا آزمایشگاهی، سپتامبر ۲۰۱۶، ملبورن استرالیا

نیروی پنجم: تمرکز بر سناریوها و داستان‌های ممکن درباره آینده

نیروی خارق‌العاده پنجم که می‌توان از آن بهره برد، این است که به جای جستجوی صرفاً یک جواب درست می‌توان بر سناریوها و داستان‌های ممکن درباره آینده تمرکز کرد. سناریوها نقش منزلگاه‌های ممکن برای ما، سازمان ما و ملت ما را می‌توانند ایفا کنند. از طریق این سناریوها گزینه‌هایی خلق می‌شوند که تضادها و تعارضات با به تصویر کشیدن آن‌ها رفع می‌شوند. سناریوها می‌توانند برای تدوین و توسعه راهبردهای ملی به کار بیایند. به‌عنوان مثال، وزارت آموزش مالزی راهبردهای ملی را بر اساس این تکنیک تدوین کرده است.

^۱ Lab meat

^۲ Vegetarians

^۳ Future wheel

4-QUAD FUTURE UNIVERSITY MODEL

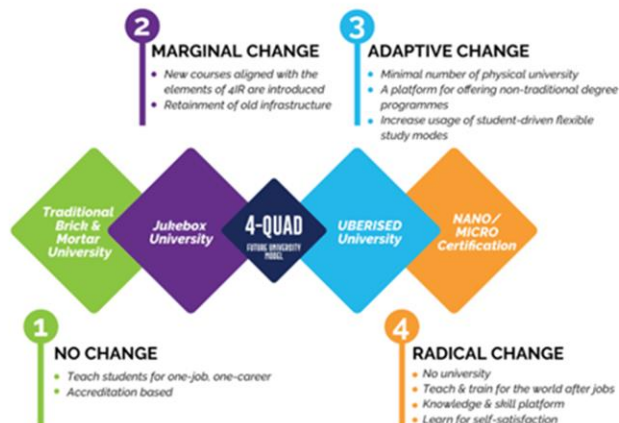


Figure 3.1: Four-Quad Future University Model

تصویر ۹: مدل ۴ گوش آینده دانشگاه در آموزش عالی مالزی^۱

اقتباس از عنایت‌الله، ۲۰۱۷

نیروی ششم: کاربست استعاره‌های^۲ قوی و کارا برای راهبردهای آینده با استفاده از تحلیل لایه‌ای علت‌ها^۳

عموماً هر فرد یا سازمانی یک داستان یا روایت شخصی از چگونگی تعامل و تطابق با تغییرات محیط و جهان دارد. اغلب با تغییر عوامل محیطی، این داستان یا روایت شخصی فراموش می‌شود و افراد و سازمان‌ها تنها نظاره‌گر و دنباله‌رو شرایط موجود هستند و غرق در استعاره روزمره‌ای می‌شوند که چشم‌انداز آرمانی و مورد انتظار آن‌ها را خلق نمی‌کند و منجر به رنج کشیدن از نتایج می‌شود.

به عنوان مثال یک سازمان یا شرکت بین‌المللی در پی خلق آینده بود، ولی استعاره‌ای که در چشم‌انداز شرکت به چشم می‌خورد، شبیه به یک «فیل چلاق مسن» بود. اما ناگزیرند که یک استعاره مناسب و متعالی برای داستان و روایت خود پیدا کنند که بر اساس آن آینده مطلوب و دلخواهشان را به تصویر بکشند. آن‌ها می‌توانند مثلاً استعاره «اختاپوس یا هشت‌پا»^۴ برای آینده شرکتشان تصور کنند که خصوصیتی از قبیل هوشمندی، انعطاف‌پذیری، آمادگی بالا در پاسخ‌دهی به محرک‌ها را دارا باشد. این قضیه حتی در مورد افراد نیز صدق می‌کند و آن‌ها نیز داستان‌ها و روایت‌های خوبی ندارند. در این خصوص به مدیری برخوردیم که دریافت مهارت‌های اساسی که طی ۴۰ سال خدمت آموخته است که دیگر به کار نمی‌آیند. او چنین بیان کرد که در تصوراتش فکر می‌کرد بر اساس داشته‌ها و شایستگی‌هایش در یک زمین تنیس چمن در حال بازی است، در حالی که اکنون در واقع در یک زمین خاکی بازی می‌کند.

^۱<https://www.nst.com.my/education/2018/04/361452/way-forward-higher-education-4ir-era>

^۲Metaphor

^۳Causal layered analysis

^۴Octopus

در روایت جدید، او به کسی تبدیل خواهد شد که می‌تواند در چندین زمین مختلف بازی کند. لذا او نیاز دارد تا مهارت‌های زندگی خود را در زمینه هوش معنوی و عاطفی گسترش دهد. با این حال، در بلندمدت، او متوجه خواهد شد که اصلاً مسئله برد و باخت مهم نبوده، بلکه شور و شوق و عشق به خود بازی مهم است. بنابراین، روایت بهتر برای آینده فردی پیش رویش چنین خواهد بود که مربی باشد تا به کودکان بیاموزد چگونه بازی کنند.



تصویر ۱۰: بازی تنیس در زمین خاکی و چمن^۱

نیروی هفتم: ارتباط دادن داستان و روایت به سیستم و استراتژی

نیروی هفتم و بالاخره و شاید مهم‌ترین ابرنیرو از بین همه موارد گفته شده، نحوه پیوند دادن داستان و روایت به سیستم و استراتژی است، وگرنه داستانی واهی و پوچ و صرفاً کلمات و عباراتی است که منجر به نتیجه‌ای نمی‌شوند (۱۴). به عنوان مثال، اگر اختاپوس استعاره جدید برای داستان باشد، باید نیرو را به بازوها و سایر قسمت‌ها (دور از سر و مرکز ثقل) گسیل داشت و به تعبیری باید برای تهدیدها و فرصت‌های نوظهور تأمین منابع صورت پذیرد.

در داستان قدیمی اگر فیل ناتوان را به عنوان استعاره سازمان در نظر بگیریم، سازمان قادر به دیدن آینده نیست؛ زیرا هیچ راه و روش سیستماتیک و منظمی برای پوشش محیطی روندها و سیگنال‌های ضعیف ندارد. اگر اختاپوس را به عنوان استعاره جدید تعریف کنیم، بنابراین سازمان باید به نحو انعطاف‌پذیری بر نتایج متمرکز شود. تغییرات سیستماتیک نیز به این معناست که سازمان مورد نظر برای موفقیت نیاز به تعریف و تدوین معیارهای جدیدی دارد، به نحوی که صرفاً در قالب یک داستان خلاصه نمی‌شود؛ بلکه شاخصی (لنگری) برای آینده مورد انتظار و مطلوب محسوب می‌شود.

غالباً سازمان‌ها مایلند از مدیریت بحران که به صورت استعاری «آمبولانس» نام‌گذاری گردیده است، به سمت پیشگیری (استعاره حصار) حرکت کنند. لذا در عمل با انجام این کار بودجه کمتری در آینده صرف بحران‌ها می‌شود، چراکه آن‌ها قبل از وقوع مشکل و بحران چاره و راه‌حل آن را پیش‌بینی کرده‌اند.

^۱<https://www.tennis.com.au/learn/courts-and-surfaces/>. Accessed 2020/19/2/16

ذی نفعان مختلف نیز بر این عقیده‌اند که معیارهای جدید برای پیشگیری از بحران‌ها لازم است. به عنوان مثال، پیتر اسلیلی معاون سابق کمیسر پلیس تورنتو نیز این نکته را گوشزد کرده است. حتی نمایندگان مجلس نیز قبل از افتتاح و قیچی کردن روبان پروژه‌ها با شک و تردید مواجه می‌شوند و باید اقدامات پیشگیرانه را نیز مدنظر قرار دهند. بنابراین همگان متفق‌القول هستند که معیارهای جدید برای پیشگیری در چشم‌انداز سازمان نیاز است. با این ابرنیروی شگرف که در آخر معرفی شد، دنیاهای شهودی شامل روایت‌ها، داستان‌ها و چشم‌انداز با دنیاهای عینی شامل سیستم‌ها، روش‌ها، معیارها هم‌راستا و هماهنگ می‌شوند. از یک سو آینده محقق می‌گردد و از طرف دیگر، واقعیات اکنون در آینده متبلور می‌شوند.



تصویر ۱۱: نحوه ارتباط و اتصال راهبرد به استعاره در سناریوهای آدلاید پارک دیوید چیک، ماه می ۲۰۱۴

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

در جمع‌بندی مطالب پیش‌گفته می‌توان چنین گفت که در عصر تغییرات شدید ما لزوماً به نقشه بهتر برای تغییر دنیا نیاز نداریم، بلکه نیروها و ابرنیروهایی برای جلوگیری از وقوع آینده‌های نامطلوب و خلق آینده‌های مطلوب نیاز داریم. این ابرنیروها عبارتند از:

۱. نیرویی که ما را قادر به برقراری آرامش روحی و جسمی سازد و با کمک مدیتیشن بر موضوعات تمرکز کنیم.
۲. نیروی یادگیری مداوم و عکس‌العمل به موقع به جای دنبال کردن پیش‌فرض‌های کم‌اهمیت و رفتارهای گذشته.
۳. نیروی مقابله با آینده‌های دست دومی که به صورت پیش‌فرض سرمشق قرار داده‌ایم، ولی کارایی ندارند.
۴. نیرو و قابلیت درک چگونگی تغییرات محیطی و تأثیر مسائل برفاکن و نوظهور بر زندگی روزمره و بر راهبردهای سازمان‌ها.
۵. نیروی درک و خلق آینده‌های جایگزین به جای تمرکز بر یک آینده محتمل.
۶. نیرو و قابلیت داستان‌سرایي و روایت‌سازی برای خلق داستان‌های مختلف برای زندگی و اینکه بتوانیم طرحی نو دراندازیم.
۷. نیاز به نیرویی برای ارتباط و اتصال داستان و روایت جدید به تغییرات سیستمی و خلق چرخه‌های تغییر مناسب و تضمین اینکه چگونه ارزش‌ها را مهم شماریم و به آن‌ها عمل کنیم.

<https://theconversation.com/japan-is-not-the-only-country-worrying-about-population-decline-get-used-to-a-two-speed-world-56106>. Accessed 16 2 2019.

<https://www.bbc.com/news/world-africa-28757054>. Accessed 16 2 2019.

<https://www.bbc.com/news/world-africa-28757054>. Accessed 16 2 2019.

<https://www.independent.co.uk/news/world/asia/china-israel-trade-deal-lab-grown-meat-veganism-vegetarianism-a7950901.html>. Accessed 16 2 2019.

I am indebted to the World Bank executive Richard MacGeorge for alerting me to this approach. He moves the discourse away from political interests to sunken psychic costs.

James Dator, “Surfing the tsunamis of change,” <http://www.futures.hawaii.edu/publications/futures-visions/SurfingTsunamisMexico1994.pdf>. Accessed 16 2 2019. Also see: Christopher Jones, “Surfing the tsunamis of change,” *Journal of Futures Studies*, Vol.8, No.2, 2013, 115-122.

<http://www.jfs.tku.edu.tw/18-2/S04.pdf>. Accessed 16 2 2019.

See Sohail Inayatullah, “Ageing Futures: From Overpopulation to World Underpopulation,” *The Australian Business Network Report* (Vol. 7, No. 8, 1999), 6–10.

See Sohail Inayatullah, “The Youth Bulge,” *Journal of Futures Studies* (Vol. 21, No. 2, December, 2016), 21-24.

See Sohail Inayatullah, *Understanding Sarkar: the Indian episteme, macrohistory and transformative knowledge*. Leiden, Brill, 2002.

See special issue on Donald Trump and the future, the *Journal of Futures Studies*. (Vol. 21, No.3, March, 2017),

See, for example, Sid Jordan, “Era of Neohumanism,” <https://gurukul.edu/newsletter/issue-38/era-of-neohumanism/>. Accessed 17 2 2019. Also see, Sohail Inayatullah, Marcus Bussey, and Ivana Milojevic, eds., *Neohumanist educational futures*. Tamsui, Tamkang University, 2006.

See, for example, Sohail Inayatullah, *Asia 2038: ten disruptions that change everything*. Tamsui, Tamkang University, 2018.

These are drawn from, Sohail Inayatullah, *What works – case studies in the practice of foresight*. Tamsui, Tamkang University, 2015.

توسعه در آینده: ضرورت بازاندیشی در مفهوم توسعه و جهت‌گیری‌های آینده توسعه

سعید قاسمی‌زاده تمر

عضو گروه پژوهشی آینده‌نگری و فناوری‌های نو

از زمان مواجهه سخت قوای عباس‌میرزای قاجار با قوای روسیه، نخبگان ایرانی یک دغدغه مشترک را تا به امروز حفظ کرده‌اند که می‌توان آن را توسعه ایران نام داد و نمود رسمی این دغدغه تداوم هفتاد سال تدوین و اجرای برنامه‌های توسعه در ایران است. کسانی که برنامه‌ریزی را امری مرتبط با پدیده توسعه می‌دانند، آینده‌نگری برای برنامه‌ریزی توسعه را توصیه می‌کنند.

از طرفی آینده‌پژوهی، مدعی یک پارادایم متمایز برای رویکردی علمی به مسائل اجتماعی است و از این حیث که موضوع آن، مقوله اجتماع است با توسعه، فصل مشترک دارد. قابل توجه است که سه‌گانه توسعه، سیاست‌گذاری عمومی و آینده‌پژوهی، هم‌زمان در اندیشه پایه‌گذاران و پیشگامان آینده‌پژوهی برای مثال هارولد لاسول قابل رصد است. در طول ۷۰ سال گذشته، به نظر می‌رسد، رشته فعالیت‌های علمی متمایزی مثل خط‌مشی‌گذاری، آینده‌پژوهی و مطالعات توسعه از دیدگاهی متمایز، به یک امر واحد می‌پردازند که هر چه در طول زمان پیش‌تر می‌رویم همگرایی این سه، بیشتر مشهود می‌شود. برای ایجاد هم‌افزایی بین این دیدگاه‌ها به امر توسعه، لازم است از نو، وجوه مشترک و متمایز، روابط، نگرش‌های متفاوت تبیین شود. در این نوشته، به ضرورت بازاندیشی در مفهوم توسعه و جهت‌گیری‌های آن پرداخته می‌شود.

مقدمه

نخستین دهه‌های قرن بیست‌ویکم را برای جامعه بشری، می‌توان دوره ناپایداری‌ها، عدم قطعیت‌ها و نگرانی‌های غیرمعمول دانست که ایجاد این ویژگی‌ها به علت شتاب‌گیری تحولات در همه ابعاد فعالیت انسانی است. تحولات در همه ابعاد فعالیت انسانی یک کلان‌روند تغییر است. در تفسیر بزرگی و جهت این کلان‌فرایند تغییر، دو پیشران عمده نقش دارند که دامنه آینده‌های بدیل و ممکن پیش‌رو را تعیین می‌کنند. پیشران نخست که به صورت یک مشکل روزافزون بروز می‌کند، اثر متقابل بین فعالیت‌های انسان و زیست‌بوم‌هایی است که ضامن بقاء و حیات انسان در زیست‌کره هستند. پیشران دوم، تأثیرات گسترده و فراگیر پیشرفت‌های علمی و فناورانه هستند.

این دو پیشران، یعنی اثر متقابل فعالیت انسانی و زیست‌بوم انسان و اثرات پیشرفت‌های سریع علم و فناوری بر زندگی و فعالیت انسان‌ها، این پرسش را برمی‌انگیزند که آیا توسعه به مفهوم رایج، همچنان هدف غالب و غیرقابل بحث جوامع است یا به بازاندیشی در مفهوم آن نیاز است؟ عصر جدیدی که پیشران‌های مذکور، پدید می‌آورند برای انسان و نهادهای مرسوم جامعه، بافتار جهانی متفاوت، نوظهور و ناآشنا دارد. نقطه شروع بازاندیشی باید از ارزیابی مجدد ایده پیشرفت عصر روشنگری و مفهوم توسعه باشد؛ یعنی درست از جایی که سفر انسان و جوامع به موقعیت امروزی، از آنجا شروع شده بود: عصر روشنگری و ایده پیشرفت.

برنامه بیکن

چرا برنامه^۱ بیکنی: بحران‌های زیست‌محیطی عصر حاضر محصول عوامل متعدد فکری، فرهنگی، سیاسی و اقتصادی است. این بحران پیش از آنکه بحران زیستی باشد، بحرانی معرفتی است. نقش عوامل فکری- فلسفی در زایش این بحران‌ها، نه تنها نقشی اثرگذار و غیرقابل انکار است، بلکه اصولاً نظریات فلسفی از بنیادی‌ترین علل این بحران‌ها محسوب می‌شوند (کرباسی‌زاده و شیراوند، ۱۳۹۴). بدون تردید یکی از تأثیرگذارترین اندیشه‌ها و مبانی فلسفی در زایش بحران‌های زیست‌محیطی مربوط به فرانسیس بیکن است. بیکن در کتاب ارغنون جدید در پی آن است که روش جدیدی را برای شناخت درست طبیعت ارائه دهد. وی به گونه‌ای نسبت به پردازش جهان اقدام کرده که تقریباً همه اجزای تشکیل‌دهنده فلسفه وی اعم از انسان‌شناسی، طبیعت‌شناسی و حتی منطق در خدمت رفاه انسان و تخریب طبیعت و محیط‌زیست عمل کرده است.

برای چهار قرن، زندگی و افکار ما از دیدگاه جامعی که فرانسیس بیکن از چگونگی استفاده از قدرت علم مدرن در خدمت آسایش بشر عرضه کرد، تأثیر عمیق گرفته است. هانس جونا،^۲ فیلسوف آلمانی برنامه بیکنی را «هدف‌گیری دانش برای قدرت علیه طبیعت و بهره‌گیری از قدرت علیه طبیعت برای بهبود وضع بشریت» تفسیر می‌کند (جونا، ۱۹۸۴: ۱۴۰).

ویژگی‌های برنامه بیکن:

۱. آگاهی و توجه به اهمیت رویه‌های مناسب و متدولوژی علمی.
۲. پنداری واضح از هدف تولید دانش (بهبود شرایط بشر).
۳. ایده پیشرفت انباشتی و بی‌نهایت انسانی (پیشران‌های عصر بیکنی).
۴. باور محکم به اینکه انسان جایگاهی منحصر به فرد و مشروع در هستی دارد.
۵. درک علمی تمهیدات ضروری اجرای برنامه شامل نهادهای علمی، حمایت عمومی و وطن‌پرستانه (موجه‌شدن تخصیص منابع از سوی دولت‌ها) از علم.

از پیشرفت تا توسعه

باور به ممکن بودن توسعه در پایان جنگ جهانی دوم ظهور کرد. شکوفایی متفکین مبتنی بر بسیج بی‌سابقه دانش علمی، ظرفیت عملیاتی و مهارت مدیریتی بود و این ایده را تقویت کرد که دخالت‌های ارادی می‌تواند شرایط را بهبود بخشد. به‌طور موازی با موفقیت‌های بازسازی کشورهای جنگ‌زده، در میانه دهه ۱۹۴۰، مفهوم توسعه ظهور می‌کند که همانا بازگشت به ایده پیشرفت غیرقابل اجتناب بشر در کلیت عصر روشنگری و گسترش آن به تمام دنیا بود.

به این ترتیب، توسعه واژه و تجسم جدید پیشرفت شد که به‌طور کامل ریشه در برنامه بیکن دارد. به دنبال ربع قرن طلایی رشد اقتصادی، مشخص شد که منظور از بهبود شرایط بشر، عمدتاً افزایش رفاه مادی،

^۱Program

^۲Hans Jonas.

فهم می‌شود که تحقق آن برای کشورهای عقب مانده، مشروط به کمک کشورهای عمدتاً غربی یا تکرار کارهایی است که کشورهای غربی انجام داده‌اند. به این ترتیب، عبارت پیشرفت بی حد و مرز بشر، توسعه خوانده شد و به یک هدف غیرقابل پرسش، در همه جوامع مبدل شد.

ایگنسی ساچ، توسعه را پس از جنگ جهانی دوم، یک مفهوم ایدئولوژیک می‌داند. نخست به دلیل این که یک افق بلندمدت و چارچوب برنامه‌ریزی و وظایف فوری برای بازسازی از جنگ ارائه می‌کند. دوم اینکه، سه ایده مهم که در ذهن هر کسی یافت می‌شود را کنار هم آورده است: (۱) نیاز به تأمین اشتغال کامل که عوارض رکود بزرگ را دفع کند؛ (۲) به رسمیت شناختن نقش اقتصادی فوق‌فعال برای دولت - که در مارکسیست‌ها واضح است، در تمهیدات ایجاد دولت‌های رفاه و در جریان اصلی اقتصاد غرب در آن زمان؛ یعنی کنزین‌ها هم تا حدودی این نقش برای دولت متصور می‌شدند؛ (۳) برنامه‌ریزی به مثابه یک ابزار غیرقابل کنار گذاشتن برای ممانعت از اتلاف منابع کمیاب.

دو سیستم بدیل برای دستیابی به توسعه در میانه جنگ سرد، مسلم فرض می‌شد: سیستم نخست، بازارمحور همراه با دموکراسی‌های متکثر و دوم، سیستم برنامه‌ریزی متمرکز با سیستم سیاسی تک‌حزبی است. در هر دو سیستم، نه تنها پیش‌فرض‌هایی مثل امکان‌پذیری و اجتناب‌ناپذیر بودن توسعه بلکه این پیش‌فرض‌ها که تنها راه رسیدن به توسعه، رشد اقتصادی و مدرن‌سازی جامعه است، مشترکند! نسخه‌های سیاستی منبعث از چنین مفهومی، به کارایی اقتصادی، تخصیص منابع، تولید و مصرف، پس‌انداز و سرمایه‌گذاری، رشد و دیگر مشخصه‌های اقتصادی محدود می‌شود (Arnold, ۱۹۷۸).

رفتار انسان‌ها، با فرهنگ، اخلاق و معانی هدایت می‌شوند، ابعاد غیرمادی فعالیت‌های انسانی، شامل احساس‌ها، ارزش‌ها و معانی و نیات، در ظرفیت تأیید و تشکیل اقدام، نقش اساسی دارند، همچنین در ایجاد و حفظ نهادها و هدایت تلاش‌های افراد جامعه در جهت بهبود شرایط، نقش بنیادین ایفا می‌کنند. با این وجود در ادبیات توسعه، فرهنگ، دین، اخلاق، وفاداری قومی در تفکر توسعه و اجرای آن، به‌طور عجیبی، بی‌اهمیت قلمداد می‌شدند. عوامل فرهنگی، پیش‌فرض و پیش‌نیازهای توسعه دیده می‌شدند، اما مؤلفه ضروری و یکپارچه برای موفقیت امر توسعه، مورد تأکید قرار نمی‌گرفتند (Harrison & Huntington, ۲۰۰۰). توسعه، مسئله‌ای دیده می‌شد که با اتخاذ راهبردها و سیاست‌های معین، حل می‌شد و تصویر آن، همانی بود که در کشورهای ثروتمند متبلور شده بود.

غروب عصر بیکنی

موفقیت فراگیر برنامه بیکنی که تلاش‌های بشری را در چهار قرن گذشته شکل و جهت داده بود، هم‌اینک منجر به تزلزل در پایه‌های خود شده است. هر پنج ویژگی اصلی برنامه بیکنی، زیر سؤال رفته‌اند. تصور ما از جایگاهی که بشر از خود دارد و چشم‌انداز آینده آن، نیازمند ارزیابی اساسی است که به‌نوبه خود، بازنگری پیشرفت و توسعه را به دنبال دارد.

دانش چنان با سرعت در حال پیش رفتن است که ارائه تبیین و تصویری دقیق و به‌روز از تغییر، غیرممکن شده است. هوش مصنوعی، ظرفیت تولید دانش و نحوه تولید آن را تغییر داده است و مهم‌تر اینکه، انسان

دیگر تنها دارنده حق استدلال شناخته نمی‌شود. پیشرفت‌های مهندسی ژنتیک و بیوتکنولوژی، امکان دست‌کاری دلخواه در تکامل نوع انسان فراهم آورده است، هر چند آمادگی در ما برای رفتار مسئولیت‌پذیر در قبال آن، محل سؤال است. همچنین رواج آرام نوع جدیدی از واقعیت که به آن فضای سایبر یا مجازی می‌گوییم، ما را به واکنش واداشته است که خود چالشی مجدد به دوگانه‌گرایی سنتی است. پیشرفت‌های فناوری، تعامل‌های انسانی را دچار تحول کرده و به‌طور مدام حس ما از هویت خود را متحول می‌کند. روش علم مدرن، در دهه‌های آینده با تغییرات بزرگ‌تری مواجه است، مدهای جدید تولید دانش (دانش و نه علم!)، بازتاب شخصیت بنگاه‌های علم مدرن، تأثیر علوم اطلاعات و فناوری و پیچیدگی ارتباط صورت‌بندی نظری و روایی‌سنجی تجربی، بیانگر این نکته‌اند که ما وارد عصر جدیدی از علم شده‌ایم. عوارض تلاش‌های علمی که به تعبیر بیکنی باید به بهبود وضعیت بشر منجر می‌شد، چنان گسترده است که دیگر نمی‌توان، آن تعبیر را برقرار دانست.

شواهدی که رشد نمایی فعالیت‌های انسانی را عامل تغییرات غیرقابل بازگشت در محیط‌زیست می‌شوند، ایجاب می‌کند که دیگر انسان خود را مرکز کائنات فرض نکند و خود را بخشی از موجودات زنده تصور کند. تحولات در نهادهای علم و بهره‌برداران علم نیز گسترده است و تأمین مالی نهاد علم از سوی بخش عمومی، در حال عقب‌نشینی است و اینک ۷۰ درصد حمایت از علم و فناوری، از سوی بخش خصوصی تأمین می‌شود (یونسکو، ۲۰۱۸).

بازاندیشی توسعه

رابطه هم‌راستای توسعه و رشد، بلافاصله بعد از جنگ جهانی دوم در دهه ۱۹۶۰ زیر سؤال رفت. نقدهای توسعه به‌مثابه رشد، بیان می‌کنند که رسیدن به سطح شکوفایی رفاه مادی و مصرف دولت‌های ثروتمند، برای همه دنیا ممکن نیست؛ چراکه چنین امری، محدودیت‌های بیوفیزیکیال زیست‌کره را نقض می‌کند و پایداری طبیعی اکوسیستم که زیربنا و پشتیبان حیات انسان‌ها است را تهدید می‌کند.

کولبای (Colby, ۱۹۸۹) پنج پارادایم برای آزمایش ارتباط بین محیط‌زیست و توسعه را شناسایی کرده و با بررسی ویژگی‌ها، راه‌های منبعث از هر یک و توصیه‌های سیاستی اصلی را استخراج می‌کند. با ارزیابی شایستگی‌ها و ضعف‌ها، او پیشنهاد می‌کند که حرکت در جهت «اکو-توسعه» ممکن است و خیزش جنبش‌های نگران محیط‌زیستی مانند جنبش سیاسی سبز، نشانگر تغییر در سیستم ارزش‌ها است. اکومدرنیسم^۱ یک نوع تلاش برای بازاندیشی در مفهوم توسعه بود که سیاست‌ها و راهبردها را برای فناوری‌هایی با آلاینده‌گی کمتر هدایت می‌کرد.

تلاش دیگر، با تمرکز بر الهامات غیرمادی بشری که همچنان در ایجاد احساس غنای انسان نقش ایفا می‌کنند، پیش می‌روند. مفاهیمی مثل فرصت‌های زندگی، آزادی، کارکردها، رهایش و توانمندسازی‌ها در تعاریف توسعه، بازتابی است که امکان‌پذیری افراد و جوامع در انتخاب سبک زندگی و تصمیم‌گیری درباره آینده خود را مورد تأکید قرار می‌دهد و با محدودیت‌های محیط‌زیستی نیز خود را تطبیق می‌دهد. این رویکرد

^۱Ecomodernism.

توسط اندیشمندانی از هند مانند مهاتما گاندی و رایبندرانات تاگور در قرن بیستم و بعدها اندیشمندان غربی نظیر اریک فروم که بین «داشتن» و «بودن» تمایز قائل بود و دنیس گولت که «مناسب داشتن برای بیشتر بودن» و «انسجام کیهانی»^۱، دو راهبرد راهنما برای توسعه را معرفی کرد، پی‌ریزی شد.

توسعه به مثابه تجدیدنظر در چارچوب‌بندی و احیاء و خلق ارزش‌ها

گارسیا مورنت^۲ (۱۹۸۰) هشت دهه قبل نوشت: «پیشرفت یعنی تحقق حیطة ارزش‌ها، از طریق تلاش‌های بشر: به‌طور خلاصه، پیشرفت نشانگر تحقق ارزش‌هاست». با استفاده از این ایده، سگستی (۲۰۱۹)، پیشرفت و توسعه در تحول به عصر پسایبکنی را «فرایند نابسته»^۳ چارچوب‌بندی مجدد ارزش‌های قدیمی، احیای ارزش‌های موجود و خلق ارزش‌های جدید برای تکامل فزاینده ادراک روشنگرانه و مشترک شده از آنچه انسانیت هست، باید باشد و طراحی ابزار/ معانی برای پیش رفتن فردی و جمعی برای تحقق این ارزش‌ها» تعریف می‌کند.

انسان‌ها، این توانایی را دارند که تمایز آگاهانه‌ای بین ایده، احساسات و رخداد‌های مرجح از نامرجح نهادینه کنند تا پردازش نقشه‌های ذهنی را تسهیل کرده و محیط خارجی و موقعیت درونی را هم‌زمان در نظر گرفته و در مورد عواقب اقدامات و رفتار فعلی پیش‌نگری ایجاد کنند و نتایج نهایی دلخواه را پیگیری کنند. پیوندهای مؤثر و اعتماد متقابل امکان تبدیل ترجیحات فردی به تعهد جمعی را فراهم می‌آورد که این فرایند در تعامل چرخه بسیار بزرگ‌تری از انسان‌ها ممکن می‌شود. وقتی ترجیحات مذکور، به صورت فرهنگی مورد پذیرش قرار گیرد و به اشتراک گذاشته شود، بدل به ارزش‌هایی می‌شوند که به‌طور هنجاری جامعه را به تمرین آزادی‌های فردی رهنمون می‌کند.

سیستم‌های فلسفی مختلف در غرب، چین، جنوب آسیا و جهان اسلام، مفاهیم مشابهی در ارزش‌گذاری انسان‌ها در موضوعاتی مثل قدرت، فضیلت دارند این نوید را می‌دهند که هسته ارزش‌هایی که به‌صورت گسترده‌تری در جهان مقبول هستند را می‌توان برای بازتعریف توسعه و تحول به عصر پسایبکنی استفاده کرد. شواهدی وجود دارد که بازتعریف توسعه به مثابه خلق، تفسیر و تحقق ارزش‌ها، شروع شده است. عبارت توسعه به‌مثابه آزادی از آمارتیا سن، به همراه مفاهیم مرتبط مثل کارکرد و قابلیت، راهنمای خوبی در بازاندیشی ارائه می‌کنند که در بیانیه هزاره سازمان ملل متحد (موسوم به ملنیوم یا اهداف هزاره) شامل آزادی، تسامح، برابری، انسجام و احترام به طبیعت و مسئولیت‌پذیری مشترک بازتاب یافته‌اند. نکات سن در شاخص توسعه انسانی، اندازه‌گیری‌های اقتصادی برای عملکرد و پیشرفت اجتماعی نیز، تأثیرات مهمی داشته است.

تغییرات مذکور، همگی پیشرفت‌هایی در بازتعریف توسعه در سطح بین‌المللی بوده‌اند، اما ملت بزرگ‌ترین اجتماع مشخص و معینی است که نسبت به صدای مردم کثیری پاسخگو است؛ لذا طبیعی است که انتظار داشته باشیم در سطح ملی نیز، اراده و خواست مردم در قانون و انتخاب آنچه تحت نام توسعه می‌خواهند،

^۱ Universal solidarity

^۲ Garcia Morent.

^۳ Open-ended

اتفاق بیافتد (Nussbaum ۱۷: ۲۰۱۳). تفسیر ملی از مفاهیمی مثل آزادی انسان، کارکرد^۱ و قابلیت‌ها به طراحی خاص سیاست‌های توسعه منجر می‌شود. برای مثال در برنامه توسعه پرو، هدف از توسعه «گسترش تا حد ممکن انتخاب‌هایی است که همه پرویی‌ها در تحقق آزادانه پروژه‌های زندگی خود، مجبور به تصور، طراحی و انتخاب هستند». تعریف شده است. پیامدهای این هدف‌گذاری، در جهت‌گیری‌های سیاستی اقتصادی، اجتماعی، محیطی و زیرساختی و... تا ابتکار عمل‌های حمایتی از حکمرانی دموکراتیک و شناسایی تغییرات ارزشی که اصلاحات نهادی و حکومتی را متأثر می‌کنند را شامل می‌شود. مسئولیت‌پذیری، اعتماد و تحمل یکدیگر، عناصر مقوم جامعه هستند که در بازخوردهای درونی، موجب قوام اجتماع و غنا بخشی به زندگی مردم می‌شوند.

اندرسون (۲۰۰۳) معتقد است چون اجرای برنامه بیکن توسط غربیان پیگیری شده و غربیان همچون طوفان، همه جهان را درگیر خود کرده‌اند، به طوری که همه شئون زندگی جهانیان را متأثر کرده است و جهان سهم یاری فرهنگ‌ها و تمدن‌های دیگر را در این چند سده از دست داده است؛ بنابراین، اینک زمان آن است که جهان تنوع فرهنگی و دیدگاه‌های متفاوت از شرایط بشر را مورد توجه قرار دهد.

در نهایت باید به این پرسش پاسخ دهیم که چه چیزی باید جایگزین برنامه بیکن باشد؟ پیچیدگی و در هم‌پیوستگی^۲ جهانی که در آن زندگی می‌کنیم و در ماندگی نهادهایی که ساخته‌ایم - به خصوص نهاد تا دیروز مقدس علم - نشان می‌دهد برنامه جایگزین باید ویژگی‌هایی را در خود داشته باشد که پیش از این نداشت. علم دیروز، در سایه قدرت و بخشی از قدرت مسلط بود، علم آینده، باید این محدودیت را محترم شمارد و در چارچوب قواعد بازی خود، در سیاستگذاری نقش ایفا کند. علم دیروز، از تقلیل‌گرایی تخصصی در رنج بود، علم آینده باید کل‌نگری را دربرگیرد. علم دیروز، حامل صنوف رشته فعالیت علمی بود که در جامعه سهمی برای خود تعریف می‌کردند. علم فردا باید رقابت بر قلمروهای صنفی را با گشودگی بیشتری استقبال کند. تبیین آنچه باید جایگزین برنامه بیکن باشد، شاید دهه‌ها طول بکشد.

^۱ Functionings
^۲ Interconnectedness

منابع

کرباسی زاده، علی و محسن شیراوند (۱۳۹۴). «تبیین علل معرفتی بحران‌های زیست‌محیطی در تطبیق مبانی فلسفی فرانسیس بیکن و ملاصدرا»، *اخلاق زیستی*، سال پنجم، شماره ۱۷.

- Anderson, W. T. (۲۰۰۳) *The next enlightenment: Integrating east and west in a new vision of human evolution*, New York: St. Martin's Press
- Arndt, H. W. (۱۹۷۸) *The rise and fall of economic growth: A study in contemporary thought*, Melbourne: Longman Cheshire.
- Colby, M. (۱۹۸۹) *The evolution of paradigms of environmental management in development. Strategic Planning and Review Department*, The World Bank
- WPS ۳۱۳/ Available at:
<http://documents.worldbank.org/curated/en/۱۶۰۷۲۱۴۶۸۷۶۴۷۴۰۵۵۸/Environmental-management-in-development-the-evolution-of-paradigms>
(Accessed ۱۷ June ۲۰۱۹)
- Jardine, L. & Stewart, A. (۱۹۹۹) *Hostage to fortune: The troubled life of Francis Bacon*, New York: Hill and Wang
- Jonas, H. (۱۹۸۴) *The imperative of responsibility: In search of an ethics for the technological age*, Chicago: University of Chicago Press
- Harrison, L. E. & Huntington, S. P. (Eds.). (۲۰۰۰) *Culture matters: How values shape human progress*, New York: Basic Books
- Sachs, I. (۲۰۰۹) Revisiting development in the twenty-first century, *International Journal of Political Economy* Vol. No. ۳، ۲۱-۳۸
- Sagasti, F. (۲۰۰۰) The twilight of the Baconian age and the future of humanity, *Futures* Vol. ۳۲، ۵۹۵-۶۰۲
- Sagasti, F. (۲۰۱۹) Rethinking development at the twilight of Bacon's age, *Futures*, Vol. ۱۱۴، ۱۰۲۴-۷۰
- Nussbaum, M. C. (۲۰۱۳) *Political emotions: Why love matters for justice*. Cambridge, Massachusetts: Harvard University Press
- UNESCO (United Nations Educational, Scientific and Cultural Organization) (۲۰۱۸) *Research and experimental development*

جهت‌گیری‌های فناوری برای آینده دولت^۱

مجید مردانی شهری

عضو گروه پژوهشی آینده‌نگری و فناوری‌های نو

مدیران ارشد اطلاعات^۲ بخش عمومی می‌توانند از این فهرست از فناوری‌های استراتژیک الهام گرفته و آن‌ها را در برنامه‌های سازمان خود قرار دهند. مقامات دولتی پیشرو می‌دانند که در یک جامعه دیجیتال، سیاست همان فناوری و فناوری همان سیاست است. هر خدمت دولتی که در مقیاس کلان انجام می‌شود، بر پایه بسیاری از فناوری‌ها پایه‌گذاری می‌شود. در صورتی که موفقیت این خدمات با اجرای ضعیف فناوری به خطر بیفتد، اهداف سیاسی آن نیز به خطر خواهد افتاد.

پیاده‌سازی استراتژی‌های دولت دیجیتال سفری است که دوره‌های مختلف بودجه و دولت‌ها را دربر می‌گیرد. رهبران بخش دولتی انتظار دارند که مدیران ارشد اطلاعات در دولت راه‌هایی را بیابند که فناوری بتواند موجب کاهش هزینه، ایجاد کارایی و بهبود نتایج برای شهروندان و کسب‌وکارها شود. آن‌ها همچنین انتظار دارند که مدیران ارشد، اطلاعات، روندهای اجتماعی، فناوری، اقتصادی، زیست‌محیطی و سیاسی که بر تصمیماتشان اثرگذار است را در نظر بگیرند.

مؤسسه گارتنر^۳ فهرستی از روندهای فناوری‌های راهبردی برای دولت‌ها معرفی کرده است تا مدیران ارشد اطلاعات آن‌ها را در تعیین منطق، زمان و اولویت سرمایه‌گذاری بر روی فناوری یاری رساند. این روندها در اطلاعات و فناوری در پاسخ به فشار اهداف سیاست عمومی و نیازهای تجاری سازمان‌های دولتی در قلمروهای حاکمیتی سراسر جهان انتخاب شده‌اند.

اکنون بیش از هر زمان دیگری، اولویت‌های فناوری باید در چارچوب روندهای تجاری از قبیل عدالت، اخلاقیات و حفظ حریم شخصی دیجیتال و نیاز به چابکی نهادی برقرار شود. مدیران ارشد می‌توانند از این روندها برای مشارکت ذی‌نفعان، ساده‌سازی مفاهیم و تشویق و ارتقاء مباحثات در مورد ارزش آن‌ها برای شهروندان و جامعه استفاده کنند.

روندهای فناوری ارائه شده در اینجا بیانگر نیاز فعلی مدیران ارشد اطلاعات دولت‌ها نیست، بلکه فهرستی است از روندهای استراتژیک فناوری که به‌زودی حوزه حیاتی برای تمرکز مدیران ارشد اطلاعات به‌منظور ارائه خدمات دولتی خواهد شد. این روندها بسته به سطح حاکمیت (ملی، منطقه‌ای یا محلی)، منطقه و محیط کسب‌وکار از درجه اهمیت مختلفی برخوردار هستند و به همین دلیل بر اساس اهمیت رتبه‌بندی نشده‌اند.

^۱ برگرفته از گارتنر (Gartner) (مترجم: مجید مردانی شهری؛ دانشجوی دکتری مهندسی صنایع دانشگاه صنعتی شریف و پژوهشگر مرکز پژوهش‌های توسعه و آینده‌نگری).

^۲ Chief information officer

^۳ Gartner

امنیت تطبیقی^۱

دولت‌ها در همه مکان‌های جغرافیایی و در همه سطوح در معرض حمله سایبری هستند که این امر نیاز به رویکردهای امنیتی جدید را نشان می‌دهد. با افزایش آگاهی که به شهرهایی مانند بالتیمور حمله کردند، حمله به دارایی‌های مهم زیرساخت در اوکراین و حمله به مجلس کشورها (مانند استرالیا) همگی نمونه‌هایی از این تهدیدات امنیتی هستند.

رویکرد امنیتی تطبیقی با ریسک، اعتماد و امنیت را به‌عنوان یک فرایند مستمر و تطبیقی رفتار می‌کند که تهدیدات سایبری در حال تکامل را به‌طور مداوم پیش‌بینی کرده و برای مقابله با آن‌ها تطبیق می‌یابد. این راهبرد اذعان دارد که هیچ ابزار و راهبرد محافظتی و امنیتی وجود ندارد که در همه جا و در همه زمان‌ها قابلیت انطباق و به‌کارگیری داشته باشد.

هویت دیجیتالی شهروندان

هویت دیجیتال - امکان اثبات هویت فرد با استفاده از هر کدام از کانال‌های دیجیتالی دولت - برای بهره‌گیری از خدمات دولتی بسیار مهم است. با این حال بسیاری از دولت‌ها نسبت به اتخاذ آن کند عمل می‌کنند. مسئولان دولتی باید هویت دیجیتال که هم الزامات امنیتی و هم انتظارات شهروندان را دربر می‌گیرد، حمایت کنند.

ارتباط چندکاناله با شهروندان

دولت‌هایی که با شهروندان خود با استفاده از کانال‌های مورد علاقه آن‌ها ارتباط برقرار می‌کنند، می‌توانند انتظارات آن‌ها را برآورده کرده و نتایج مناسبی را از برنامه‌های خود به دست آورند. این کانال‌ها می‌تواند به‌صورت حضوری، تلفنی، اپلیکیشن موبایل (در حال حاضر بیش از ۵۰ درصد ترافیک وبسایت‌های دولتی در آمریکا از طریق دستگاه‌های تلفن همراه انجام می‌شود)، گفتگوی اینترنتی از طریق ربات، گفتگوی هوشمند از طریق تلفن و واقعیت افزوده باشند.

طراحی چابک

دولت دیجیتال یک سرمایه‌گذاری یک‌باره نیست، مدیران باید با استفاده از رویکرد چابکی در طراحی، محیطی چابک و واکنشی خلق کنند. باید مجموعه‌ای از اصول و راهکارها به‌منظور توسعه سیستم‌ها و راه‌حل‌های چابک به کار گرفته شود.

مدیریت محصول دیجیتال

در مطالعه‌ای که توسط گارتنر در سال ۲۰۱۹ انجام گرفت، بیش از دوسوم مدیران ارشد در دولت عنوان داشتند که مدیریت محصول دیجیتال (DPM) را پیاده‌سازی کرده یا در حال پیاده‌سازی آن هستند، این

^۱ Adaptive security

رویکرد با جایگزینی رویکرد مدیریت پروژه آبخاری، موجب توسعه، ارائه، نظارت، پالایش و بازنشانی محصولات برای کاربران تجاری یا شهروندان می‌شود، این امر باعث می‌شود که سازمان‌ها متفاوت فکر کنند و نتایج ملموس را سریع و پایدار ارائه دهند.

هر چیزی به‌عنوان یک سرویس (XaaS)

XaaS طیف گسترده‌ای از خدمات IT را که به‌صورت اشتراکی در فضای ابری^۲ ارائه می‌شود دربر می‌گیرد. نظرسنجی گارتنر در سال ۲۰۱۹ نشان می‌دهد که ۳۹ درصد سازمان‌های دولتی آمریکا قصد دارند که بیشترین مقدار از بودجه جدید یا افزایش بودجه خود را به خدمات ابری اختصاص دهند. مدل XaaS جایگزینی را برای نوسازی زیرساخت‌های پیشین ارائه داده، مقیاس‌پذیری را فراهم کرده و زمان ارائه خدمات دولت دیجیتال در مقیاس کلان را کاهش می‌دهد.

سرویس‌های اشتراکی ۲,۰

بسیاری از سازمان‌های دولتی تلاش می‌کنند که کارایی فناوری اطلاعات را با متمرکزسازی یا به اشتراک‌گذاری هدایت کنند که اغلب نتایج ضعیفی به همراه دارد. سرویس‌های اشتراکی ۲,۰ تمرکز را از صرفه‌جویی در هزینه به سمت ارائه قابلیت‌های تجاری با ارزش بالا مانند امنیت سازمانی، مدیریت هویت، پلتفرم‌ها یا تجزیه و تحلیل اطلاعات تجاری تغییر می‌دهند.

تجزیه و تحلیل در همه جا

گارتنر استفاده فراگیر از تجزیه و تحلیل در تمام مراحل فعالیت‌های کسب‌وکار و ارائه خدمات را تحت عنوان تجزیه و تحلیل در همه جا نام نهاده است. این کار مراکز خدمات دولتی را از داشبورد گزارش شاخص‌های پیشین به فرایندهای خودمختار تبدیل می‌کند که به مردم کمک می‌کند در زمان واقعی، تصمیم‌های بهتری بگیرند.

هوش تقویتی^۴

گارتنر پیشنهاد می‌دهد که مدیران ارشد در دولت‌ها مفهوم هوش مصنوعی را به هوش تقویتی تغییر دهند. هوش تقویتی مدلی از همکاری با محوریت انسان است که در آن انسان و هوش مصنوعی به‌منظور بهبود عملکرد شناختی با یکدیگر کار می‌کنند.

^۱ Anything as a service (XaaS)

^۲ Cloud

^۳ Shared services ۲,۰

^۴ Augmented intelligence

بخش سوم: آینده پیش‌رو؛ ایران در پرتو تحولات اخیر

یادداشت

رهبری شهید قاسم سلیمانی و درس‌هایی برای رهبری در نظام اداری

در سال‌های گذشته، تلاش‌هایی برای تبیین نظری سبک رهبری جهادی سرداران جنگ همچون شهید زین‌الدین انجام شده است. با نگاهی به اسطوره ملی شهید قاسم سلیمانی و عملکرد او در بین رزمندگان حوزه مقاومت، می‌توان گفت قطعاً، رهبر مؤثر جهادی هرگز سبک رهبری قهرمانی را تبعیت نمی‌کند، بلکه ویژگی‌های رهبری او با آنچه در سال‌های اخیر تحت نام رهبری جمعی در غرب مورد توجه قرار گرفته است، تطابق دارد.

پرسش این نوشته کوتاه این است که بزرگ‌ترین مانع تعاون و جنبش جهادی گونه در دستگاه اداری ایران چیست؟ یک رهبر مؤثر جهادی، جرأت رونمایی از اهدافی را دارد که نه خود او و نه هیچ‌کس به‌تنهایی در مجموعه او و گاه حتی سازمان موجود، توان نیل و موفقیت به آن اهداف را ندارند و اینجاست که مفهوم رهبری جمعی، رهبری درون‌وابسته می‌درخشد تا همگان در چارچوب آن هدف ارزشمند و برانگیزاننده، نقش خود را خودشان بازیابی کنند و به آن تعهد درونی داشته باشند.

مقایسه رهبری مؤثر جهادی با رهبری قهرمان‌پندار مفید خواهد بود. یک رهبر قهرمان‌پندار، مجبور است برای تحمیل رهبری و سلطه سازمانی خود، اهدافی را برگزیند که دقیق و غیرقابل پرسش (در نتیجه درون چارچوب موجود و محدود به یک جمع یا موضوع گزینش شده از کل سازمان و حتی جامعه)، تأمل شده (در نتیجه مربوط به گذشته شناخته شده و نه آینده ناب و متفاوت) یا برعکس بسیار کلی و خنثی باشند. در سازمان برنامه و بودجه، در سطوح بالای مدیریتی، شواهدی از سبک رهبری باز و جمعی دیده می‌شود. برای مثال در جلسه‌ای رئیس سازمان به کارشناسان خود می‌گوید: «به من بگوئید که چگونه اصلاحات ساختاری بودجه را به موفقیت برسانیم». همین جمله کافی است تا او یک رهبر مؤثر جهادی طبقه‌بندی شود، اما چه چیزی هنوز کامل نیست؟

رهبری جمعی جهادی در سازمان باید در تمامی ارکان اداری زیرمجموعه توسط دیگر مدیران بازتولید شود تا موارد زیر حاصل شود:

- فضای لازم برای رویکرد کل‌نگری و همجوشی بین واحدهای باز شود.
- فضا برای رهاشدن از بسته‌شدن و بسته‌بندی شدن خروجی‌ها ایجاد شود.

- فضا برای اشتباه‌های سازنده (و نه تکرار موفقیت‌های جزئی و بخشی شده) و رشد درونی سازمان ایجاد شود.
 - زمان و فضا برای تأکید بر فرایندهای هم‌افزایی به جای شتاب و اولویت دادن به گزارش و نتیجه فرصت تخصیص یابد.
- و این یک تغییر در نحوه مواجهه سازمان با مسائل ادراک شده است که سیاست یا خط‌مشی نامیده می‌شود. به یاد «شهید سلیمانی» در سازمان برنامه و بودجه و زیرمجموعه‌های آن به (رهبری جمعی و فراگیر) بیندیشیم و به آن متعهد شویم.



ملاحظات در باب تأثیر شرایط جدید بر مأموریت‌های سازمان برنامه و بودجه کشور

حسین آرامی

مشاور گروه پژوهشی آمایش سرزمین، توسعه و توازن منطقه‌ای

بازار انرژی و موقعیت ژئوپلیتیکی منطقه دو پیشران اساسی و مهم در رقم زدن شرایط متفاوت (سناریوهای پیشرو) توسعه ایران شمرده می‌شوند. بازار انرژی به دلیل تحریم‌ها سویه منفی خود را نشان داده است و با تعارض‌آمیز شدن موقعیت سیاسی این پیشران نیز سویه سیاه خود را به رخ کشیده است. فضای سناریوی پیش رو یا در حال وقوع، علاوه بر استمرار تورم و رکود در اقتصاد، دسترسی دشوارتر به منافع حاصل از صادرات نفت، دشوارتر شدن دسترسی به بازار مواد و محصول و پرهزینه‌تر شدن آن (ناشی از افزایش هزینه مبادله از جمله به دلیل افزایش حق بیمه) را در خود دارد. راهبرد «توسعه درون‌زای برون‌نگر» با توجه به موارد فوق از حیث برون‌نگری مورد خدشه جدی قرار می‌گیرد، لذا خواه‌ناخواه باید درون‌زایی جور جنبه برون‌نگری را بکشد، به تعبیری سیاست‌ها و برنامه‌های اقتصاد مقاومتی باید به‌طور جدی‌تر مورد مذاقه و عمل قرار گیرند. مأموریت‌های سازمان برنامه و بودجه کشور در سه حوزه برنامه‌ریزی، بودجه‌ریزی و نظارت تعریف شده است. تأثیر تحولات اخیر و تغییر شرایط در آینده را باید در این سه حوزه رصد و تصویر کرد. به نظر می‌رسد بیشترین و عاجل‌ترین تأثیر بر بودجه اعم از بودجه ۱۳۹۸ و ۱۳۹۹ خواهد بود. هم در بعد منابع که به محدودیت بیشتر منابع بودجه منجر می‌شود و هم از حیث هزینه که افزایش هزینه‌های نظامی و افزایش هزینه ارائه خدمات دولت را در پی خواهد داشت. با توجه به موارد مذکور پیشنهاد‌های ذیل در مسیر انجام کارآمدتر مأموریت‌های سازمان ارائه می‌شود:

تأکید بر سناریو محوری در تنظیم برنامه هفتم توسعه و بودجه‌های سالانه به‌ویژه ۱۳۹۹

توضیح اینکه غفلت از آینده‌پژوهی در سازمان و محروم شدن از ابزاری مثل سناریونگاری و ترسیم تصویر مورد اتفاق نظر نسبی آینده‌های پیش رو عارضه‌ای است که از دیرباز نظام برنامه‌ریزی و بودجه‌ریزی ما با آن روبه‌رو بوده است و لذا غافلگیر شدن و عدم تناسب برنامه و بودجه‌های ما با شرایط پیش‌آمده، امری نامعمول نیست. هم سازمان با تقویت نهادی آینده‌پژوهی از جمله مرکز پژوهش‌های توسعه و آینده‌نگری باید در سطح کلان مجهز به این نگاه باشد و هم حوزه‌های بخشی سازمان از این منظر به آینده بخش بنگرند و از آن در برنامه و به‌ویژه بودجه سالانه بهره ببرند.

مدیریت هزینه راهبرد جدی سازمان در تنظیم و اجرای بودجه سالانه

سرانجام یافتن و جامه اجرایی پوشیدن بودجه‌ریزی بر مبنای عملکرد به‌عنوان یک امر اساسی و تکلیف قانونی در کنار تغییر رویکرد فرایندگرا به نتیجه‌گرا، مهم‌ترین کار در مدیریت هزینه است. پایان دادن به موازی‌کاری‌ها و اتخاذ رویکرد انقباضی به بودجه هزینه‌ای دستگاه‌ها از دیگر اقدامات ضروری به نظر می‌رسد.

توجه بیشتر به سیاست تمرکززدایی

اختیارات و قدرت مانور بیشتر مسئولان محلی هم به پاسخگویی سریع‌تر به نیازهای مردم کمک می‌کند و هم به کاهش هزینه؛ لذا کارایی بودجه تنوع اقلیمی و فرهنگی و وسعت و قابلیت‌های بسیار زیاد کشور با اتخاذ نسخه‌های واحد منافات دارد. برعکس به رسمیت شناختن این تنوع و دادن اجازه به بروز ابتکارات استانی هم از حیث منابع و رشد لازم آن و هم به اولویت‌گذاری مناسب و بهره‌ور می‌انجامد.

مردمی کردن برنامه و بودجه (مشارکت، مشارکت، مشارکت)

مشارکت مبنا کردن برنامه توسعه هفتم به بعد و نیز استفاده از ابزار بودجه برای مشارکت هر چه بیشتر مردم در جریان توسعه از طریق اتخاذ روش‌های تشویقی از جمله کمک‌های فنی و اعتباری، واگذاری بیشتر و راحت‌تر پروژه‌ها و جهت دادن انبوه نقدینگی کشور در مسیر تولید و اشتغال هم ضرورت دارد و هم امکان‌پذیر است.



بررسی سناریوهای محققان و مراکز پژوهشی داخلی و خارجی در خصوص آینده ایران و خاورمیانه

محمدعلی برادران قهفرخی

عضو گروه پژوهشی آینده‌نگری و فناوری‌های نو

چکیده

طبیعی است که جنگ، شرایط عادی را به هم می‌زند و طبیعی‌تر آنکه در وضعیت آشفته، نمی‌توان وظایف را با اتکا به روش‌های دوران آرامش انجام داد. سیل، زلزله، جنگ، رانش زمین و وضعیت‌های دیگری از این دست که حوادث دور از انتظار نامیده می‌شوند، پیامدهای زیان‌باری دارند. انسان‌ها در سراسر تاریخ کوشیده‌اند تا روش‌هایی را کشف کنند و به آن طریق نه تنها آسیب‌های ناشی از این حوادث را کاهش دهند، بلکه امور جاری و روزانه خود را نیز مدیریت کنند. یکی از دغدغه‌های مهم هر کشوری جلوگیری از غافلگیری، رصد، شناسایی، پیش‌بینی و ارزیابی تهدیدات متعددی است که از سوی دیگر کشورها و رقبا بوده و این مهم همراه با شاخص‌هایی همچون شناخت صحیح و دقیق تهدید، ارزیابی توان و ظرفیت تهدید، شرایط و وضعیت مطلوب تحقق تهدید، ارزیابی خطرات ناشی از وقوع تهدید است. با توجه به طیف گسترده و متنوع تهدیدات موجود پیش روی کشور، برنامه‌ریزی برای آینده و آینده‌پژوهی در این حوزه بسیار ضروری و حیاتی است. در این تحقیق می‌کوشیم تا ضمن معرفی سه مفهوم کلیدی ناپیوستگی‌ها، شگفتی‌سازها، و علائم ضعیف^[1] و همچنین دسته‌بندی انواع تهدیدات، گوشه‌ای از تحلیل مطالعات مختلف داخلی و خارجی منتخب که در آن‌ها نقش متغیرهای کلیدی و پیشران‌ها و سناریوهای عرضه شده بر شرایط خاورمیانه و ایران در آثار منتخب را جمع‌بندی و ارائه کنیم.

مقدمه

می‌توان گفت که پیش‌بینی آینده غیرممکن است و عدم قطعیت آن بر تعداد فرضیه‌هایی که برای تفکر آینده لازم است، می‌افزاید. بنابراین، تمامی مطالعات در خصوص آینده در واقع نوعی گمانه‌زنی هستند. همچنین برای نگاه به آینده باید گذشته را نیز در نظر گرفت، زیرا حال لبه پیشین گذشته و نیز خط عزیمت آینده است. میراث گذشته همراه ماست و ما در رویارویی با مشکلات زمان حال به‌طور روزمره با این میراث دست‌وپنجه نرم می‌کنیم. حال پرسش‌هایی مطرح می‌شود که در این شرایط چه باید کرد؟ آیا صرف نامعین بودن آینده می‌تواند دلیل قابل‌پذیرشی برای قرار گرفتن در وضعیت انفعالی تدوین استراتژی نظامی و وضعیت نیرویی

باشد؟ یا باید با در نظر گرفتن سیر تحولات نظام بین‌المللی و سناریوهای مختلف در محیط‌های متفاوت، می‌توان به ترسیم دنیاهایی پرداخت که به‌طور منطقی ممکن است بر روند شکل‌گیری رویدادها مؤثر باشد. گاهی اوقات به نظر عجیب می‌رسد که چگونه برخی افراد و سازمان‌ها توانسته‌اند خود را به بینش و دانشی درباره تحولات آینده مجهز کنند. پرسش دووجهی که معمولاً در ذهن نقش می‌بندد این است که آن‌ها چگونه فکر می‌کنند و به چه چیزهایی فکر می‌کنند؟ شاید برخی ادعا کنند که این نوع توانمندی فقط مختص اشخاص نابغه یا دارای قدرت ذهنی گسترده و فوق‌العاده است. چنین فرضی قطعاً امکان‌پذیری آینده‌نگری‌های سازمان‌یافته توسط اشخاصی که به هر حال نابغه نیستند را زیر سؤال برده و مشتاقان یادگیری روش‌های آماده شدن برای آینده را ناامید خواهد کرد. ایجاد یک شالوده مفهومی محکم برای انجام آینده‌نگری‌های سازمان‌یافته در سطح حکومت‌ها، بنگاه‌ها و افراد در راستای کمینه‌سازی شگفتی‌های بالقوه، کمینه‌سازی غافل‌گیری‌های ناخوشایند و همچنین بیشینه‌سازی آمادگی برای فردا بسیار مهم و حیاتی است (وحیدی مطلق، ۱۳۹۷).

در حوزه ادبیات تخصصی مرتبط با آگاهی از تحولات آینده اساساً سه مفهوم کلیدی ناپیوستگی‌ها، شگفتی‌سازی‌ها و علائم ضعیف^[۲] هستند که در خصوص تحلیل‌های اقتصادی و اجتماعی در شرایط جنگ بسیار حائز اهمیت است.

گسستگی، علائم ضعیف و آینده شگفت‌آور

آن‌طور که ادعا می‌شود یکی از کارکردهای اصلی «برنامه‌ریزی بر پایه سناریوها» اکتشاف ناپیوستگی‌های بالقوه است. اگرچه در بین ریاضیدانان مفهوم ناپیوستگی تعریف روشن و مشخصی دارد که در اثبات قضیه‌های متعددی از آن استفاده می‌شود، اما در بین آینده‌پژوهان و به‌ویژه کسانی که در حوزه برنامه‌ریزی بر پایه سناریوها فعالیت می‌کنند درباره این مفهوم و رابطه آن با مفاهیم مشابهی مانند شوک‌ها، رویدادهای نظام گسل، دو شاخه شدن‌ها، شگفتی و شگفتی‌سازها تفاهم کاملی وجود ندارد. بروکز در مقاله کلاسیک خود با عنوان «گونه‌شناسی شگفتی‌ها در فناوری، نهادها و توسعه» تأکید می‌کند که تغییرات عمده و چشمگیر اغلب به‌صورت انفجارهای ناگهانی یا ناپیوسته اتفاق می‌افتند و نقش مهمی در شکل‌بخشیدن به دنیای آینده ایفا می‌کنند. به نظر بروکز، کنار گذاشتن و صرف‌نظر کردن از شوک‌های بیرونی، واکنش‌های غیرخطی و رفتارهای ناپیوسته که ویژگی عمده سیستم‌های طبیعی و اجتماعی به شمار می‌روند، نهایتاً موجب می‌شود که جامعه برای مواجهه و تفسیر تعداد فراوانی از وضعیت‌های نهایی که به هر حال غیرممکن نیستند، آمادگی لازم را نداشته باشد. پیتر شوارتز، صاحب‌نظر برجسته حوزه سناریوها، برای تعریف ناپیوستگی به آراء پیتر دراگر استناد می‌کند. مطابق دیدگاه دراگر ناپیوستگی‌ها عبارتند از مواردی که هیچ‌کسی انتظار آن‌ها را ندارد و به نظر بی‌اهمیت هستند، اما می‌توانند روندهای گسترده و به‌ظاهر شکست‌ناپذیر را از مسیر خود خارج و منحرف کنند. علاوه بر این، دراگر بر این باور است که ناپیوستگی‌ها روندهای مسلط امروزی نیستند، بلکه شکل‌دهنده‌ها به جامعه فردا هستند. درواقع از لحاظ قدرت تأثیرگذاری، باید گفت که اگر ناپیوستگی‌ها همگرا شوند دنیای کاملاً متفاوتی پدید خواهد آمد. آیرس در تکمیل نظرات دراگر به ویژگی‌های خاصی از ناپیوستگی مانند نرخ بالای تغییر، بزرگی و پیامدهای تغییر و بازگشت‌ناپذیری تغییر اشاره می‌کند. به نظر آیرس در تعریف

ناپیوستگی باید مقیاس زمانی به دقت مدنظر قرار گیرد. در واقع آنچه در افق کوتاه مدت ناپیوسته به نظر می‌رسد شاید در افق درازمدت، پیوسته تلقی شود و برعکس. مثلاً توفان کاترینا در نئواورلئان یک ناپیوستگی در افق کوتاه مدت به شمار می‌رود که زندگی مردم آن منطقه را دچار تحول کرد. در حالی که رشد جمعیت فقط زمانی حالت انفجاری دارد که از دیدگاهی درازمدت‌تر به آن نگاه شود. آیرس همچنین بر اهمیت حوزه‌های تخصصی دانش در تفسیر ناپیوستگی تأکید می‌کند و معتقد است که شاید آنچه به نظر یک اقتصاددان یا جمعیت‌شناس یک روند ملایم و پایدار است در نظر یک تاریخدان یک ناپیوستگی قابل ملاحظه باشد. به طور کلی نقطه تمایز دیدگاه آیرس و دراکر درباره تعریف ناپیوستگی تأکید زیاد آیرس بر ماهیت ناگهانی بودن تغییر است. اما علی‌رغم تعاریف ارائه شده برای ناپیوستگی توسط دراکر و آیرس، در بین پژوهشگران حوزه برنامه‌ریزی بر پایه سناریوها درباره تعریف جامع و کامل ناپیوستگی تفاهم وجود ندارد. حتی برخی صاحب‌نظران مانند مندونسا و همکاران تقریباً فرقی بین شگفتی‌سازها و ناپیوستگی‌ها قائل نیستند و معتقدند که دیگران برای مفهوم شگفتی‌سازها اصطلاحات جایگزینی مانند رویدادهای نظام گسل، شکست‌های ساختاری، ناپیوستگی‌ها، دو شاخه شدن‌ها و تحولات بی‌سابقه را پیشنهاد داده‌اند. واژه‌های مرتبط دیگری که در ادبیات تخصصی آینده‌پژوهی مشاهده می‌شوند عبارتند از: جابجایی‌ها، نقض‌کننده روندها، شوک‌ها و خردکننده پارادایم‌ها. به هر حال پرکاربردترین اصطلاحات برای نشان دادن و ارجاع به این مفاهیم در ادبیات تخصصی برنامه‌ریزی بر پایه سناریوها عبارتند از: شگفتی‌سازها و شگفتی. ادراک و انتظارات ذهنی اشخاص در برچسب‌گذاری یک پدیده به عنوان شگفتی نقش مهمی بازی می‌کند. در واقع به نظر آن‌ها هیچ رویدادی به خودی خود یک شگفتی محسوب نمی‌شود، بلکه نسبت به مجموعه‌ای خاص از اعتقادات و باورها درباره چگونگی کارکرد جهان شگفت‌انگیز خواهد بود. به بیان دیگر، اشخاصی که دیدگاه‌های معین درباره جهان دارند، وقتی که دنیا مطابق دیدگاه آن‌ها رفتار کند؛ هرگز شگفت‌زده نخواهد شد. برعکس، اگر دنیا به گونه‌ای متفاوت از جهان‌بینی آن‌ها عمل کند آنگاه دچار شگفتی می‌شوند. البته در دنیای واقعی که مرتباً و همیشه در حال تغییر و تحول است، همه اشخاص دارای دیدگاه‌های متمایز و متعدد هر از چند گاهی شگفت‌زدگی را تجربه خواهند کرد. آیرس در مقاله خود با عنوان «درباره پیش‌بینی ناپیوستگی‌ها» که در سال ۲۰۰۰ در «ژورنال پیش‌بینی فناوری و تغییر اجتماعی» منتشر کرد، فهرست بلند بالایی از مواردی که به نظر او جزو ناپیوستگی‌ها به شمار می‌روند، آورده است که مناقشه‌های خشونت‌بار در تاریخ گذشته؛ از جنگ جهانی گرفته تا مناقشه‌های محلی و همچنین تحولات سیاسی غیر خشونت‌بار: تغییرات سیاسی شبه انقلابی و همچنین ناپیوستگی‌های اقتصادی شامل هراس‌های مالی، سقوط بازار سهام و رکود اقتصادی، بحران نفتی بعدی است. امروزه از این اصطلاح برای «نام بردن از هر عامل پیش‌بینی نشده در هر حوزه‌ای» استفاده می‌شود. معادل رسمی‌تر این اصطلاح در نظریه تصمیم «رویدادهای با احتمال پایین و تأثیرات زیاد» است. در این مقاله اصطلاح فوق به عنوان معادل فارسی چنین مفهومی به کار می‌رود. هدف از معرفی و کاربرد چنین مفهومی در تصمیم‌های آینده‌نگرانه، افزایش توانایی سازمان‌ها برای تطبیق با شگفتی‌هایی است که معمولاً از محیط‌های پویا و آشفته کسب‌وکار سر برمی‌آورند. چنین رویدادهای ناگهانی و بی‌نظیری (مانند حادثه یازده سپتامبر) نقطه بازگشتی در مسیر تکامل یک روند یا سیستم به شمار می‌روند. شگفتی‌سازها شاید توسط «علائم ضعیف»

اعلام شوند و شاید هم نشوند. این علائم در واقع داده‌های پخش، پراکنده و ناکاملی هستند که می‌توان از درون آن‌ها اطلاعات آینده‌نگاری را استنباط کرد. تجزیه و تحلیل رخدادهایی با کمترین احتمالات و بیشترین تأثیر بر اقتصاد به نام علائم ضعیف^۱ باید به‌عنوان بعدی اساسی از توسعه سناریو در نظر گرفته شود (کورنیش، ۲۰۰۳). سناریوهای مبتنی بر wild card به‌صورت مجزا به پیامدهای یک واقعه یا توسعه می‌پردازد. این وقایع می‌توانند در نتیجه پیشرفت‌های فناورانه، تنش اجتماعی یا براندازی‌های سیاسی بوده و باید در زمان نامحدود در نظر گرفته شوند. جان ال پترسون (۲۰۰۰) در کتاب خود با نام «خارج از آسمان آبی» چگونه شگفتی‌های بزرگ آینده را پیش‌بینی کنیم؟ تعداد ۸۰ wild card مربوط به آینده را اعم از تهدیدات آب و هوایی تا شگفتی‌های زیست پزشکی و ژئوپلیتیکی مورد بحث قرار می‌دهد. برنامه‌ریزی‌های میان‌مدت و بلندمدت در دنیای پیچیده و غیرقابل پیش‌بینی امروز بدون آگاهی از آنچه پیرامون ما می‌گذرد، امکان‌پذیر نیست. لذا امروزه دیده‌بانی و پایش محیط پیرامونی یکی از مهم‌ترین ابزارهای برنامه‌ریزی بلندمدت و تصمیم‌گیری برای آینده است. دولت آمریکا بعد از پایان جنگ سرد برای سومین بار بازنگری اساسی نیازمندی‌های نظامی حال و آینده‌اش را آغاز کرده است.

تهدیدات از منظر منشأ و ماهیت

انسان از آغاز تاکنون با طیف متنوعی از تهدیدات، آسیب‌ها و بلاهای دست به گریبان بوده‌اند و متحمل آسیب‌ها و خسارت‌ها و تلفات جانی و مالی فراوانی شده‌اند. لذا تهدیدات از نظر منشأ و ماهیت به دسته‌های مختلفی تقسیم‌بندی می‌شوند و هر یک می‌توانند در سناریوهای هر کشوری وارد شوند. در جدول ۱ دسته‌بندی بر اساس (خلیل‌زاده، ۱۳۷۹) و طاهری (۱۳۹۵) ارائه شده است.

جدول ۱: انواع تهدیدات آینده

(۱) - تهدیدات نظامی ^۱ ؛	(۲) - تهدیدات نرم
(الف) - تهدیدات متعارف:	(۳) - تهدیدات طبیعی
• تهدیدات محیط هوایی	(۴) - تهدیدات صنعتی
• تهدیدات محیط دریایی	(۵) - تهدیدات زیست‌محیطی
• تهدیدات محیط زمینی	(۶) - تهدیدات اقتصادی
• تهدیدات در محیط اطلاعاتی (سیاسی، اقتصادی، علمی، فرهنگی، سایبری، رسانه‌ای، فرماندهی و کنترل و جاسوسی و خبرگیری).	(۷) - تهدیدات فناورانه
• تهدیدات فضایی	(۸) - تهدیدات جنایی
• تهدیدات انواع ماهواره‌ها	(۹) - تهدیدات تروریستی
• تهدیدات انواع حسگرها	
(ب) - تهدیدات سلاح‌های نامتعارف	
(پ) - تهدیدات نیمه سخت یا سلاح‌های غیر کشنده یا ناتوان‌کننده	

منبع: طاهری، ۱۳۹۵

۱. wild card

با گذر زمان نیاز به بازنگری در انگاره‌های قدیمی مربوط به جنگ و بازشکافی آن ضرورت می‌یابد (کرفلد، ۱۳۸۶). هامس نسل سوم جنگ‌ها را تأکید بر تاکتیک‌های سرعت قدرت مانور و عمق می‌داند که در قرن بیستم رواج داشته است. از طرفی هافمن (۲۰۰۷) معتقد است نسل چهارم جنگ‌ها در نیمه دوم قرن بیستم ظهور کرده و در آن نقش بازیگران حکومتی و غیرحکومتی از تاکتیک‌های غیرنظامی برای مهار قابلیت‌های فناوریانه دشمن استفاده می‌کنند. با ورود جهان به قرن بیست‌ویکم، توانایی ابزار و وسایلی که نیروهای نظامی آمریکا از آن‌ها استفاده می‌کنند، وارد مرحله گذار جدیدی شده است که در آن اساس و شالوده فکری تغییر یافته است. تحولات گذشته در نتیجه تأثیر فناوری‌های جدید در تسلیحات و اصول فکری آن‌ها بوده است؛ از بادبان به موتور بخار و توربین، از پیاده‌نظام به سواره‌نظام و وسیله موتوری، از بالن به هواپیمای سرنشین‌دار و هواپیمای بدون سرنشین. در جدول ۲ به تحلیل روند و سیر تکوینی ویژگی‌های نبردهای آینده پرداخته‌ایم.

جدول ۲: تحلیل روند و سیر تکوینی ویژگی‌های نبردهای آینده

ردیف	مؤلفه‌های دکترینی	گذشته	وضعیت فعلی	آینده
۱	انگیز عملکردها و شیوه جنگ	نظریه نبرد هوا - زمین	جنگ همه‌جانبه (ترکیبی فراگیر از جنگ هوایی، زمینی، دریایی، فضایی، سایبری و شناختی) تأکید بر به‌کارگیری سلاح‌ها و فناوری روزآمد در صحنه‌های متفاوت عملیاتی	بومی‌گرایی مبتنی بر خلاقیت و نوآوری فرهنگ دفاعی چندمنظوره و منعطف مبتنی بر اصول پدافند غیرعامل تخصصی و فناوریانه ناهمگون و سهل‌الوصول
۲	تجزیه‌های نظامی و جنگی	به‌کارگیری فزاینده قدرت هوایی در انهدام مراکز نقل	۱. عملیات سریع و قاطع (از طریق ایجاد شوک و بهت و استفاده از زور) ۲. حداکثر استفاده از نیروهای رزمی ویژه و یگان‌های راهبردی کوچک و خودکفا ۳. تأکید بر عملیات جنگ الکترونیک	دانش‌بنیان ایمان یا مذهب محوری (اجتماعی، فرهنگی) ادراکی (شناختی)
۳	رفتارشناسی نظامی (انسان و فناوری)	انعطاف‌پذیری و چندمنظوره‌ای	۱. ارزیابی همه‌جانبه اطلاعاتی (جو، زمین و دشمن کافی نیست بلکه وضعیت سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی موردنیاز است و این در حوزه کار سازمان‌های غیرنظامی است) ۲. تکیه بر عملیات روانی و شناختی	انسجام و یکپارچگی وحدت رویه و اقدام انگیزشی و شورآفرینی مسئولیت‌پذیری راهبردی اثربخشی و کارآمدی نظام آینده‌پژوهانه واقع‌نگر هدف (ارزش) محور مبتنی بر اجماع و توافق کلیه ذینفعان اقتناع نظام بین‌الملل
۴	اصول و طرز تفکر و عملیات نظامی	دکترین ایجاد شک و بهت در عملیات نظامی	۱. عملیات مبتنی بر تأثیر محور نه انهدام (فقط بخشی از نیروهای طرف مقابل مورد هدف قرار می‌گیرد که در عملیات تأثیر داشته باشد) ۲. تأکید بر حداکثر استفاده از نیروهای مشترک و مرکب ۳. تحت کنترل داشتن زمان نبرد ۴. آماده‌سازی افکار عمومی ۵. پرهیز از ورود به مناطق پرجمعیت و جنگ با مردم	امن و پایدار نهادینه‌ساز امنیت کامل سخت‌افزاری و نرم‌افزاری تضمین امنیت مبتنی بر فناوری‌های نوین بومی (سخت‌افزاری، نرم‌افزاری، مهارت و توانایی، مدیریت و سازمان‌دهی)

منبع: حبیبی و همکاران، ۱۳۹۳

تحلیل هزینه - فایده

هر سیاست باید بر اساس هزینه‌های انسانی و مالی، ریسک‌ها و منافع آن قضاوت شود. بنابراین، سیاستگذاران و مردم باید حداقل هزینه این جنگ‌ها را بدانند. اما کدام هزینه‌ها؟ تعداد زیادی عدد مربوط به جنگ‌های ایالات متحده پس از جنگ ۱۱/۹ وجود دارد: ۱۷ سال جنگ؛ هزاران سرباز آمریکایی کشته و بیش از هزاران تن دیگر زخمی شدند. صدها هزار غیرنظامی کشته شدند. میلیون‌ها پناهنده و این قبیل هزینه‌ها ادامه دارد. هیچ عدد واحدی برای هزینه بودجه‌ای جنگ وجود ندارد که همین امر ارزیابی هزینه‌ها، ریسک‌ها و مزایا را دشوار می‌کند. در واقع، از آنجایی که توجه خود را فقط بر هزینه‌های مستقیم نظامی متمرکز کرده‌اند، اغلب هزینه‌های بزرگ‌تر بودجه‌ای جنگ‌ها نادیده گرفته می‌شوند و بنابراین اهمیت بودجه‌ای و اقتصادی آن‌ها دست‌کم گرفته می‌شود. تخصیص‌های جنگ آمریکا با عراق و افغانستان با مالیات یا اوراق قرضه جنگی تأمین نشد، بلکه با کسری بودجه و اخذ وام صورت گرفت. این بهره وام را به هزینه‌های جنگ اضافه می‌کند. به طور خاص، بهره‌ای که قبلاً پرداخت شده و بهره‌ای که مربوط به آینده است. شدت هزینه بهره وام‌های مربوط به جنگ به عوامل بسیاری بستگی دارد؛ به طور کلی، سلامت کلی اقتصاد ایالات متحده در آینده، نرخ بهره، سیاست مالی دولت و پس‌انداز ملی. در سال ۲۰۱۱، دکتر رایان ادواردز انباشت بهره در تخصیص‌های جنگ را تا سال ۲۰۵۶ بیش از ۹۰۷ تریلیون دلار و کمینه ۵۰۱ تریلیون دلار محاسبه کرد.^[۱] هزینه‌های جنگ پس از آن زمان به نحو قابل توجهی افزایش یافته است و ایالات متحده همچنان با قرض گرفتن به جنگ ادامه می‌دهد. در نتیجه این برآورد محافظه‌کارانه‌ای از عواقب تأمین بودجه جنگ از طریق اصطلاحاً یک کارت اعتباری است که در آن ما حتی زمانی که مشغول خرج کردن هستیم، بهره پرداخت می‌کنیم. محاسبه پنتاگون از هزینه‌های جنگ تنها تأمین مالی وزارت دفاع را گزارش می‌کند. این روش محاسبه هزینه‌های جنگ‌های پس از ۱۱/۹ سایر هزینه‌های عمده بودجه واکنش ایالات متحده به حملات ۱۱ سپتامبر را حذف می‌کند. پنتاگون گاهی خلاصه‌ای از هزینه‌های جنگ‌ها را منتشر می‌کند. به عنوان مثال، در ماه مارس ۲۰۱۸، وزارت دفاع ایالات متحده برآورد کرده است که از زمان حملات ۱۱ سپتامبر، ۵۰۱ تریلیون دلار برای تخصیص‌های مرتبط با جنگ هزینه کرده است. در آن زمان وزارت دفاع آمریکا تصریح کرد که هزینه‌های پنتاگون در جنگ‌های پس از ۱۱/۹ بر اساس سال مالی ۲۰۱۸، یعنی سالی که به پایان رسیده بود، ۷۰۱ تریلیون دلار می‌تواند باشد.^[۲] این رقم فقط شامل بخشی از کل بودجه‌های مرتبط با جنگ و ناشی از جنگ است.

بررسی و تحلیل سناریوهای مراکز پژوهشی دنیا در خصوص آینده تحولات ایران و خاورمیانه

سناریوها، صرفاً داستان‌هایی خیالی در خصوص آینده نیستند؛ بلکه اغلب تفسیرهایی بدیل (جایگزین) از وضعیت فعلی هستند که منجر به شکل‌گیری آینده‌های مختلفی می‌شوند. تفسیرهای بدیلی که هر یک برآمده از دیدگاه بخشی از بازیگران عرصه قدرت است. هر تفسیر می‌تواند نگاهی متعلق به بخشی از بازیگران که بر پایه دیدگاه‌ها و پیش‌فرض‌های خود از آن منظر به وضعیت فعلی، ساختار قدرت و پویایی قدرت می‌نگرند. در این بخش به جمع‌آوری و دسته‌بندی سناریوهای ارائه شده توسط مراکز مختلف در خصوص آینده تحولات در خاورمیانه با محوریت ایران را بررسی و ارائه می‌کنیم:

نتیجه گیری

برای جلوگیری از غافل گیری باید نگاه بلندمدت و راهبردی تقویت شده و با ترویج رویکرد آینده نگر و توسعه فرهنگ و ارتقای قابلیت های آینده نگاری ظرفیت های آینده نگاری را در جهت شناختن و پاسخگویی به نیازهای آینده و به ویژه ترسیم و ساختن آینده مطلوب مدیریت کرد. برای جلوگیری از غافلگیری در آینده، تقویت پوشش محیطی و کشف به موقع علائم ضعیفی که قادرند در آینده تبدیل به روند پارادایم یا حتی رویداد شگفتی ساز شوند، لازم است.



بازبینی نقش و مأموریت سازمان برنامه و بودجه به واسطه تنش‌های اخیر

ابوالفضل پاسبانی صومعه

عضو گروه پژوهشی توسعه، تأمین مالی و اقتصاد بین‌الملل

چکیده

مقاله حاضر باهدف بازبینی نقش و مأموریت سازمان برنامه و بودجه ایران به‌واسطه بروز تنش‌ها و درگیری‌های اخیر با آمریکا تنظیم شده است. به این منظور با استفاده از روش توصیفی تحلیلی، به ارزیابی محتوای متون مرتبط پرداخته و با انجام گفتگوهای میان‌رشته‌ای با خبرگان و تأملات روشنفکرانه، پس از تحلیل مقدماتی مسئله، سناریوهای محتمل در آینده به‌صورت اجمالی تبیین گردیده و به موضوع حیاتی چه باید کرد، پرداخته شده است. در انتهای مقاله نیز باهدف تعمیق مطالعات موجود و پشتیبانی نظری از نظام تصمیم‌گیری، پیشنهاد مطالعات آتی ارائه شده است.

طبقه‌بندی: JEL: F۵۱'F۵۴'H۵۷

واژگان کلیدی: ایران، سازمان برنامه و بودجه، مقاومت اقتصادی، آمریکا.

تحلیل مقدماتی مسئله

حوادثی در حوزه امنیتی و نظامی پشت سر هم و به‌سرعت به وقوع پیوسته‌اند که آثار جانبی آن حوزه اقتصاد را نیز متأثر کرده و خواهد کرد. تردیدی نیست که اقتصاد ملی هر کشور و توسعه آن بر بستر وجود امنیت عینی و ذهنی و انتظارات مثبت از آینده، ممکن می‌گردد.

افزایش تنش‌ها در غرب آسیا، طی ماه گذشته از مهم‌ترین اخبار رسانه‌ها و محافل گوناگون کشورها بوده است که آثار آن می‌تواند نقش تعیین‌کننده‌ای در اقتصاد جوامع بازی کرده و حتی اقتصاد دنیا را نیز با یک تهدید جدی روبه‌رو نماید. در این ارتباط، آژانس رتبه‌بندی بین‌المللی مودیز اشاره می‌کند که تحولات به وجود آمده در خاورمیانه، شرایط را برای اقتصاد دنیا تغییر خواهد داد. برای نمونه طبق پیش‌بینی آی ان جی گروپ ان وی، تنش فعلی میان آمریکا و ایران هرچند هنوز تبدیل به یک تقابل تمام‌عیار نشده، اما در همین ابتدا، تقاضای اوراق قرضه و اوراق خزانه آمریکا را حداقل در هفته آینده کاهش داده است.

سه مؤسسه بین‌المللی «مودیز»، «گلدمن ساکس» و «اکنونومیست» در گزارش‌های تحلیلی خود، از سه ضلع خطرناک برای اقتصاد جهان، تنش‌های اخیر خاورمیانه را از مهم‌ترین چالش‌هایی دانسته‌اند که می‌تواند

علاوه بر تلاطم در بخش عرضه نفت، صنایع بانکداری و گردشگری را تهدید کرده و جریان بازرگانی کشورها را مختل کند. در این باره اکونومیست، تنش‌های ایجاد شده در غرب آسیا را مؤثر بر اقتصاد هند به‌عنوان شریک تجاری ایران دانسته و تأکید می‌کند که شوک‌های سیاسی، از عوامل تعیین‌کننده خط سیر آتی اقتصاد جهان خواهند بود.^۱

اقدام تروریستی رژیم امپریالیستی آمریکا در به شهادت رساندن عالی‌ترین مقام نظامی دو دهه اخیر ایران که میهمان رسمی نخست وزیر عراق و حامل پیام تنش‌زدایی با پادشاهی سعودی بود، ضمن زیر پا گذاشتن معاهدات و حقوق بین‌المللی، یک اقدام نظامی غیرقابل بخشش بود که به خاطر تحت تأثیر گذاردن حوزه‌های امنیتی، نظامی و سیاسی، بازتاب و تبعات اقتصادی فراوانی برای کشورهای منطقه و جهان داشته و خواهد داشت.

برای نمونه، بورس کشورهای منطقه نظیر قطر، عربستان، دبی، عمان، ابوظبی، کویت، مصر در روز یکشنبه هفته نخست سقوط داشتند، به‌نوعی که سهام آرامکو در عربستان دی کی، عقب‌نشینی آشکاری داشت و ۱,۷۱٪ کاهش یافت. کارشناسان کپیتال اکونومیست هم بر این اعتقاد هستند که تنش نظامی ایران و آمریکا قیمت انرژی را بالا برده و باعث می‌شود تا به اندازه ۰,۵٪ از جی دی پی دنیا کاسته شود.

در ایران طبق گزارش روزنامه دنیای اقتصاد، مورخ ۱۳۹۸/۱۰/۱۴، واکنش بورس تهران در اولین روز دریافت شوک‌های غیراقتصادی ۳ سال اخیر حاکی از آن است که ترور مذکور، ۳,۸٪ اثر منفی داشته است. این در حالی است که سایر شوک‌ها از قبیل رئیس جمهور شدن ترامپ: ۱,۸٪ منفی، حمله داعش به مجلس: ۰,۷٪ منفی، خروج آمریکا از برجام: ۰,۱٪ مثبت، انهدام پهپاد آمریکایی: ۰,۴٪ منفی، توقیف نفت‌کش ایران: ۱,۴٪ منفی، توقیف نفت‌کش انگلیس: ۰,۱٪ منفی و حمله به آرامکو: ۰,۷٪ اثر منفی داشته‌اند. این آمار به‌وضوح گویای تأثیر به‌مراتب جدی‌تر و بیشتر این ترور شبانه بر ذهن و فعل کنشگران اقتصاد ایران، در نسبت با سایر تنش‌ها است.

مسئله مهمی که لازم است به آن پرداخته شود، این است که تبعات این ترور چه آثاری را بر ابعاد گوناگون اقتصاد ایران، اقتصاد کشورهای منطقه، اقتصاد رژیم آمریکا و اقتصاد جهان خواهد داشت؟ اگر مختصات تبعات تنش نظامی بر اقتصاد ایران در کنار جنگ اقتصادی آمریکا علیه ایران به‌درستی سنجش و مدیریت شود، آسیب‌های جدی و غیرقابل مهار برای کشور در پی نخواهد داشت. بنابراین، از آنجایی که نوع واکنش تصمیم‌گیران نسبت به جنگ تحمیلی احتمالی بر توسعه اقتصادی، رفاه و حتی معیشت عمومی نیز مؤثر است، در نتیجه تعیین هدف قابل دسترس و شکل‌دهی انتظارات نسبت به آن از اولویت برخوردار است.

یادآوری این نکته ضروری است که اصولاً جنگ‌های نوین تنها سخت‌افزاری نیستند. بنابراین از همان روزی که ترامپ ریسک‌پذیر از برجام رفت، هدفش تخریب انتظارات کنشگران اقتصادی و زیرساخت‌های اقتصادی ایران بود تا با گرفتن کشته و مجروح از آن جنگ (انسان‌های بیکار، تعطیلی صنایع، پایین آمدن ارزش پول ملی و فقر) زمینه بحران‌های اجتماعی، سیاسی و امنیتی را فراهم سازد. در این مهم، ستون پنجم یعنی رانت‌خواران و اختلاس‌گران، سوءاستفاده‌کنندگان از قدرت و ناراضی‌ترشان با انواع روش‌هایی از قبیل

^۱ مثلث خطر جهان، روزنامه دنیای اقتصاد، ۹۸/۱۰/۱۸.

سفته‌بازی، احتکار، قاچاق، انحصارطلبی، زورگویی، ویژه‌خواری، دزدی و... به بودجه عمومی، امید به آینده و سرمایه اجتماعی مملکت ضربه وارد کرده و به رژیم متخاصم آمریکا مدد می‌رسانند.

سناریوهای محتمل در آینده

شناخت از هر موضوعی که در آینده، مخصوصاً آینده نزدیک، در حال رخ دادن است، بسیار مهم و البته دشوار است. امروزه این پیش‌بینی‌ها بر اساس طراحی سناریوهای محتمل صورت می‌پذیرد، به‌نوعی که میزان احتمال وقوع هر سناریو و تبعات آن مورد مطالعه قرار می‌گیرد تا امکان شناخت چالش‌های محتمل و راهکارهای لازم برای دفع و رفع هر یک از آن‌ها پیشاپیش مهیا شده باشند.

شناسایی سناریوهای محتمل در آینده مستلزم شناخت دقیق محیط جهانی، برآیند قوا در منطقه مورد نزاع، بررسی استراتژی طرفین نزاع و ذی‌نفعان آن است که اصولاً اتاق‌های فکر چند رشته‌ای در این ارتباط باید گزارش‌هایی به‌هنگام را ارائه دهند. نکته مهم در بررسی نوع مواجهه قدرت‌ها با یکدیگر، تمرکز تنها بر بزرگی جمعیت و جغرافیا و اقتصاد و ارتش یکی از طرفین، وافی به مقصود نخواهد بود. تجربه تاریخی نشان می‌دهد هر سیستمی ولو بزرگ‌ترین باشد، از آسیب‌پذیری مصون نبوده و با ناکارآمدی‌های خاص خود دست به‌گریبان است. بر این اساس طبق مطالعات کارشناسی و حدس‌های روشنفکرانه^۱ در ارتباط با آینده تنش حاضر میان ایران و آمریکای استعمارگر در میان‌مدت، سه سناریوی کلی ذیل قابل طرح است که بی‌تردید تشخیص احتمال هر یک از آن دو، برخاسته از نظر خبره‌های خبرگان به‌طور دقیق‌تری استحصال خواهد شد.

الف- توافق و تداوم گفتگو:

این احتمال که ایران و آمریکا به توافق کامل رسیده، یا گفتگوهایشان را در سطح دوره برجای حفظ نمایند و به لغو تحریم‌های موجود بیانجامد، سناریویی است که با اخذ رای اعتماد ترامپ از سنا و سخنان طرفین نزاع، به شدت کاهش یافته است.

ب- تنش تشدید نخواهد یافت، بلکه به‌طور ادواری در همان سطح یا کمی بیشتر تکرار می‌گردد:

تکرار اتفاقاتی نظیر حمله طبس، ساقط کردن هواپیمای مسافربری در سال ۱۳۶۷، تحریک تروریست‌های گوناگون علیه ایران، محور شرارت خواندن ایران بعد از ۱۱ سپتامبر در کنار تحریم‌های همه‌جانبه، تداعی‌کننده بازی جنگ سرد آمریکا با شوروی سابق است که با هدف و آرزویی استعماری، یعنی تضعیف تدریجی ایران و فروپاشی آن از درون و در بلندمدت دنبال می‌شود.

ج- تنش تشدید و فراگیر می‌شود:

هرچند به نظر می‌رسد که اقتصاد آمریکا و دولت آمریکا در شرایطی نیست که نیاز به جنگ داشته باشد و ترامپ برای انتخاب مجدد به رفع تنش نیاز دارد، اما با نظر به اینکه کشورهایی در منطقه، سال‌های متمادی

^۱ Intellectual Guess

آمریکا را برای حمله نظامی به ایران مورد تشویق قرار داده‌اند، سه حالت برای نتیجه این سناریو قابل تصور است:

۱- تجزیه و تخریب وطنمان ایران

۱-۱- مانند جنگ ایران و روسیه یا ایران و انگلستان در قرن ۱۹ که موجب جدا کردن آسیای میانه، قفقاز، افغانستان و پاکستان از سرزمین اصلی و تجزیه ایران شد.
۱-۲- همچون جنگ آمریکا و عراق یا جنگ جهانی دوم که باعث تخریب کشور مورد تهاجم، تغییر دولت و وابستگی آن شد.

۲- فرسایش طرفین و ظهور قدرت‌های نوین

۱-۲- مثل جنگ ایران و عثمانی که با فرسایش طرفین، به مرور زمینه ظهور جدی‌تر امپراتوری‌های جدید را فراهم ساخت.
۲-۲- نظیر جنگ ایران و عراق که فرسایش طرفین را در پی داشت.

۳- پیروزی ایران و شکست مفتضحانه آمریکا

۱-۳- شبیه جنگ ایران و پرتغال که با پیروزی ایران و خروج استعمارگران پایان یافت.
۲-۳- همانند جنگ آمریکا و ویتنام که با مقاومت ملی و تحریک افکار عمومی جهان، شکست مفتضحانه‌ای به آمریکا تحمیل شد.

بر اساس این احتمالات لازم است نگاهی به ارض واقع انداخته و مشخص کرد که چگونه می‌توان کمترین گزند را از این وضعیت‌های محتمل، متحمل شد و امنیت ملی را از دل این جنگ تحقق بخشید.
پس از گذشت تنها ۵ روز از آن ترور و بروز معجزه مشایعت و تعزیت چند ده‌میلیونی برای پیکر شهدا در شهرهای ایران و عراق، شاهد موشک‌باران پایگاه مهم عین‌الاسد آمریکا در عراق بودیم. بی‌تردید آنچه انجام شد، تنها یک انتقام نبود، بلکه اعلام استراتژی رسمی ایران در برابر تهدیدات بود. مطابق این راهبرد هرگونه تعرض پاسخ داده می‌شود، ولو آنکه بیم آغاز جنگ با آمریکا نیز برود. با این وجود، اگر پذیرفته شود که تفسیر خوش‌بینانه استراتژی ایران در مقطع حاضر دوری از جنگ و در عین حال انتقام هوشمندانه است (علایی، ۱۳۹۸) و استراتژی رژیم آمریکا در قبال ایران ادامه سیاست خصمانه با آرزوی تحقق اهداف استعماری است (پورسعید، ۱۳۹۸)^۱، لاجرم مورد ب از سناریوهای محتمل بالا، از احتمال تحقق بالاتری برخوردار است.
سناریوی ب و حتی حالات گوناگون در سناریوی ج، به‌وضوح راهنمایی می‌کنند که چگونه باید سیاست‌های خصمانه آمریکا را شناسایی و آثار آن را کنترل، محدود و حتی بی‌اثر کرد.

^۱ برگرفته از گزارش اجمالی نشست علمی صورت‌بندی و پیامدهای سیاسی امنیتی ترور سردار سلیمانی، ۹۸/۱۰/۱۶، خانه اندیشمندان علوم انسانی.

۴- چه باید کرد؟

از آنجایی که دشمنی جبهه دشمنان با ملت و کشور ایران دشمنی ذاتی و همیشگی است نه یک دشمنی فصلی و موسمی، راه علاج این است که خود را از همه جهات سیاسی، اقتصادی، نظامی و امنیتی قوی کنیم تا دشمن نتواند ضربه بزند.^۱

بر این اساس سازمان برنامه و بودجه جمهوری اسلامی ایران، به‌عنوان اصلی‌ترین سکاندار اقتصاد ایران، باید بداند که هر چند بر اساس اعلام بانک جهانی^{۱۵} رشد اقتصادی منفی اقتصاد ایران در سال ۲۰۱۹ برای سال ۲۰۲۰ تا حدود زیادی رفع می‌شود، در هر یک از حالات بالا باید چه اقدام شایسته‌ای را انجام دهد، به‌نوعی که حتی اگر احیاناً این دو کشور در شرایط وخیم‌تری قرار داده شدند و سناریوی سوم بروز کرد، دستورالعمل‌ها از چه قرار باشد تا بتواند با نقش‌آفرینی بهنگام و انجام یک بازی تماشایی، به‌مثابه یک نظام تدبیر شایسته، عدم تعادل‌های محتمل در بازارهای اصلی را شناسایی و کنترل و هدایت کرده و دشمن را به سمت حالات ۳ و ۲ از سناریوی ج کشاند.

بی‌تردید، به‌منظور تأمین منابع درآمدی و توزیع متعادل هزینه‌های جنگ، لازم است ضمن پشتیبانی از فراگیری نظام مالیاتی، مالیات‌های بیشتری بر روی طبقه‌های پردرآمد و شرکت‌های فراری از مالیات وضع شود، به‌طوری که این مالیات‌های مستقیم، بیشتر بار هزینه‌ها را بر متخلفان تحمیل کند. علاوه بر عملکرد سازمان مالیاتی، عملکرد سازمان تأمین اجتماعی (در کمک مستقیم به اقشار ضعیف جامعه)، گمرکات، بانک‌ها، دادگاه‌ها و سایر سازمان‌های نظام تدبیر نیز در برای تقویت فضای کسب‌وکار از اهمیت بالایی برخوردار است، به‌نوعی که عملکرد آن‌ها نباید مانع رونق کسب‌وکار باشد.

در این ارتباط و به‌طور مشخص در مورد تجارت خارجی، وقتی دولتی متخاصم می‌خواهد راه‌های تبادل کالا و تسویه مالی آن را ببندد، نباید مثل شرایط عادی منشأ پول، استانداردهای گمرکی، ورود کالا از مبادی قانونی و... را دنبال کرد، بلکه باید کالاهای مورد نیاز اقتصاد به هر شکلی تأمین شود؛ یعنی باید مرزها را باز گذاشت تا هر کس که می‌تواند کالاهای مورد نیاز اقتصاد ایران و نه کالاهای لوکس و غیرضرور را وارد کند؛ بنابراین فضا دادن به تجار و صرافان و... برای رسوخ در دیوار تحریم‌ها و برداشتن موانع قانونی و بوروکراتیک از پیش پای آنان از اهمیت و فوریت برخوردار است. در این چارچوب حتی همه مسافران به مقصد ایران و کولبران مظلوم، سربازان اقتصادی این عرصه قلمداد می‌شوند.

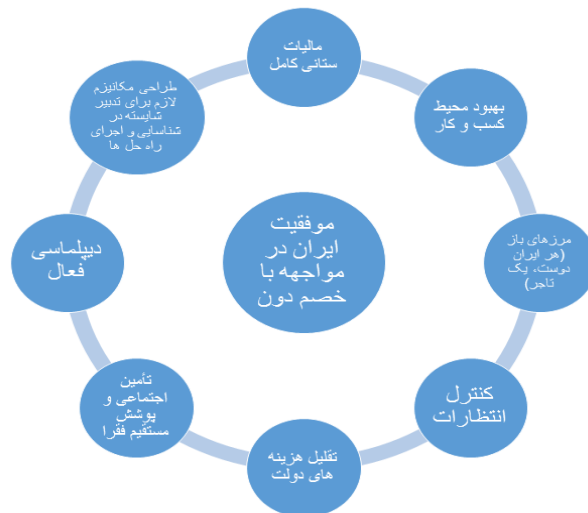
به این ترتیب همه کنشگران اقتصادی، با ایفای مسئولیت ملی خویش در تصمیمات مربوط به زندگی اقتصادی، مشارکت داشته و احساس می‌کنند که می‌توانند برای دفع شر و تغییر شرایط تحمیلی به اقتصاد ایران اثرگذار باشند.^۲

با این حال نباید فراموش کرد که راه مقابله مؤثر در این جنگ اقتصادی، کنترل انتظارات از طریق بخش رسانه‌ای ملی، عمیق و هوشیار و نقطه‌زن از یک طرف و رصد نمودن دائمی هزینه‌های امور جاری از سوی دیگر است. بی‌تردید هزینه‌های دولت از طریق حذف موارد غیرضرور، موازی‌زدایی و دادن نقش و مسئولیت بیشتر

^۱ بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی ایران، ۹۸/۱۰/۱۸.

^۲ گزارش اخیر بانک جهانی در خصوص ایران برگرفته از خبرگزاری ایرنا، مورخ ۹۸/۱۰/۲۰.

به مردم باید هر چه زودتر تقلیل یابد. به علاوه با تمرکززدایی بیشتر و دادن اختیار و مسئولیت‌های بیشتر به استان‌ها، ضمن پیشگیری از آسیب‌های کلی، زمینه مقاومت بیشتر آحاد ایرانیان را فراهم آورد. با این وجود، نباید فراموش کرد که هر جنگی، ولو جنگ اقتصادی باید پایانی اندیشیده شده، داشته باشد وگرنه در درازمدت اقتصاد نیز آسیب جدی خواهد دید و جبران آن در صورت امکان، سال‌ها طول خواهد کشید. بنابراین دیپلمات‌های ایرانی به هیچ وجه نباید غایبان این صحنه تلقی شوند، بلکه باید بازی‌هایی را طراحی کنند که امنیت ملی ایران را تضمین نماید. در پایان رمز موفقیت اقتصادی ایران در مواجهه با خصم را به‌طور خلاصه می‌توان در شکل زیر مشاهده کرد.



۴- پیشنهاد مطالعات آتی

- ۴-۱- تشخیص اینکه در هر یک از حالات متصور، منابع درآمدی مثل نفت و مالیات و سایر موارد چگونه می‌شوند، نیازمند مطالعه مستقل است.
- ۴-۲- شناسایی وضعیت هر یک از بازارها (کالا و خدمات، سرمایه و ارز، کار) در هر یک از حالات متصور نیازمند مطالعه‌ای مستقل است.
- ۴-۳- بررسی وضعیت مالی و تجارت بین‌الملل اعم از صادرات و واردات و قاچاق و نقل و انتقال سرمایه و مبادلات مالی در هر یک از حالات متصور از ضرورت برخوردار است.
- ۴-۴- بازبینی مجدد تجربه جنگ تحمیلی یا تجربه جنگ جهانی و اخذ بصیرت‌های لازم برای امروز از فوریت بالایی برخوردار است.
- ۴-۵- مطالعه دائمی مؤسسات و اتاق‌های فکر دشمن در زمینه جنگ اقتصادی نیازمند توجه جدی است.
- ۴-۶- کنش متقابل و نه فقط مقاومت، در مواجهه با ترور اقتصادی آمریکا نیازمند مطالعه است.
- ۴-۷- طراحی یک برنامه همه‌جانبه برای کنترل انتظارات و توفیق در جنگ روانی، پیوستی ضروری قلمداد می‌گردد.
- ۴-۸- برگزاری نشست‌های تخصصی و گفتگوهای شفاهی با متولیان اقتصاد در دوره جنگ از جمله سهل‌الوصول‌ترین اقدامات است.

منابع

- ایمانی، مرتضی (۱۳۹۸). «تحلیلی محیط اقتصادی ایران»، تلاش‌گران اقتصاد پایدار، ۱۳۹۸/۱۱/۱۳.
- بانک جهانی، گزارش اقتصادی در خصوص ایران، ایرنا، ۹۸/۱۰/۲۰.
- خانه اندیشمندان علوم انسانی، صورت‌بندی و پیامدهای سیاسی امنیتی ترور سردار سلیمانی، ۹۸/۱۰/۱۶.
- روزنامه دنیای اقتصاد، ۱۳۹۸/۱۰/۱۴.
- روزنامه دنیای اقتصاد، مثلث خطر جهان، ۹۸/۱۰/۱۸.
- سخنرانی رهبر انقلاب اسلامی ایران: ۹۸/۱۰/۱۸.
- مناظره موسویان و مارک کیمیت در الجزیره، ۱۳۹۸/۱۱/۱۳.



آوردگاه ژئوپلیتیک غرب آسیا و ضرورت توازن توسعه اقتصادی و توسعه نظامی در ایران

سیدرحیم تیموری

عضو گروه پژوهشی توسعه، تأمین مالی و اقتصاد بین‌الملل

درآمد

سوم ژانویه ۲۰۲۰ رویدادی تلخ را در حافظه تاریخی مردمان ایران رقم زد. سرلشکر قاسم سلیمانی فرمانده سپاه قدس ایران که نقش مهمی در تثبیت قدرت نظامی به حزب‌الله لبنان، عقب راندن فلسطین اشغالی از جنوب لبنان، جنگ افغانستان، شکل‌دهی به فضای سیاسی عراق پس از سرنگونی صدام حسین، تغییر روند جنگ داخلی سوریه و مقابله با داعش در عراق و به‌طور خلاصه ساماندهی مجدد جغرافیای سیاسی منطقه داشت در یک اقدام تروریستی و ناقض تمام حقوق بین‌الملل، به شهادت رسید. این اقدام که شاید تداعی‌کننده شروع یک دهه جدید آمریکایی^۱ برای ترامپ و نومحافظه‌کاران آمریکا با همان کارکرد قرن جدید آمریکایی^۲ برای بوش در ابتدای قرن بیست‌ویک باشد؛ برهه حساسی در آوردگاه ژئوپلیتیک غرب آسیا است. در این جستار ابتدا به تحلیل حضور آمریکا در عراق پس از ۲۰۰۳ در شرایط خلأ قدرت در این کشور و ظهور نیروهای جهادی می‌پردازیم؛ سپس میدان ورود ایران به این سرزمین مورد نزاع را بررسی و موقعیت متفاوت ایران و آمریکا به‌عنوان دو بازیگر منطقه‌ای و جهانی را تحلیل می‌کنیم؛ و در نهایت دشواری‌های تقدم/تأخر توسعه اقتصادی و توسعه نظامی را برای ایران با توجه به زمینه موجود و تأثیر آن بر اولویت‌های برنامه‌ای کشور را بیان خواهیم کرد.

سلطه بدون هژمونی: بن‌بست آمریکا در عراق از ۲۰۰۳ تا ۲۰۲۰

حمله رعدآسا و موفق به بغداد و مقاومت اندک نیروهای مسلح عراق در سال ۲۰۰۳ انتظارات از موفقیت قرن جدید آمریکایی را تقویت کرد. مع‌هذا تا ژوئن ۲۰۰۳، تلفات آمریکا بی‌وقفه افزایش یافت. بدتر اینکه به‌رغم برنامه آمریکا برای بازسازی عراق، بازده سیاسی و اقتصادی به ازای هر کشته به‌شدت کاهش یافت، طوری که این کشور را در منطقه آسیای غربی تقریباً تنها گذاشت و آمریکا را با واقعیت تلخ باتلاق جدید آشنا کرد. این کشور مجبور بود یا در برنامه خود تجدیدنظر کند، یا تعداد نیروهایش را کاهش دهد و یا عراق را رها کند. تا سال ۲۰۰۵، ارتش آمریکا نه‌تنها از پایان آبرومندانه ماجرا ناتوان بود، بلکه مانند تجربه ویتنام با خطر فروپاشی

^۱New American Decade

^۲New American Century

روحیه سربازان خود روبرو شد. دیگر بدیلی بین برد و باخت در کار نبود. فاجعه عراق یک بازی دو سر باخت بود. به گفته یک افسر نیروی دریایی: «یا باید در عراق شکست بخوریم و ارتش خود را نابود کنیم، یا فقط باید بازنده باشیم». در دسامبر ۲۰۰۶، کالین پاول در مصاحبه با شبکه خبری CBS گفت: «ابتکار عمل ارتش درهم شکسته است»^۱.

از دیدگاه بسیاری از مفسران و منتقدان قدیمی جنگ مانند جورج سوروس، دلیل اصلی جنگ عراق وابستگی آمریکا به نفت آسیای غربی نبود،^۲ هدف حمله به عراق این بود که پیروزی سریع، خاطره شکست ویتنام را محو کند و پایه قرن جدید آمریکایی را بسازد، اما نظامیان آمریکا به اهدافی سهل برای نیروهای جهادی تبدیل شدند. مطمئناً آمریکا فارغ از نتیجه جنگ عراق، در آینده نزدیک قدرت نظامی غالب جهان باقی خواهد ماند. اما همان طور که دشواره‌های ویتنام بحران نشانه در هژمونی آمریکا را تشدید کرد، احتمالاً مشکلات آمریکا در عراق، بحران نهایی آن را رقم خواهد زد. خلاصه کلام اینکه، اشغال عراق جدای از انهدام پایه‌های قرن جدید آمریکایی اعتبار نظامی آمریکا را به خطر انداخت، مرکزیت آمریکا و اعتبار پولی و مرکزیت مالی آن کشور را در اقتصاد سیاسی جهانی تضعیف کرد و مهم‌تر از همه اینکه در بستر بحران مالی آمریکا همانند با ماجراجویی‌های نظامی دو دهه اخیر، ظهور چین به مثابه جایگزین به رهبری ایالات متحده در شرق آسیا و فراسوی آن را تقویت کرد. اما به غیر از تغییر در معادلات نظام جهانی و صعود موفقیت‌آمیز قدرت‌هایی مانند چین، جنگ ۲۰۰۳ عراق و خلأ قدرت در این کشور یک پیامد ناخواسته منطقه‌ای نیز به همراه داشت: خیز قدرت‌های منطقه‌ای از جمله ایران برای ایفای نقش و ایجاد موازنه جدید در منطقه.

ورود ایران به یک سرزمین مورد منازعه: چالش‌های صعود منطقه‌ای

از دیدگاه تحلیل‌گران غرب آسیا، جنگ ۲۰۰۳ عراق موجب شد تهدید آمریکا برای استفاده از نیروی نظامی علیه سایر کشورهای مسلمان خنثی شود و دولتی که بیشترین قدرت را از جنگ عراق گرفت؛ ایران بود. مرکز سیاست‌گذاری دوحزبی آمریکا در گزارشی با عنوان «سیاست آمریکا در قبال ایران: گزینه‌های استراتژیک»^۳، ضمن ارائه کریدور زمین ایران بعد از جنگ ۲۰۰۳ عراق (نگاه کنید به: نمودار ۱) و اشاره اهداف استراتژیک ایران یعنی، (۱) حفظ حکومت؛ (۲) تبدیل شدن به عامل سیاسی و امنیتی مسلط در منطقه؛ (۳) رهبری جریان مقاومت علیه آمریکا و فلسطین اشغالی؛ معتقد است هدف دوم و سوم که همزاد با انقلاب اسلامی ایران است، با منافع آمریکا و متحدان منطقه‌ای در تعارض بنیادین قرار دارد.

از دیدگاه نویسندگان این گزارش، سیاست‌گذاران آمریکا برای مواجهه با موقعیت‌یابی منطقه‌ای ایران باید دو پرسش کلیدی را لحاظ کنند:

^۱ پروژه قرن جدید آمریکایی در ابتدای قرن بیست و یکم از طرف نو محافظه‌کاران آمریکایی کلید خورد، رویداد ۱۱ سپتامبر جوانب مختلف آن را عملیاتی کرد و اشغال عراق در سال ۲۰۰۳ نقطه عطف آن بود. اما از بازی روزگار یکبار دیگر غرب آسیا به گورستان امپراتوری‌های جهانی (این بار آمریکا) تبدیل شده است. برای آگاهی از شکست پروژه قرن جدید آمریکایی، نگاه کنید به:

Arrighi, Giovanni, Adam Smith In Beijing: Lineages of the Twenty-First Century, Verso ۲۰۰۷

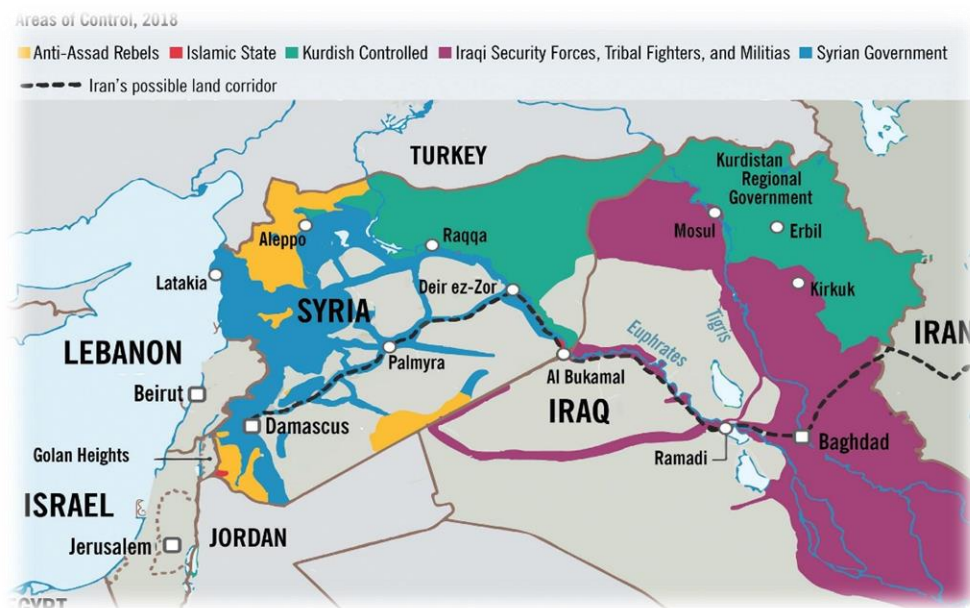
1st time, US not winning war in Iraq", Bush says for "Time to Leave", New York Times, November Baker, P ۲۰۰۵. Krugman, P ۱۹, Washington Post

۲. Soros, G (۲۰۰۴). "The US is now in the hands of a group of extremists, The Guardian/UK" ۰۱-۱۲-۲۰۰۶

"Report of the Task Force on Managing Disorder" in the Middle East, BIPARTISAN " (۲۰۱۸). U.S. Policy Toward Iran: Strategic Option POLICY CENTER

الف) تا چه میزان موقعیت مستحکم ایران در سوریه و عراق منافع آمریکا و متحدان را تهدید می‌کند؟
 ب) تا چه حدی اهداف ایران جاه‌طلبانه است؟
 بر مبنای پاسخ به این پرسش‌ها:

- ۱) اگر تهدید کنونی غیرقابل تحمل باشد، سیاست عقب‌گرد^۱ در قبال ایران ضرورت دارد.
 - ۲) اگر تهدید کنونی قابل مدیریت باشد و ایران صرفاً مشتاق به گسترش خود در حد ایجاد توازن با رقبا باشد، سیاست مهار^۲ باید اعمال شود.
 - ۳) در نهایت، چنانچه تهدید فعلی قابل مدیریت باشد و بعید باشد که ایران فشار بیشتری به جلو اتخاذ کند، دنبال کردن سیاست شیوه زندگی^۳ مناسب‌ترین گزینه است.
- رویداد تلخ ترور سپهبد سلیمانی نشان داد احتمالاً آمریکا از سیاست مهار به سمت سیاست عقب‌گرد ایران از منطقه، از طریق قوه قهریه گرایش یافته است و پاسخ‌های متعاقب ایران بر پویش‌های سیاسی-اقتصادی آینده منطقه تأثیرگذار خواهد بود.



نمودار ۱: کریدور زمینی ایران در منطقه غرب آسیا پس از سال ۲۰۰۳

Source: Bipartisan Policy Center, ۲۰۱۸

توسعه اقتصادی یا توسعه نظامی: سمت‌وسوی اولویت‌های برنامه‌ای کشور

دشوار است بدانیم که نتیجه نهایی حمله آمریکا به عراق در منطقه وسیع آسیای غربی در سال ۲۰۰۳ و قدرت‌یابی متعاقب ایران (۲۰۰۳-۲۰۲۰) چه خواهد بود. ممکن است «پیروزی» ایران تثبیت شود یا اقدام دیگری از سوی آمریکا صورت گیرد [مانند رفتاری که شاهد آن بودیم]. دور از واقعیت نیست این گزاره را طرح کنیم که اگرچه ماجراجویی عراق باهدف شکوفایی یک قرن

^۱Rollback

^۲Containment

^۳ modus vivendi

جدید آمریکایی انجام شد، به احتمال زیاد عامل بسته شدن اولین و تنها قرن آمریکایی، یعنی قرن بیستم خواهد بود؛ اما وضعیت برای ایران متفاوت است. برخلاف آمریکا که هدف این کشور از ورود به غرب آسیا تثبیت جایگاه خود در نظام جهانی بوده است؛ هدف گذاری و موقعیت یابی ایران بسیار متفاوت است. توسعه نظامی ایران به خصوص در دو دهه اخیر مجدداً این پرسش کلاسیک را در میان اندیشگران توسعه ایجاد کرد که با توجه به نظریه ظهور و افول قدرت های بزرگ که بر توازن توسعه اقتصادی و نظامی در مسیر یک کشور تأکید دارد؛ چه احتمالات و مقتضیاتی پیش روی ایران است. پل کندی نظریه پرداز کلاسیک قدرت در کتاب خود^۱ با مطالعه قدرت های بزرگ از قرن پانزدهم معتقد است: «ثروت اقتصادی برای حفظ و تداوم نیروی نظامی و نیروی نظامی برای کسب و تحصیل ثروت ضروری است». اهمیت توازن بین قدرت تولید و کسب ثروت از یک سو و قدرت نظامی از سوی دیگر برای کشوری چون ایران که درصدد تبدیل شدن به یک قدرت منطقه ای بدون رقیب است؛ آینده رویکردهای برنامه ای و تخصیص منابع بودجه ای کشور را رقم خواهد زد. در این میان آنچه ضرورت دارد پرهیز از درگیری های پرهزینه با همزمن رو به افول و البته هنوز هم پر قدرت آمریکا در جغرافیا پیچیده و چندتکه خاورمیانه و متعاقباً اختصاص بخش بیشتر منابع کشور در راه تولید ثروت است که اثر بلا فصل آن تقویت قدرت ملی خواهد بود.

^۱ نگاه کنید به: پل کندی (۱۳۹۵)، *ظهور و افول قدرت های بزرگ*، ترجمه عبدالرضا غفرانی، تهران: اطلاعات.



کاهش هزینه‌ها با مدیریت تخصیص منابع

رمضان رنجبری

مدیر امور مالی مرکز پژوهش‌های توسعه و آینده‌نگری

با توجه به شرایط پیش رو، دولت به دلیل محدودیت‌ها با کاهش وصول درآمدهای حاصل از فروش نفت، صدور خدمات فنی و مهندسی و توریستی، درآمدهای حاصل از خدمات گمرکی و... مواجه خواهد شد و در قبال آن بعضی از هزینه‌های دفاعی و امنیتی در اولویت اول قرار خواهند گرفت. بنابراین، استراتژی کاهش هزینه‌ها و اختصاص منابع محدود به هزینه‌های اجتناب‌ناپذیر سه‌ماهه آخر سال ۱۳۹۸ که به دلیل پرداخت پاداش و عیدی، انباشته برخی از تعهدات و هزینه و انتقال آن‌ها به روزهای پایانی سال و ... نسبت به ماه‌های قبل طبق روال همه‌ساله پرداخت‌ها افزایشی خواهد بود، باید به‌شدت و با دقت توسط سازمان به‌موجب ماده (۳۵) قانون برنامه و بودجه کشور مدیریت شود. از طرفی با توجه به ابلاغ آیین اجرایی ماده (۱۲) قانون بودجه سال ۱۳۹۸ کل کشور در زمینه مولدسازی دارایی‌ها و اموال غیرمنقول و فروش اموال غیرمنقول مازاد بر نیاز و اضافی و فروش خانه‌های سازمانی موضوع ماده (۸) قانون ساماندهی تولید و عرضه مسکن به‌موجب تأکید ضوابط اجرایی بودجه سال جاری و مقاومت دستگاه‌های اجرایی با فروش اموال غیرمنقول و استفاده از آن‌ها به عنوان مختلف از قبیل مأمور سرا، مرکز آموزشی و ... ایجاب می‌نماید با کمک سازمان بازرسی کل کشور و دیوان محاسبات کشور و تشکیل کارگروهی متشکل از نمایندگان تام‌الاختیار سازمان برنامه و بودجه، اداره کل اموال دولتی، دیوان محاسبات کشور، سازمان بازرسی کل کشور و معاونت حقوقی رئیس‌جمهور موضوع پیگیری و با رفع موانع قانونی از طریق مزایده عمومی زمینه فروش اموال غیرمنقول در کمترین فرصت فراهم نمایند تا بخشی از پیامدهای پیش‌بینی شده در قانون تحقق یافته و منابع حاصل از فروش به هزینه‌های ضروری تخصیص داده شود.

با توجه به این که پرداخت حقوق کارکنان دولت، بازنشستگان، نیروهای شرکتی و قراردادی و حق‌التدریس در اولویت اول هستند، ایجاب می‌کند دستگاه‌های اجرایی با انجام برخی اقدامات، زمینه صرفه‌جویی و کاهش هزینه‌ها را فراهم نمایند. به‌طور نمونه می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

- ۱- کاهش سفرها و مأموریت‌های داخلی و خارجی حتی از نظر تعداد نفر-روز؛
- ۲- برگزاری گردهمایی‌ها و نشست‌ها از طریق ویدیو کنفرانس؛
- ۳- استفاده بهینه از اینترنت؛

۴- مصرف بهینه انرژی و سوخت؛

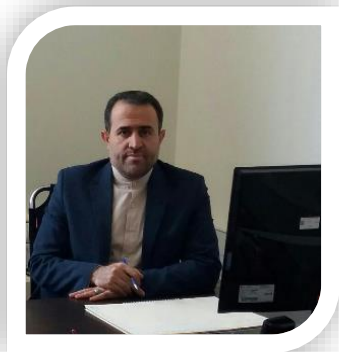
۵- حذف یارانه خانوارها بر اساس مجموع درآمد خانواده و تعداد نفرات مشابه مصوبه یارانه معیشت (خانواره یک نفره- و دو نفر و...) با حمایت اقشار آسیب پذیر و خانوارهای با درآمد کمتر از ۳۰ میلیون ریال در ماه؛

۶- کنترل و ارزیابی اعتبارات خارج از شمول قانون محاسبات عمومی کشور و اعمال محدودیت از طرف سازمان در تخصیص و صدور مجوز اعتبارات یادشده به دستگاه‌هایی اجرایی کشور به منظور ضابطه مند کردن پرداخت‌ها و رسیدگی به عملکرد اعتبارات این بخش؛

۷- نظارت بیشتر بر مخارج شرکت‌های دولتی و بانک‌ها (پاداش‌های پایان سال، سفرها و مأموریت غیر ضرور پایان سال و استفاده بهینه از اموال و دارایی‌ها مانند خودروهای دولتی و تحمیل هزینه سوخت و تعمیر و نگهداری به شرکت دولتی، استفاده از امکانات اموال به‌عنوان مهمان‌سرا، باشگاه از محل اعتبارات دولتی) و دریافت مالیات غیرنقدی استفاده از خودروهای دولتی اختصاصی با راننده معادل ۱۰ درصد حقوق و مزایای مستمر و بدون راننده معادل ۵ درصد موضوع تبصره ذیل ماده (۸۳) قانون مالیات‌های مستقیم مصوب ۱۳۹۴.

به نظر می‌رسد در زمینه وصول مالیات این تبصره، نظارت چندانی از طرف مراجع ذی‌صلاح صورت نمی‌گیرد. با توجه به تعداد قابل توجه خودروهای دولتی و مسکن در اختیار یا استفاده اختصاصی از خودروها به‌عنوان اموال دولت و حفظ حقوق بیت‌المال، سازمان می‌تواند عملکرد وصول درآمد این تبصره را از سازمان مالیاتی پیگیری کند. علی‌رغم شفاف بودن این تبصره و صراحت آن تفسیرهای متفاوتی در اجرای این تبصره وجود دارد و با استدلال این‌که خودروهای اختصاصی صرفاً برای ارائه سرویس اداری و انجام مأموریت‌های اداری هستند از کسر مالیات مربوط خودداری به عمل می‌آید و با این تفسیر اصلاً خودرو اختصاصی در کشور نداریم و هدف مقنن از این تبصره نامعلوم است؛ در حالی که تعمیر و نگهداری، اختصاص راننده و استهلاک خودروهای دولتی هزینه‌های زیادی را به دولت تحمیل می‌کند.

۸- اختصاص کمک‌های بلاعوض دولتی موضوع (۷۱) قانون محاسبات عمومی کشور به بخش‌های غیردولتی و اشخاص در شرایط ضروری و نظارت بیشتر سازمان در زمینه انجام هزینه‌ها در تحقق اهداف و وظایف مشخص شده توسط دولت.



تقابل قدرت جهانی و قدرت منطقه‌ای در خاورمیانه و آثار سیاسی و مالی آن و بررسی راه‌حل‌ها

سیدمحمد شفیعی

مدیر امور قراردادها مرکز پژوهش‌های توسعه و آینده‌نگری



مهدی نظرآقایی

عضو گروه پژوهشی توسعه، تأمین مالی و اقتصاد بین‌الملل

مروری بر رابطه ایران و آمریکا

روابط ایران و آمریکا از اواسط قرن نوزدهم میلادی آغاز شد. این روابط از سال ۱۸۹۹ میلادی تا انقلاب اسلامی ایران در بهمن‌ماه سال ۱۳۵۷ (مصادف با ۱۱ فوریه ۱۹۷۹ میلادی) برقرار بود. پس از پیروی انقلاب اسلامی ایران، دو کشور در چند مورد محدود، روابط سیاسی با یکدیگر داشتند. از آن زمان به بعد در خلال چند دور سفرهای محمود احمدی‌نژاد، رئیس‌جمهور دولت نهم و دهم ایران به سازمان ملل متحد، پیشنهادهایی برای مذاکره مستقیم با دولت آمریکا مطرح کرده بود که با مخالفت‌هایی از جانب مقامات حکومت ایران و نیز سکوت دولتمردان آمریکایی همراه بود. اوج شکل‌گیری مذاکرات دوجانبه ایران و آمریکا، پس از روی کار آمدن دولت یازدهم به ریاست حسن روحانی بر سر پرونده هسته‌ای ایران آغاز شد. مذاکراتی که به‌صورت مستمر نزدیک دو سال به طول انجامید و درنهایت به انعقاد برنامه جامع اقدام مشترک انجامید. انعقاد این توافق، بالاترین سطح روابط دیپلماتیک ایران و آمریکا پس از انقلاب اسلامی ایران بود. با این حال، حضور ایالات متحده در این توافق موقت بود و دونالد ترامپ رئیس‌جمهور آمریکا در ۸ می ۲۰۱۸، به‌طور یک‌جانبه از برجام خارج شد. در حال حاضر روابط ایران و آمریکا پس از ترور سردار قاسم سلیمانی و پس از آن انتقام موشکی سپاه پاسداران جمهوری اسلامی ایران تا حدودی در فضای عدم اطمینان و غیرقابل پیش‌بینی سپری می‌شود و تحلیلگران از جهات مختلف به ابعاد این موضوع می‌پردازند. در این شرایط نقش تمامی ارگان‌های دولتی به‌خصوص سازمان برنامه و بودجه در مدیریت بودجه‌ای و پشتیبانی مالی سناریوهای مختلف بسیار حائز اهمیت است. در این یادداشت به شناخت بهتر روابط ایران و آمریکا در طی سالیان گذشته پرداخته شده است. بی‌شک شناخت بیشتر از شرایط دو کشور در تدوین برنامه‌ها و پشتیبانی‌های بودجه‌ای بسیار حائز اهمیت است. در دنیای امروزی، در محیط بین‌الملل پنج نوع بازیگر داریم.

بازیگران جهان امروز

بازیگران غیردولتی: بازیگران خرد یا درون دولتی (شامل احزاب، گروه ها و...) و بازیگران فرادولتی (سازمان‌هایی مانند فیفا).

بازیگران دولتی (ملی): آنچه سازمان‌های بین‌المللی آن‌ها را به رسمیت می‌شناسند، دولت‌ها هستند. دولت‌ها در تئوری با هم مساوی هستند، اما در واقعیت خیلی تفاوت دارند. بازیگران منطقه‌ای.

بازیگران بین‌المللی (روسیه و چین و فرانسه و...).

بازیگران جهانی (در حال حاضر تنها بازیگر جهانی آمریکاست).

به جز آمریکا هیچ بازیگر دیگری نداریم که گستره فعالیت آن در زمینه امنیت، سیاست، اقتصاد، فرهنگ و... جهانی باشد.

اما باید بدانیم که تنها ابزار این بازیگرها قدرت است. در جهان هفت مؤلفه برای قدرت وجود دارد.

مؤلفه‌های قدرت در جهان امروز

۱- قدرت اقتصادی ۲۵٪؛

۲- قدرت سرزمینی و منابع طبیعی ۱۵٪؛

۳- قدرت جمعیتی و منابع انسانی ۱۵٪؛

۴- قدرت نظامی ۱۵٪؛

۵- قدرت سیاسی و بین‌المللی ۱۰٪؛

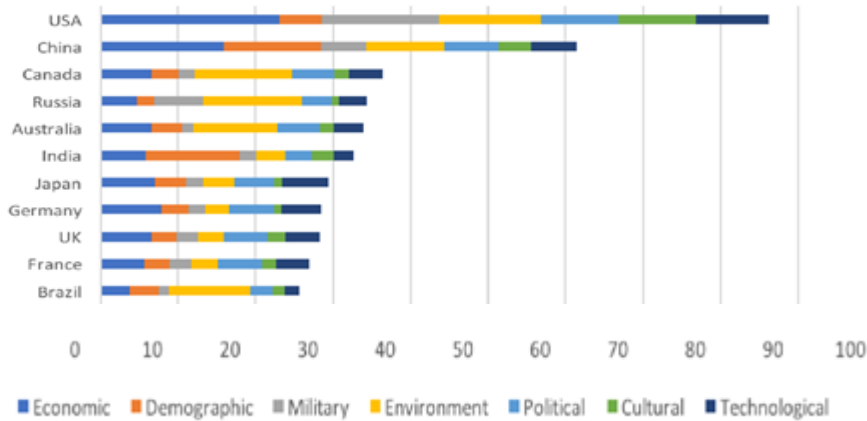
۶- قدرت فرهنگی و رسانه‌ای ۱۰٪؛

۷- قدرت تکنولوژیکی ۱۰٪؛

مجموعه این هفت مؤلفه، قدرت کشورها را مشخص و جایگاه کشور را در نظام قدرت بین‌المللی تعیین می‌کند.

ده قدرت اول جهان بر پایه هفت مؤلفه قدرت

2017 Country Power Rankings

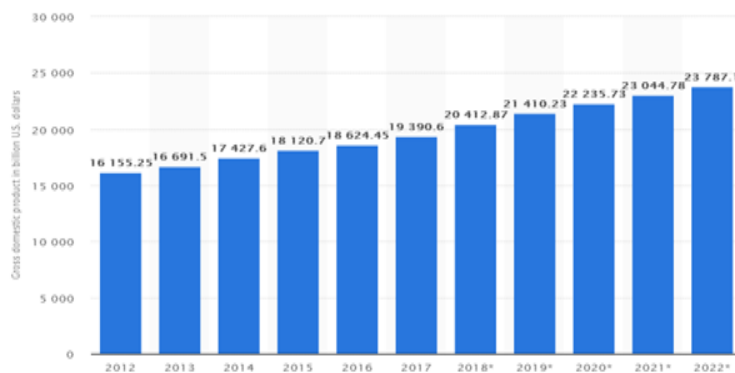


در گزارش‌های دیگر، جایگاه ایران در این رده‌بندی بین ۱۳ تا ۱۶ متغیر بوده و در همین حدود در گردش است.

آمریکا و ایران در یک نگاه

بودجه نظامی	درآمد سرانه	تولید ناخالص داخلی (۲۰۱۷)	جمعیت	مساحت	
۷۱۶ میلیارد دلار	۶۰,۰۰۰ دلار	۱۹,۳۹۰ میلیارد دلار	۷۹۷,۷۲۰,۳۲۴	۵۱۷,۸۳۳,۰۹	آمریکا
۱۰ میلیارد دلار	۵۳۰۰ دلار	۴۳۹ میلیارد دلار	۰۰۰,۰۰۰,۸۰	۰۰۰,۶۴۸,۰۱	ایران

روند افزایشی رشد تولید ناخالص آمریکا ۲۰۱۲-۲۰۲۲



روند رشد تولید ناخالص داخلی ایران ۲۰۰۸-۲۰۱۷



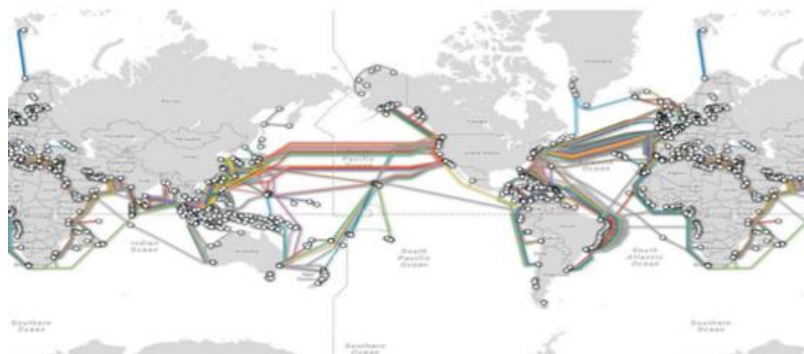
۲۰۰۰ شرکت بزرگ جهان

سهام آمریکا ۵۴۰ شرکت که بیش از ۲۵ درصد است.



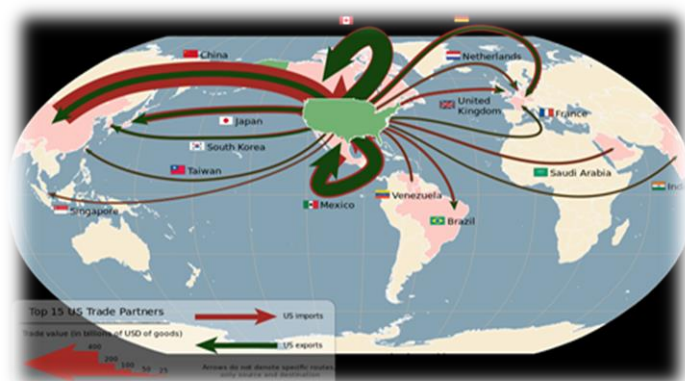
ارتباطات شبکه فیبر نوری در جهان

این نمودار نشان می دهد که چه کشورهایی بیشتر با هم در ارتباط هستند.



This map shows the cables in one glance
Source: world economic forum

جریان مبادلات خارجی آمریکا با مناطق مختلف جهان



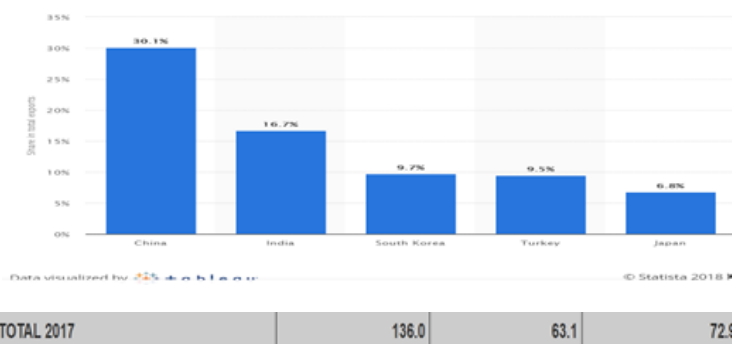
رقابت جهانی چین و آمریکا

چین طرف اصلی تجاری ۱۲۴ کشور و آمریکا طرف اصلی تجاری ۵۶ کشور



طرف‌های اصلی واردکننده از ایران در سال ۲۰۱۶ و قبل از اعمال تحریم‌های جدید

Iran: Main export partners in 2016



طرف‌های اصلی صادرکننده به ایران در سال ۲۰۱۶



دو نمودار بالا نشان می‌دهد که کل روابط خارجی ایران دقیقاً به روابط تجاری آن کشورها با آمریکا بسته شده است؛ یعنی چین، امارات، عراق و هر کشور دیگری را که بررسی کنیم تجارت خارجی آن‌ها به آمریکا گره خورده است و از تمامی جهات چه سیاسی، چه نظامی و چه اقتصادی متحد اول آن کشورها آمریکاست. درست است ما با آمریکا رابطه نداریم، اما به‌طور غیرمستقیم مرادوات ما با یکدیگر گره خورده است. آمریکا بزرگ‌ترین صادرکننده خدمات در جهان است و یکسری خدمات آن به‌طور کلی غیرقابل جایگزین است و آن خدمات چیست؟

خیلی از کشورهای دنیا کامپیوتر یا موبایل می‌سازند، اما نرم‌افزارهای تمامی این‌ها که یا اپل است یا مایکروسافت یا گوگل در دست آمریکاست و بدون این نرم‌افزارها هیچ قدرت اقتصادی ندارند. این در حالی است که ۱۲۴ میلیارد دلار از صادرات آمریکا فقط به این موضوع اختصاص دارد و هیچ جایگزینی هم ندارد. و به‌طور کلی نسل چهارم تکنولوژی روز دنیا کلاً آمریکایی و در دست آمریکاست.

پایگاه‌های نظامی آمریکا در جهان



پایگاه‌های نظامی آمریکا در نزدیکی روسیه و ایران



ساختار یا دستورهای دائمی سیاست خارجی آمریکا

- منافع ملی
- امنیت ملی

ارزش‌های آمریکایی (دموکراسی، حقوق بشر و اقتصاد آزاد)

چالش رؤسای جمهوری آمریکا ترکیب سه مؤلفه نسبتاً متفاوت با یکدیگر است. در جمهوری خواه‌ها، امنیت ملی اولویت اول و منافع ملی دوم است؛ اما در حزب دموکرات منافع ملی اولویت اول است، امنیت ملی دوم و اولویت سوم هم ارزش‌های آمریکاست. زمانی که امنیت ملی اولویت اول قرار می‌گیرد، قدرت نظامی پیشگام می‌شود و زمانی که منافع ملی اولویت قرار می‌گیرد، پشتوانه دیپلماسی پیشتاز منافع ملی قرار می‌گیرد. بنابراین، روی کار آمدن حزب دموکرات یا حزب جمهوری خواه برای کشورهای دیگر بسیار مهم است.

محورهای ثابت در اسناد استراتژی امنیت ملی آمریکا پس از جنگ جهان دوم تاکنون

حفاظت از آزادی کشتیرانی و امنیت آبراه‌های بین‌المللی و تنگه‌ها و ممانعت از سلطه دولت‌های متخاصم و احتمالاً متخاصم بر آن‌ها.

حفظ جریان آزاد تجارت و سرمایه.

حفظ امنیت منابع انرژی و ممانعت از کنترل آن توسط دولت‌های متخاصم و احتمالاً متخاصم.

تداوم جریان تولید و انتقال انرژی در سطح کافی و با قیمت مناسب به بازارهای مصرف.

ممانعت از تلاش برای دسترسی، تکثیر و انباشت سلاح‌های کشتار جمعی، هسته‌ای، شیمیایی، بیوشیمیایی

و سیستم‌های پرتابی آن‌ها از سوی دول متخاصم احتمالاً متخاصم.

ممانعت از دسترسی دولت‌های دشمن، بالقوه دشمن و رقیب به تکنولوژی‌های حساس نظامی و غیرنظامی.

حفظ امنیت متحدین و دوستان آمریکا، اعضای ناتو، اروپای غربی و قاره‌ای، فلسطین اشغالی، ژاپن، کره

جنوبی، استرالیا، کشورهای عرب خلیج فارس.

حفظ امنیت پایگاهها و پرسنل نظامی و تأسیسات آمریکایی در خارج از آمریکا. پاسداری از جهان آزاد، دموکراسی، حقوق بشر، اقتصاد بازار و تجارت آزاد. دقت به موارد مذکور نشان می‌دهد که این نکات، نقطه برخورد ایران با آمریکا است.

مناطق عملیاتی ارتش آمریکا در سه دهه اخیر اروپا آسیا و آفریقا



* منطقه درون خط چین منطقه صادرکننده تهدید و ناامنی از نگاه ارتش آمریکا

این نقشه منطقه‌ای است که از اتفاقات دهه هفتاد به بعد کلیه عملیات و حضور نظامیان آمریکا در جهان را نشان می‌دهد. همان‌طور که مشاهده می‌کنید ایران در مرکز این منطقه بی‌ثبات قرار گرفته است.

برنامه‌های ترامپ در روابط خارجی و آثار آن در استراتژی امنیت ملی آمریکا

- مقابله با روند جهانی شدن، کنار گذاشتن همکاری‌های دسته‌جمعی و بین‌المللی.
- تأکید بر مناسبات دوجانبه و دولت با دولت.
- بازنگری پیمان‌های بین‌المللی شامل: بازنگری همه موافقت‌نامه‌های امضا شده در زمان اوباما با نگاه آمریکا اول.

از جمله:

- بازنگری، خروج و مذاکره در خصوص برجام برای یک توافق جدید دوجانبه (توافق هسته‌ای با ایران).
- مناسبات اقتصادی خارجی.
- رفع موانع داخلی و خارجی تولید انرژی در داخل آمریکا از منابع نفت و گاز آمریکا.
- فشار بر چین برای تغییر موازنه تجاری با چین و عدم کنترل یوان پول آن کشور.
- مشارکت سایر کشورهای متحد آمریکا در تأمین هزینه‌های دفاعی متناسب با آمریکا.
- حل و فصل معضلات و چالش‌های حاد و مزمن آمریکا در سیاست خارجی آمریکا، روسیه، چین، دولت‌های ایران و کره شمالی، کوبا و سرکوب تروریسم.

سیاست خاورمیانه‌ای

- پایان دادن به سیاست تغییر رژیم بوش و بسط دموکراسی اوباما و حمایت از حکومت‌های مستقر در خاورمیانه.

- اولویت دادن به مبارزه با داعش در سوریه و عراق و کنار کشیدن از سیاست حمایت از معار ضین سوری.
- استفاده از نقش روسیه برای مبارزه با داعش و تشدید مبارزه با داعش.
- فشار بر کشورهای منطقه برای به عهده گرفتن هزینه‌های مبارزه با افراطی‌گری اسلامی و اسلام سیاسی و مقابله با بی‌ثبات‌سازی اصطلاحاً توسعه‌طلبی ایران.
- حمایت همه‌جانبه از فلسطین اشغالی به‌عنوان نزدیک‌ترین ملت و کشور به آمریکا و متحد استراتژیک در منطقه‌ای ناامن مملو از دشمنان مشترک، انتقال سفارت به بیت‌المقدس، پایان دادن به فشار بر فلسطین اشغالی در خصوص شهرک‌سازی‌ها و عدم پیگیری سیاست میانجی‌گری بین فلسطین اشغالی و فلسطینیان و نادیده گرفتن سیاست تشکیل دولت مستقل فلسطینی در کنار فلسطین اشغالی. راه‌حل‌ها در شرایط تحریم‌ها و لزوم برنامه‌ریزی ملی برای کاهش خسارت (تأکید بر بخش خارجی اقتصاد) در بازه بلندمدت (اصلاحات نهادی):
 - تغییر پارادایم، اصلاح نظام اقتصادی، اصلاحات نهادی و سازمانی.
 - اصلاح قوانین و سازمان‌دهی بانک مرکزی (استقلال عملیاتی/ پاسخگویی).
 - طراحی و اجرای نظام ارزی مناسب.
 - در بازه میان‌مدت و کوتاه‌مدت.
 - تأسیس سازمان تحریم‌ها و محدودیت‌های بین‌المللی - زیر نظر ریاست جمهوری یا شورای امنیت ملی.
 - منابع انسانی: نیروهای تمام‌وقت، متخصص مقابله با تحریم‌ها، مجرب در مسائل اقتصادی، بانکی و مالی بین‌المللی و آشنا به ضرورت‌ها و اقتضات تجارتی کشور و فضای بین‌المللی و قادر به جلب همکاری دستگاه‌ها و نهادهای داخلی و تعامل با سازمان‌ها و نهادهای بین‌المللی.
 - استفاده از اهرم‌های سیاسی - حرفه‌ای و تخصصی (با تأکید بر ظرفیت داخلی و ایرانیان در جهان).
 - پایش ثبات بازارها (پول، سرمایه، ارز، طلا، مسکن و...) و بده بستان بین آن‌ها (تهیه مستمر گزارش ثبات اقتصادی).
 - آزادسازی بازار ارز و طراحی مدل مدیریت بازار ارز (تنظیم‌گری کارآمد)/ ناکارآمدی تجربه‌های نظام نرخ ثابت ارز.
 - تغییر ارز مبنای برابری پول ملی - یورو یا سبدهی از یورو و درهم و یوان و وون و ین.
 - تغییر ارز گزارشگری مالی (دولت، بانک مرکزی، بانک‌ها و شرکت‌های دولتی).
 - الگوی مناسب تأمین مالی؛ خطوط اعتباری، مدیریت بدهی‌های ارزی، انتخاب بازیگران و ابزارها، استفاده از اهرم‌های در اختیار.
 - مدیریت ذخایر و مدیریت ریسک (دولت و بنگاه‌ها).
 - نقش مبارزه با قاچاق و فساد.

- شناسایی بخش‌های ضربه‌پذیر برای مصون‌سازی آن‌ها از مخاطرات تحریمی یا کاهش آن مخاطرات.
- تأسیس هسته مقابله با تحریم در وزارت نفت، بانک مرکزی، وزارت صمت، وزارت امور اقتصادی و دارایی، وزارت امور خارجه و...
- پایش دائمی تحریم‌ها و آثار مستقیم و غیرمستقیم آن‌ها.
- پایش برنامه‌های آمریکا برای تداوم تحریم‌ها و سناریوهای احتمالی آینده و برنامه‌ریزی اقتضائی لازم، اجرای برنامه‌ها و ارزیابی بازخورد.
- حمایت از بخش خصوصی و مقررات‌زدایی و آزادسازی.

راه‌حل‌های موفقیت در وضعیت فعلی

- تدوین یک برنامه کاربردی زمان‌بندی و مورد اجماع برای مدیریت بحران و عبور از آن شامل موارد زیر:
- تلاش جهت تداوم برجام و حضور ایران در آن و ممانعت از احتمال بازگشت مجدد پرونده ایران به شورای امنیت قبل از سال‌های ۲۰۲۳ و ۲۰۲۵.
 - تقویت پایگاه و موقعیت داخلی حکومت و دولت و رفع نقاط تشنج‌زای داخلی.
 - بهبود رابطه دولت با اقشار و اقوام فرامرزی.
 - کنترل و مدیریت نقاط تشنج‌زا در سیاست خارجی.
 - بهبود چهره منطقه‌ای و بین‌المللی و درون آمریکایی جمهوری اسلامی ایران.
 - تقویت رابطه با دیگر اعضای دائم و غیردائم شورای امنیت جاری و آتی شورای امنیت.
 - بهبود مناسبات با دیگر دولت‌های مؤثر و صاحب نفوذ و منافع در منطقه.



دستگاه معادلات توحیدی؛ حلقه مفقوده مطالعات آینده ایران

مجید مردانی شهری

عضو گروه پژوهشی آینده نگری و فناوری های نو

مقدمه

در دین مبین اسلام مسئله اعجاز قرآن همواره مورد تأکید است. صاحب‌نظران این اعجاز را در سه دسته اعجاز طریقی، اعجاز لفظی و اعجاز معنایی دسته‌بندی کرده‌اند. اعجاز طریقی به این معنی است که این کتاب الهی از طرف شخصی که امی بوده و خواندن و نوشتن نمی‌داند، آورده شده است. اعجاز لفظی به شیوه سخن گفتن قرآن بازمی‌گردد. قرآن طوری سخن می‌گوید که با آنچه بشر تاکنون شنیده و گفته تفاوت زیادی دارد و زیبایی ظاهر و شیرینی بیان آن را هیچ کلامی ندارد، به طوری که علمای ادب از آن به فصاحت و بلاغت تعبیر می‌کنند. اعجاز معنایی به معنی معجزه قرآن از نظر محتوا و بیان معارف الهی است. قرآن به شکل بسیار زیبایی مسائل مربوط به خدا و ماوراءالطبیعه را مطرح کرده است. آیاتی از قرآن منطبق بر قواعد علمی امروز است: مانند جاذبه عمومی، آفرینش جهان، حرکت زمین، حرکت منظومه شمسی، زندگی در کرات دیگر، زوجیت گیاهان، زوجیت عمومی، علل نزول باران و غیره.^۱ موریس بوکای در کتاب «مقایسه‌ای میان تورات، انجیل و قرآن و علم» پس از تطبیق آیات قرآن با دستاوردهای علمی می‌گوید: «چگونه می‌توان از تطبیق قرآن با جدیدترین فرآورده‌های علمی بشر در شگفت فرو نرفت و آن را اعجاز به حساب نیاورد؟».

اما بعد دیگری از اعجاز معنایی قرآن که کمتر به آن پرداخته شده است معادلاتی است که با دقت و هوشمندی فراوان در قرآن برای افراد و جوامع ذکر شده است. شاید این پرسش پیش آید که این معادلات مربوط به همان دوران بوده و اکنون کاربردی ندارد. قرآن همواره پس از بیان معادلات و سنت‌های الهی، به این پرسش نیز با آیه شریفه «سُنَّةَ اللَّهِ فِي الَّذِينَ خَلَوْا مِنْ قَبْلُ وَ لَنْ تَجِدَ لِسُنَّةِ اللَّهِ تَبْدِيلًا» (این سنت خداوندی است که در میان پیشینیان نیز بود و در سنت خدا تغییری نخواهی یافت، سوره احزاب آیه ۶۲) پاسخ داده است.

در قرآن سه دسته در مقابل وعده‌های خدا قرار دارند که عده‌ای از آن‌ها را متقیان، عده‌ای دیگر را کفار و گروه دیگر منافقین هستند. قرآن در آیات سوم و چهارم سوره بقره مجموعاً پنج ویژگی برای متقیان ذکر می‌کند: ۱- ایمان به غیب، ۲- اقامه نماز، ۳- انفاق، ۴- ایمان به قرآن و سایر کتب آسمانی و ۵- یقین به آخرت. در این نوشتار، به اختصار به مبحث ایمان به غیب و جنبه‌های آن پرداخته خواهد شد. سپس گریزی

^۱ مکارم شیرازی «پیام قرآن»، ج ۸، ص ۱۹۰-۱۸۰.

به مبحث معادلات خدا و رخدادهای آینده از دیدگاه معادلات خدا در قرآن زده خواهد شد. بدیهی است بحث و بررسی عمیق موضوع نیازمند بحث و بررسی حضوری با متخصصان و صاحب نظران این حوزه است تا به نحو احسن جوانب آن بررسی و ارتباط این دستگاه منطق با دستگاه منطق مادی مشخص شود.

ایمان به غیب

مبحث ایمان به غیب به این دلیل آورده شده است که پیش نیاز پذیرش دستگاه معادلات الهی است. به این معنی که در شرایطی که پیروی از دستگاه معادلات الهی جایگاه قوی در بین ملت‌ها نداشته و اکثر مردم همواره از دستگاه معادلات دنیوی و صرفاً مادی بهره می‌گیرند، دانستن این موضوع که ایمان به غیب یکی از ویژگی‌های متقیان است؛ می‌تواند اندیشه‌ها را وسیع‌تر و زاویه گسترده‌تری از قواعد حاکم بر جهان را بر دیدگان افراد بگشاید. ایمان به غیب این نکته را می‌رساند که در رویدادهای زمینی و مادی، تنها پارامترهای مادی و بعضاً قابل اندازه‌گیری مؤثر نیستند و طیف وسیعی از پارامترهای غیرمادی و الهی وجود دارند که می‌توانند نسبت به پارامترهای مادی اثرات بسیار بیشتری بر نتیجه رویدادها داشته باشند و عمدتاً بررسی اثرات این پارامترهای الهی در نتایج کارها مغفول مانده است.

ایمان، یعنی تعلق و عقدی قلبی و حکمی از سوی شخص درباره امری که پیش‌تر برای او روشن شده است و چون حکم بدون موضوع و متعلق، معنا و تصور ندارد، باید ایمان نیز به امری شناخته شده و مورد اطلاع تعلق یابد. به عبارت دیگر، چون تصدیق بدون تصور امکان ندارد، ایمان نیازمند معرفتی مقدم بر آن است (قمی، ۱۴۱۵: ۱ / ۱۱۵). البته ممکن است شناخت شخص از آن امر، اجمالی، بسیط یا دارای برخی ابهامات باشد؛ اما به هر حال، شناختی برای او حاصل شده است و نمی‌توان گفت ایمان به غیب، یعنی تعلق عقد قلبی به امری ناشناخته.

پایه معرفت به امر غیبی در افراد متفاوت است و اگر شخص به هیچ امر غیبی علم نداشته باشد، ایمانی برای وی محقق نشده است. طبق آیات (نساء / ۱۳۶) و روایات (عاملی، ۱۴۰۸: ۱۱ / ۱۹۹ و ۳۱۰؛ کلینی، ۱۳۶۵: ۲ / ۴۰؛ مجلسی، ۱۴۰۴: ۶۶ / ۲۹) ایمان حقیقتی دارای مراتب معرفی شده و متعلق ایمان، همیشه شیء یا شخص معینی است و ایمان به مجهول مطلق ممکن نیست. همچنین از ویژگی‌های ایمان، پویایی، تکامل و عدم ضعف و سستی است که عوامل معرفت شناختی، روان شناختی، سیاسی، اجتماعی و ... در آن نقش دارند. بنابراین ممکن نیست انسان پیش از تحصیل شناخت از چیزی، به آن ایمان آورد و به آن عقد قلبی بیابد.

امام خمینی (ره) در کتاب آداب الصلوه درباره تمایز ایمان و علم می‌گوید: «اهل علم و ایمان از هم ممتازند. هر اهل علمی اهل ایمان نیست. پس باید پس از سلوک علمی، خود را در سلک مؤمنین داخل کند و عظمت و جلال و بها و جمال حق جلت عظمته را به قلب برساند تا قلب خاشع شود و الا مجرد علم خشوع نمی‌آورد». ایشان به محور تمایز علم و ایمان به صورتی روشن‌تر تصریح کرده، با اشاره به مصادیق علم و ادراک می‌گوید:

ایمان غیر از علم است؛ زیرا ایمان حظ قلب است؛ اما علم حظ عقل. انسان تنها با داشتن علم به خدا و پیامبران و ملائکه و قیامت مؤمن نخواهد شد. به عنوان شاهد، شیطان در عین حالی که به همه این حقایق

علم داشت، ایمان نداشت و از فرمان الهی پیروی نکرد. چه بسا افرادی که همه برهان‌های وجود خدای تعالی را فهمیده و از آن مطلع باشند؛ اما ایمان نداشته باشند. این از آن‌روست که علم این‌گونه اشخاص، از مرتبه تعقل و ادراک مفهومی، به مرتبه قلب و وجدان و ادراک جزئی و شخصی نرسیده است. ایمان به معنای وثوق و تصدیق و اطمینان و انقیاد و خضوع و گرویدن است و پرواضح است که گرویدن غیر از علم و ادراک است. به این ترتیب، علم متمایز از ایمان و البته مقدم بر آن است؛ زیرا تعلق ایمان به امر ناشناخته ناممکن است. در نتیجه ایمان به غیب، به معنای ایمان به امری ناشناخته و ناشناختنی نیست. انسان برای ایجاد ایمان به چیزی در وجود خود، نیازمند شناخت آن است و تا معلومی مشخص نشود، ایمانی به آن تعلق نخواهد گرفت.

معادلات خدا

در مورد نحوه تعامل یک کشور با ایدئولوژی مشخص مانند ایران با کشوری مانند آمریکا بحث اصلی برهم زدن هژمونی و منطق آمریکا است. هدف صرفاً درگیری و پیروزی به معنای فیزیکی نیست، بلکه هدف اصلی بسط ربوبیت الله در کل زمین است (آیه ۱۲۸ سوره اعراف: *إِنَّ الْأَرْضَ لِلَّهِ يُورِثُهَا مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ*). به همین دلیل نوع تقابل ما با آمریکا با تقابل کشوری مثل چین با آمریکا متفاوت است. کشوری به مانند چین، تن به هیچ درگیری هزینه‌زا با آمریکا نخواهد داد و تنها به دنبال ایجاد ابرقدرتی دیگر خواهد بود و پیش‌بینی می‌شود در این مسیر نیز موفق خواهد بود.

در قرآن ماجرای بسیار مهم و قابل تأملی از حضرت موسی نقل شده است که منطبق بر شرایط انقلاب اسلامی و جمهوری اسلامی ایران است. در ادامه خلاصه‌ای از این داستان آورده شده است. خداوند این داستان را نیز از سنت‌های خود عنوان کرده است. در این ماجرا حضرت موسی به قوم خود منطق و روشی جدید را معرفی می‌کند که کاملاً با منطق کشورهای چین متفاوت است. در این منطق درگیری مستقیم و هزینه مستقیم ایجاد می‌شود و معادلات و عقلانیت کاملاً متفاوتی را نسبت به عقلانیت معمولی و مرسوم به کار می‌گیرد. در این منطق، عقلانیت تکیه به مردم، نیروی داخلی و تکیه و توکل به خدای متعال است (مقام معظم رهبری). در این منطق خداوند به پیامبران خود مانند حضرت موسی و حضرت محمد (ص) دستور می‌دهد مستقیماً با قطب مادی عالم و بزرگ‌ترین دشمن خود درگیر شوند و در این مسیر خداوند به آن‌ها وعده می‌دهد که در صورت درگیری با آن قطب، خدا با یاری خود آن‌ها را تبدیل به قطب عالم خواهد کرد. در این منطق هدف آیه الهی «*إِنَّ الْأَرْضَ لِلَّهِ يُورِثُهَا مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ*» است و در راستای این هدف آن قوم مستقیماً وارد درگیری با قطب می‌شوند و این در حالی است که این اقوام همگی از نظر قدرت مادی ظاهری در سطح بسیار پایین‌تری نسبت به آن ابرقدرت هستند. در این مسیر است که خدا به آن‌ها می‌فرماید *وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ*. اتفاقی که پس از آمدن حضرت موسی و این درگیری برای قوم آن حضرت روی داد، این بود که وضعیت آن‌ها روز به روز بدتر شد و طبق آیات قرآن به سرعت به نتیجه نرسیده و تمام جبهه‌ها را علیه خود دیدند. قوم آن حضرت به خاطر وضع خود به موسی شکایت بردند و وضعیت خود را با آمدن موسی حتی بدتر از گذشته عنوان کردند. حضرت موسی در پاسخ به آن‌ها می‌فرماید: *قَالَ عَسَىٰ رَبِّكُمْ أَنْ يُهْلِكَ عَدُوَّكُمْ*

وَيَسْتَخْلِفُكُمْ فِي الْأَرْضِ فَيَنْظُرَ كَيْفَ تَعْمَلُونَ (آیه ۱۲۹ سوره اعراف). موسی وعده‌ای از جانب خدا به آن‌ها می‌دهد که خداوند دشمنانشان را نابود خواهد کرد و شما را خلیفه در زمین خواهد کرد. اما این خلیفه شدن پایان کار نیست، بلکه شروعی بر تلاش مضاعف خواهد بود تا این قوم با عملکردشان برگزیده بودن خود را به خداوند اثبات کنند.

در برخورد نهایی که قوم فرعون با قوم موسی در کنار رود نیل داشتند، در حالی که قوم موسی محاصره و در شرف نابودی بودند به موسی گفتند که ما به دام افتادیم (فَلَمَّا تَرَاءَا الْجَمْعَانِ قَالَ أَصْحَابُ مُوسَى إِنَّا لَمُدْرِكُونَ) (آیه ۶۱، سوره شعرا). موسی در پاسخ می‌گوید که نترسید، خدا با ما است (قَالَ كَلَّا إِنَّ مَعِيَ رَبِّي سَيَهْدِينِ، آیه ۶۲، سوره شعرا). بارها در کلام رهبر معظم انقلاب نیز به این آیه اشاره شده است که ایشان پیش از رسیدن یاری خداوند و غلبه بر تمام ترفندهای دشمنان را حفظ ایمان، انگیزه و عزم راسخ و استفاده از عقل و تدبیر درست دانسته‌اند.

پس از غرق شدن فرعون در نیل، قوم موسی به گروهی بت پرست رسیدند. آن‌ها با توجه به اینکه هنوز منطق تفکرشان تغییری نکرده بود از حضرت موسی درخواست کردند بتی در اختیار آن‌ها قرار دهد تا آن را بپرستند. موسی به آن‌ها گفت: إِنَّكُمْ قَوْمٌ تَجْهَلُونَ (آیه ۱۳۸، سوره اعراف)؛ ما همین الان با معادلاتی دیگر از رود عبور کردیم و حال که می‌خواهیم به سمت مقصود اصلی خود برویم شما با همان منطق قبلی به دنبال بت پرستی (پیروی از معادلات دنیوی) هستید؟

می‌توان گفت تمام پیروزی‌های این کشور در انقلاب اسلامی و پس از آن ناشی از پیروی از دستگاه معادلاتی غیردنیوی بوده است و به همین دلیل است که نه تنها برای دنیا بلکه گاهی برای خودمان نیز غیرقابل پیش‌بینی هستیم. انقلاب اسلامی نیز از همین ادبیات انقلاب حضرت موسی نشئت گرفته است و در مسیر رشد و پیشرفت، فرعون‌هایی را غرق کرده است. اما در صورتی که باور به این دستگاه معادلات در تمام یا بخش‌هایی از حاکمیت از بین برود، چه می‌شود؟ این نقطه‌ای است که اهمیت نخبگان و خواص جامعه مشخص می‌شود. قرآن می‌فرماید که اگر می‌خواهید به معادلات دنیایی خود بازگردید و طبق همان معادلات (معادلات غیرخدایی) زندگی کنید دیگر امیدی به یاری خداوند نداشته باشید و در این حالت کافران با شما جنگ خواهند کرد و شما هستید و تنها شمشیرهایتان و دیگر آن وعده‌هایی که خداوند قول آن‌ها را داده بود، نخواهند رسید و معادلات کاملاً دنیوی و مادی خواهند بود. برای درک این نکته نیاز به بررسی دقیق جنگ صفین و رخدادهای پس از آن است که از حوصله این بحث خارج است.

اما سرگذشت قوم برگزیده بنی فلسطین اشغالی چه شد؟ نشانه‌ها بر آن‌ها خوانده شد و آیات دیدند. اما در روندی که بر آن‌ها گذشت این تجربیات و بینات را کنار گذاشتند و شد آنچه نباید می‌شد.

و اما وضعیت اخیر. بر طبق سنت الهی، آمریکا محکوم به افول کردن است (بیانات مقام معظم رهبری که منطبق بر دستگاه معادلات الهی است). در این رخداد اخیر (شهادت سردار سلیمانی) اتفاقی که روی داد قتل نبود، بلکه قتال و فتنه بود. به این دلیل که سپهبد سلیمانی یک شخص نبود؛ بلکه نماد جریان مقاومت بود. جواب این حرکت نیز به تعبیر قرآن و أَقْتُلُوهُمْ حَيْثُ ثَقِفْتُمُوهُمْ (باید تمام مواضعشان را بزنید؛ آیه ۱۹۱ سوره بقره). به همین دلیل آزمون سختی در مقابل ملت قرار گرفت. اگر ایران و ملت نشان بدهند که مقاوم هستند

و انتقام سختی بگیرند اتفاقات بسیار روشنی روی خواهد داد. انتقام سخت که توسط رهبر انقلاب مطرح شد حرفی سیاسی نبود بلکه حرفی انقلابی منطبق بر معادلات خدا بود. در بستر این انتقام است که حوادثی که گمان می‌شد سالیانی برای رسیدن به آن‌ها زمان لازم است در شرف وقوع هستند (به‌مانند جنگ بدر که مسلمانان نمی‌دانستند قرار است در آن وارد شوند و وارد شدند و پیروزی و عزت یافتند).

در بحث برخورد با کفار و جنگ با آن‌ها خداوند در سوره محمد می‌فرماید: «ولو یشاء الله لانتصر منهم» (اگر خدا می‌خواست خودش می‌توانست از این‌ها انتقام بگیرد). «و لکن لیبلو بعضکم ببعض» برای این است که بعضی از شما را با بعضی دیگر به امتحان کشد. این یک آزمایش است. پاسخ ندادن به این حرکت آمریکا بدون تردید منجر به اتفاقات بدتری و حتی جنگ می‌شود. تجربیات گذشته نیز به‌وضوح نشانگر این موضوع است. طبق دستگاه معادلات الهی، کفار در برخوردها فرار کرده و در وادادگی‌ها، مقاوم می‌شوند و نکته عجیب این است که به تعبیر قرآن هرچقدر جبهه باطل یکپارچه‌تر شود، شکست و نابودی آن توسط جبهه حق آسان‌تر و به یک‌باره خواهد بود.

نتیجه‌گیری

در وقایع اخیر دیدم که در پاسخ به قتالی که استکبار جهانی انجام داد، ایران یکی از پایگاه‌های آن‌ها را هدف موشک‌باران خود قرار داد و تلفات سنگین مادی و جانی (علی‌رغم تکذیب مقامات آمریکا، خبرهای رسانه‌های بین‌المللی در روز حادثه که به‌سرعت از خروجی‌ها حذف شد و همچنین شواهد متعدد از جمله پرواز هواپیماهای آمبولانس ارتش آمریکا، عدم ارتباط خانواده سربازان با فرزندان‌شان و درز خبرهای متعدد در روزهای اخیر در رسانه‌های بین‌المللی، نشان از تلفات سنگین جانی دارند) به آن‌ها وارد کرد. بررسی جوانب این ضربه نشان‌دهنده بزرگی این حرکت نظامی بود و پس از ۷۰ سال کشوری به خود اجازه داد که به‌صورت رسمی یکی از پایگاه‌های ایالات متحده (که همواره ضربه‌ناپذیر بودند) را مورد حمله قرار دهد. در حالی که همگان منتظر پاسخ نظامی ارتش آمریکا بودند، اما عصر روز چهارشنبه رئیس‌جمهور آمریکا با اضطراب فراوان اعلام کرد که به دنبال پاسخ نیست! این پاسخ ترامپ و عقب‌نشینی آشکار او شاید برای بسیاری از تحلیلگران قابل پیش‌بینی نبود، ولی طبق معادلات قرآنی انتظاری جز این نبود. طبق این معادلات حتی اگر ایران ضربات مهلک‌تری نیز وارد می‌کرد، بازهم پاسخ نظامی مؤثری از سوی آمریکا اتفاق نمی‌افتاد.

امید است که همگان از این سرمایه بسیار عظیمی که در اختیار ما قرار داشته و دارد نهایت بهره را برده و پارامترهای این معادلات را نیز در شرایط منطبق بر مفروضات در تحلیل‌های خود لحاظ کنند. در انتهای این نوشته باید عنوان داشت که این مبحث بسیار گسترده و تخصصی بوده و بررسی جامع جوانب آن از عهده و تخصص نویسندگان خارج است.

منابع

- قرآن کریم.
امام خمینی (ره)، سیدروح الله (۱۳۷۲). *آداب الصلوئه*، تهران: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
بیانات مقام معظم رهبری در مقاطع مختلف.
عاملی، شیخ حر (۱۴۰۸ ق). *مستدرک الوسائل*، ج ۱۱، قم: آل البيت.
قمی، قاضی سعید (۱۴۱۵ ق). *شرح توحید صدوق*، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
کلینی، محمدبن یعقوب (۱۳۶۵). *الکافی*، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۴ ق)، *بحارالانوار*، بیروت: دارالوفا.



تحولات منطقه خاورمیانه و لزوم پیاده‌سازی الگوی سیمرغ توسعه

رضا مجیدزاده

عضو گروه پژوهشی توسعه، تأمین مالی و اقتصاد بین‌الملل

نظم منطقه‌ای به معنای مجموعه‌ای از قواعد، الگوهای تکرارپذیر روابط متقابل و روندهای قابل شناسایی است که امکان مطالعه رفتار بازیگران موجود در منطقه و استنتاج الگوهای احتمالی کنش-واکنش را به دست می‌دهد. بنابراین می‌توان نظم منطقه‌ای را به‌مثابه یک فضای حالت در نظر گرفت که توزیع احتمالی از رفتار بازیگران منطقه‌ای و ساختار انگیزشی رفتارهای آن‌ها را تا حدودی، تعیین می‌کند. از این منظر، در طی دو سده گذشته، نظم منطقه‌ای خاورمیانه در قالب یک شرایط اولیه و چندین مقطع بحرانی تاریخی خود را نشان می‌دهد. قرارداد سایکس-پیکو آغاز این تحولات و ترور قاسم سلیمانی توسط نیروهای آمریکایی، جدیدترین مقطع بحرانی نظم خاورمیانه است که می‌تواند پیامدهای مهمی برای نظم جدید خاورمیانه و الزامات آن برای مغز متفکر برنامه‌ریز توسعه در ایران، به همراه داشته باشد.

قرارداد سایکس-پیکو سبب شد تا روندهایی از تضادهای قومی-مذهبی در خاورمیانه ریشه بگیرد. تأسیس دولت جدیدی به نام عربستان سعودی با هویت مذهبی متکی به دیدگاه سلفی-وهابی، جداسازی عراق و سوریه از عثمانی از دیگر اقدامات مربوط به این روند جدید بود که هدف تضعیف قدرت‌های منطقه خاورمیانه را دنبال می‌کرد. به این ترتیب، فضای حالت نظم اجتماعی به‌گونه‌ای شکل گرفت که تعادل‌های مقطعی آن به‌صورت تعادل شکار خرگوش بود. تعادل شکار خرگوش به معنای حالتی است که رفتار و راهبردهای هر یک از طرفین (در اینجا کشورها) بر اساس ریسک و تکروری است و هزینه بالای همکاری با طرفین دیگر را متقبل نمی‌شوند. در چنین شرایطی کشورها تمایل دارند تا برای افزایش قدرت چانه‌زنی خود در مقابل رقبای منطقه‌ای به کارتل‌های بین‌المللی بپیوندند و عضویت آن‌ها در کارتل‌های متفاوت باعث تشدید تنش و تضاد می‌شود. دوران طلایی اوپک در فاصله تأسیس تا شوک اول قیمتی نفت در سال ۱۹۷۳، تنها دوره‌ای است که در دوره پس از قرارداد سایکس-پیکو خاورمیانه شاهد تعادل مقطعی شکار گوزن بود؛ شکار گوزن، عکس حالت خرگوش است؛ به‌طوری که رفتار و راهبردهای هر یک از طرفین بر اساس منفعت و همکاری تنظیم می‌شود. اما هماهنگی و همکاری در شکار گوزن نیازمند این است که یکی از بازیگران نقش میانجی یا ناظم همکاری را به عهده بگیرد و بر اساس مکملیت‌های منطقه‌ای قانون توجه بازیگران دیگر را از منفعت آنی اما

کوچک تعادل خرگوش به سمت منفعت آتی اما بزرگ گوزن سوق دهد. روندهای وابسته به شرایط اولیه خاورمیانه از یک طرف و اثرگذاری مجدد بازیگران بین‌المللی از جمله قرارداد تبادل امنیت خاندان سعود- نفت بین ایالات متحده و عربستان سعودی و سازش برخی از کشورهای منطقه با فلسطین اشغالی، روند تعادل‌های مقطعی را به سمت جاذب مسلط تعادل خرگوش بازگرداند و جنگ‌های بعدی منطقه خاورمیانه نیز در همین جهت بود.

جنبش‌های انقلابی دهه اخیر در کشورهای شمال آفریقا و خاورمیانه بر شدت تضادهای قومی- فرقه‌ای افزود و موجب تقویت مبانی تعادل‌های مقطعی شکار خرگوش شد؛ به طوری که جنگ‌های نیابتی منطقه، شکل جدیدی از این تضادها را نمایندگی کرد. در حال حاضر بسیاری از تنش‌های قومی یا جنگ‌های داخلی خاورمیانه فرونشسته یا به تعادل جدیدی تبدیل شده‌اند. با این وجود، هنوز هم بستر تنش وجود دارد و تضادهای قومی- مذهبی داخل منطقه در کنار میل بازیگران بین‌المللی به کنترل منطقه در جهت کنترل بازار انرژی، این بستر را حفظ می‌کند. روند رو به توسعه استخراج نفت شیل توسط ایالات متحده و تغییر استراتژی آن از اتکا به انرژی‌های نوین در دوره باراک اوباما به سمت منابع داخلی انرژی، مهم‌ترین رکن سیاست‌های آمریکا در منطقه خاورمیانه است که با وجود اعلام ظاهری به میل به خروج از جنگ‌های منطقه، در عمل هنوز به تنش نیاز دارد تا افزون بر مقابله با رشد اقتصادی چین، منابع انرژی جایگزین را به صرفه کند. چین برای پیشبرد پروژه جاده ابریشم خود، روی این منطقه و منطقه آسیای میانه و قفقاز نگاه ویژه دارد و روسیه قدرت چانه‌زنی خود در قبال مسئله اوکراین را در جریان حضور در این منطقه افزایش می‌دهد. ضمن این که افزایش تنش به نفع روسیه نیز هست که در کنار کاهش کسری بودجه خود حضورش در بازار نفت را تثبیت می‌کند. در چنین شرایطی، پرسش این است که ترور سپهبد سلیمانی روی نظم منطقه چه تأثیری می‌گذارد؟ احتمالات مطرح درباره علل ترور ایشان، میل بازیگران بین‌المللی به تنش پایدار در منطقه را تأیید می‌کند؛ ارسال پاسخ ایران به پیام عربستان در جهت تنش‌زایی، جلوگیری از ایفای نقش ایشان در کاهش تنش داخلی در عراق و جلوگیری در ادامه ایفای نقش ایشان در مقابله با گروه‌های تروریستی منطقه. همه این احتمالات، تقویت هویت مشروعیت‌بخشی را به دنبال دارد که در سطح خاورمیانه روی ادامه تضادهای هویتی انگشت می‌گذارد و تضاد شیعی (شاخه‌های مختلف)- سنی (شاخه‌های مختلف) مهم‌ترین آنهاست و در جبهه‌گیری‌های مختلف نیز این تضادها برجسته می‌شود. به‌ویژه گذار خاورمیانه از یک دوره ملی‌گرایی که می‌توانست زمینه همکاری در این منطقه را فراهم کند به یک دوره فرقه‌گرایی آغاز شده است که در یک طرف آن جریان اخوان‌المسلمین از مصر تا ترکیه (اردوغانیسم)، جریان سلفی‌گرایی و وهابیت با مرکزیت عربستان سعودی و گروه‌های تروریستی وابسته به آن در سرتاسر منطقه و جریان موسوم به مقاومت در ایران، لبنان، سوریه، عراق و یمن گسترده شده است. دورنمای وقوع پدیده‌ای مانند صلح وستفالی (پایان تضاد مذهبی و همزیستی مسالمت‌آمیز) در شرایط کنونی چندان محتمل نیست، چون بازیگران بین‌المللی از جمله ایالات متحده هنوز هم خاورمیانه پرتنش و رقابت تسلیحاتی برای عرضه سلاح‌های خود را ترجیح می‌دهند. اکنون برای شناسایی الزامات، تحولات جدید لازم است تا پیشران‌های تحولات خاورمیانه و سناریوهای محتمل مبتنی بر این پیشران‌ها تحلیل شود. منابع قدرت و هویت، مهم‌ترین این پیشران‌ها هستند که در بستر شرایط تاریخی نیز

اثرگذار بوده‌اند. می‌توان بر اساس تحولات جدید، به‌طور کلی سه سناریوی هویت مشروعیت‌بخش، هویت مقاومت و هویت برنامه‌ریز برای منطقه را در نظر گرفت. هر یک از این هویت‌ها ارکان تقویت یا تغییر نظم اجتماعی جدید خاورمیانه هستند:

هویت مشروعیت‌بخش در هر شکل مذهبی، انسان مکلف و مبتنی بر هویت شخصی را می‌طلبد که ستونی برای تقویت جنگ‌های نیابتی در خاورمیانه است و تشدید تضادهای هویتی، قومیتی- مذهبی را با احتمال بالا به دنبال دارد.

هویت مقاومت که جریانی با کمترین مدافع، اما با پتانسیل بالای تغییر مسیر خاورمیانه به سمت یک فضای حالت شکار گوزن و همکاری است و انسان محق را در بستر هویت غیرشخصی و البته پذیرش هویت ملی تقویت می‌کند و به افزایش ثبات در منطقه می‌انجامد. اما احتمال متوسطی دارد که در صورت تقویت، می‌تواند بستر کاهش تضادهای داخلی- خارجی را فراهم سازد.

هویت برنامه‌ریز که هویت غیرشخصی فعال و خواهان رفع تبعیض است و بیشتر در فضایی خارج از خاورمیانه و توسط درصد بسیار اندکی از مهاجران خاورمیانه‌ای دنبال می‌شود، به دنبال کاهش تضاد در سطح گروه‌های مرجع است و می‌تواند بستر تثبیت هویت غیر شخصی را فراهم آورد، اما در شرایط فعلی احتمال اندکی دارد.

از منظر منابع قدرت، بخش قابل توجهی از مطالعات آینده‌پژوهی به این نتیجه رسیده‌اند که جهان از سال ۲۰۰۸ که روسیه به گرجستان یورش برد و بحران مالی ناشی از وام‌های بی‌پشتوانه پدیدار شد، در حال بازسازی ساختار خود بوده و در جریان این تجدید ساختار، سه مدل پدیدار شده است؛ نخست، اتحادیه اروپا وارد بحرانی شد که نمی‌توانست آن را حل کند و بر شدت آن افزوده شده است. پیش‌بینی می‌شود که اتحادیه اروپا هیچ‌گاه اتحاد پیشین خود را باز نخواهد یافت و اگر هم از این بحران به‌سلامت عبور کند، در دهه پیش رو بسیار محدودتر و تکه‌تکه‌تر فعالیت خواهد کرد. به نظر نمی‌رسد که منطقه آزاد تجاری بدون بالا بردن سیستم حمایت از تولیدات داخلی بتواند به فعالیت خود ادامه دهد.

اگر حالت‌های محتمل هر یک از چالش‌های آتی منابع قدرت مهم و مؤثر در نظم خاورمیانه، در قالب سه حالت، افزایش، ثابت، کاهش تقسیم‌بندی شود، آنگاه تحلیل مبتنی بر آثار متقابل متوازن نشان می‌دهد که از میان سناریوهای موجود، فقط سناریوی افزایش تقاضای نفت و گاز، عدم تغییر در همگرایی منطقه‌ای (عدم تغییر معنادار در روابط اقتصادی-تجاری کشورهای منطقه)، افزایش منازعات و تضاد رویکرد میان دولت‌های منطقه، افزایش کشمکش و منازعه بر سر منابع آبی و افزایش مهاجرت از منطقه، تنها سناریوی سازگار در چشم‌انداز آتی خاورمیانه است. برای بسترسازی همکاری با شورای همکاری خلیج فارس نیز باید روی مؤلفه‌های جغرافیای استراتژیک و کاهش زمینه اختلاف از یک طرف و تقویت بازار از طرف دیگر، تمرکز صورت پذیرد. هرچند که احتمال همکاری کشورهای حاشیه خلیج فارس به راهبردهای کارتل آمریکا بستگی دارد، اما وابستگی اقتصادی آن‌ها به فعالیت سرمایه‌گذاران ایرانی مقیم یک اهرم مؤثر در قدرت چانه‌زنی ایران خواهد بود.

از میان این مؤلفه‌های چالش برانگیز، برون کوچی نخبگان از ایران، بحران آبی و تضاد منافع با برخی از کشورهای منطقه از جمله عربستان، از مهم‌ترین چالش‌های آتی کشور خواهد بود که دو مورد نخست، بیش از اینکه یک موضوع خارجی باشند، یک موضوع داخلی هستند که لازم است تا با طراحی سیاست‌های مناسب، حل و فصل شود؛ اما موضوع تضادهای سیاسی، چالشی در جریان و خارجی خواهد بود. البته ایران با کشورهای عراق، اقلیم کردستان عراق و افغانستان، منابع آبی مشترک بیشتری دارد و لازم است تا برای جلوگیری از تضادهای آبی، روش‌ها و ابزارهایی مناسب برای بهره‌برداری از منابع مشترک، مانند ایجاد تونل‌های آبی برای استفاده کشاورزی در داخل کشور و به صورتی سازگار با مسائل مربوط به حق آبه بین‌المللی، به کار گرفته شود.

تحت هر سناریو، تلاش برای تنظیم راهبردهای منطقه‌ای و بین‌المللی بر اساس مجموعه برنده، یعنی انطباق فضای ترجیحات ملی داخلی با فضای اقتضائات قدرت-امنیت خارجی، به حداکثرسازی قدرت چانه‌زنی و پیشبرد راهبردها کمک خواهد کرد. بازی دوسطحی رابرت پاتنام (۱۹۸۸) را برای تحلیل رابطه بین سیاست خارجی و سیاست داخلی، توسعه داده است که برای احتساب ترجیحات گروه‌های سیاسی-اقتصادی داخلی در تعیین مجموعه برنده سیاست خارجی به کار می‌رود. شکل زیر مدل تعمیم‌یافته و بومی‌شده‌ای از مدل دوسطحی پاتنام است که ابعاد مأموریت سازمان برنامه و بودجه به مثابه مغز متفکر تحولات توسعه ایران را مشخص می‌سازد. در فضای جدید، هدایت مسیر توسعه، نظم داخلی و روابط بین‌المللی ایران به سمت مدل سیمرغ (توسعه مبتنی بر همکاری، هماهنگی و اطمینان) مهم‌ترین مأموریت سازمان برنامه و بودجه می‌تواند باشد که ارکان آن در شکل زیر مشخص شده است. ردیف اول، ترجیحات را نشان می‌دهد که متعلق به گروه‌های هویتی مختلف کشور است (هویت جنسیتی، مذهبی، قومی و ...). بر اساس مطالعاتی مانند آمایش سرزمین و ارزش‌ها و نگرش‌ها می‌توان این فهرست ترجیحات برای مسیر آینده توسعه ایران (نظم داخلی و روابط خارجی) را احصاء کرد. برای هر گروه یک شماره تعلق می‌گیرد و راهبردهای ترجیحی آن‌ها در ردیف Sها درج می‌شود. اثر هر راهبرد روی مسیر توسعه توسط سازمان برنامه ارزیابی می‌شود (مانند ارزیابی اثر) و در ردیف‌های A و B آثار و پیامدهای مثبت و منفی آن‌ها به ترتیب مشخص می‌شود. در نهایت، هر یک از گروه‌ها در قالب گروه‌های قدرت (گروه‌های حاکمیتی، نظامی، اجرایی، قضایی و ...)، مراجع دانش (دانشگاه‌ها، اندیشگاه‌ها، پژوهشگاه‌ها و ...) و مراجع کنش (اصناف، سمن‌ها و ...) تقسیم‌بندی شده و از رهبران و مدیران آن‌ها درباره هر استراتژی درخواست نمره‌دهی در فاصله ۱ (نامناسب‌ترین) تا ۵ (مناسب‌ترین) می‌شود. سازمان برنامه نیز این نمره‌دهی را در ردیف Pjها جمع بسته و در نهایت مجموع‌های ۱۰ به بالا، مجموعه برنده استراتژی‌های توسعه ایران را تشکیل می‌دهد. این روال سبب می‌شود تا مشترک‌ترین ترجیحات، پشتوانه قدرت چانه‌زنی در سطح بین‌المللی شده و اقتدار و امنیت ملی در مسیری همسو با توسعه افزایش یابد و سی مرغ ایرانیان در مسیر سیمرغ ایرانیان قرار گیرد.



لزوم تدارک نظری و آمادگی عملی و عملیاتی در شرایط پیچیده فعلی

سیدحجت مهدوی سعیدی

رئیس کمیته علمی توسعه و فرهنگ گروه پژوهشی توسعه،

تأمین مالی و اقتصاد بین‌الملل

با توجه به اینکه بستر و شرایط فعلی کشور به لحاظ نظامی و به تبع از آن، به لحاظ وضعیت‌های اجتماعی و اقتصادی و فرهنگی، نابسامان و بسیار حساس و بلکه غیرمتعین و امری مبهم و گاه حتی پدیده‌ای لغزنده بوده و کماکان است. پس نمی‌توان چنان و چندان حتی آینده نزدیک را نیز ترصد و پیش‌بینی و به مراکز رسمی اعلان کرد چه برسد به ترسیم و تعیین چشم‌انداز آینده دور!

یعنی اینکه اکنون در بین ما و مناسبات موجود، داده‌ها و فاکتورها و عینیات چندان ثابت و یکسانی وجود ندارد که بخواهیم تماماً بر بنیاد آن پیش‌بینی آماری کنیم که مثلاً دقیقاً و تحقیقاً در فلان شرایط یا موقعیت‌های مرزی سیاسی و اقتصادی باید چنین برنامه‌ای تدوین شود یا که چنان مواضع و راهبردی واضح الادلہ التی به کار گرفته شود!

بنابراین برای اتخاذ یک تدوین و تکوین برنامه‌ای و اجرایی، همه‌چیز کشور کم‌وبیش ژلاتینی و در غبار ابهام و رموز است!

از این نکته روشن که بگذریم در این سال‌ها با توجه به اعمال تحریمات و اجرای فشارهای گوناگون از سوی مجامع استکباری غرب و مضاف بر آن کارشکنی‌های متنوع‌های داخلی، به نحو روزافزون ما در شرایط خاص و معرض آشوب‌های شکننده بسر برده‌ایم که البته این همه ایجاب این معنا را می‌کرد و بلکه هنوز هم الزام می‌کند که در مواقع غیرعادی و نسبتاً بحرانی کشور ما از مهارت‌های مدیریت بحران برخوردار باشد. بر اساس مدل‌های بحران مدیریت هم دنبال شود، خصوصاً که از چند سال پیش رهبر معظم انقلاب به فراست و قاطعانه و کرار، در راستای ضرورت اداره کشور ضرورت اجتناب‌ناپذیر و استراتژیک اقتصاد مقاومتی را مطرح کردند و این اصل به‌عنوان یک راهبرد حیاتی و هدایتی اساسی در دستور کار دولت و سایر قوا و خاصه سازمان برنامه و بودجه قرار گرفت و پی آن پیاپی جلسات مختلف کشوری و استانی و شهرستانی و حتی روستایی تشکیل شد و با تموجات و مانورهای وسیع تبلیغاتی و رسانه‌ای اهمیت آن به رخ خاص و عام کشیده شد و البته کلاً این اقدام و اهتمام بی‌دست‌آورد محصل هم نبود.

فی الحال با توجه به حوادث پیش‌بینی ناپذیر آبان و آذرماه که متأسفانه مقارن با شهادت سردار بزرگ قاسم سلیمانی بود و با عنایت به التهابات و اغتشاشات منطقه باید عطف عنانی به اداره بهینه جامعه ایرانی به لحاظ مدیریت بحران‌ها و آشوب‌های داشته با شیم تا رویدادهای غیرمترقبه بی‌رحمانه ما را غافلگیر نکند. با این دید و داوری، بی‌تردید ما برای اداره کشور باید تدارک نظری و آمادگی عملی و عملیاتی صددرصد در اوضاع پیچیده و غامض در بدترین شکل ممکن آن را داشته باشیم.

امام صادق فرموده‌اند: العالم برنامه لاتهجم علیه باللوابس، علی‌هذا باید همگی دست در دست هم در چنین افقی اندیشه کنیم تا خدای نخواستہ پس از این دچار اغفال و انفعال و انجماد نگردیم!

بازگرداندن اعتماد عمومی به‌عنوان یک سرمایه عظیم اجتماعی و استعانت و بهنگام درست و سنجیده از پتانسیل کنشی و واکنشی مردم به‌مثابه یک فرصت تاریخی باید کانون توجه همه دوستان سازمان قرار گیرد و باعث و رانه‌های توسل به وحدت ملی که اکنون بحمدالله بارقه‌های از آن وجود دارد، باید به‌عنوان یک مزیت بی‌بدیل فرهنگی دیده شود.

پیشنهاد مشخص من این است که حداقل ساعاتی در هفته حتی شده یک روز همه عوامل ذی‌ربط سازمان جلسه‌ای با ریاست مرکز پژوهش یا بعضاً با جانشین ایشان داشته باشند تا دوستان با رهیافت آسیب‌شناختی و ریشه‌یابی زمینه‌های پروبلماتیک و مسئله‌مند به فوریت نگاه‌ها و جمع‌بندی‌های نظری و رویکردهای اجرایی و پیشنهادهای راهبردی خود را به دقت و تفصیل مطرح کنند و پس آن مأموریت‌ها را برای اجرایی شدن اصول مدیریت در بحران در اقصی نقاط کشور به شکل هدفمند و مشخص دنبال کنند؛ چراکه تعیین تکلیف و تشخیص مواضع در چنین موارد و مواقع حساس و بلکه بحرانی و طوفانی به شکل مجرد انتزاعی ممکن نبوده و نیست.



بررسی روندهای عمده توسعه در کشورهای جهان بر محور اقتصاد و سیاست

خسرو نورمحمدی

مدیرکل آموزش مرکز پژوهش‌های توسعه و آینده‌نگری

روندهای اصلی در مسیر توسعه کشورها در طول یک قرن اخیر نشان می‌دهد که برخی کشورها اهداف سیاسی نظامی را به‌عنوان محور اصلی توسعه خود انتخاب کرده و رقابت و رشد و توسعه اقتصادی را به‌عنوان پشتیبان و برنامه‌ای با اولویت دوم و پشتیبان حرکت بر محور سیاست دنبال کرده‌اند تا با تقویت توان و قدرت نظامی و سیاسی، بتوانند اقتصاد خود را نیز پیش برده و نفوذ و تسلط لازم در منطقه و جهان را داشته باشند. اما بخش دیگری از کشورها، تلاش کرده‌اند که اولویت برنامه توسعه خود را رقابت اقتصادی و توسعه انتخاب کنند و از این طریق در جهان، منطقه و کشورهای دیگر نفوذ داشته باشند و رقابت کنند یا منافع خود را دنبال نمایند و متعاقب آن اهداف سیاسی خود را دنبال کنند.

نمونه الگوی توسعه نظامی سیاسی و اقتصادی را می‌توان در هزینه‌های سنگین جنگ سرد و جنگ‌های اول و دوم جهانی معرفی کرد که بسیاری از کشورها مانند شوروی، چین، آلمان، ژاپن و حتی آمریکا را در گذشته، مشغول خود کرده بود و پس از صرف هزینه‌های بسیار، به این نتیجه رسیدند که جنگ و رقابت نظامی سیاسی، عملاً اقتصاد را تا مرز فروپاشی پیش می‌برد؛ به‌طوری که این روند باعث عقب‌ماندگی بسیاری از کشورهای جهان از جمله اتحاد جماهیر شوروی، یوگسلاوی و ... شد و در کشورهای دیگری همچون چین، ژاپن و اروپا نظام‌های اقتصادی را تغییر داد. در این زمینه باید اشاره کرد که این تغییر باعث شد تا سیستم کشورهای اروپایی به‌جای جنگ به سمت اتحادیه شدن حرکت کند. به عبارت روشن‌تر، سیاستمداران و اقتصاددانان اروپایی به این نتیجه رسیدند که باید به سایر مسائل اقتصادی، اجتماعی و اقتصادی نیز اولویت لازم را بدهند؛ لذا باید توسعه خود را بر پایه منافع مشترک اقتصادی و اجتماعی با همسایگان و رقابت اقتصادی بر اساس اصل مزیت نسبی با سایر کشورها قرار دهند.

بر این اساس، بعد از تجربه پرهزینه جنگ‌های اول و دوم جهانی، بسیاری از کشورها، رقابت اقتصادی و توسعه و رشد اقتصادی را برنامه اصلی و هدف خود اعلام کرده و در پشت این برنامه‌های اقتصادی، یک برنامه سیاسی، نظامی و امنیتی را نیز پیگیری کرده‌اند و با رشد توان اقتصادی خود، نه تنها امنیت منطقه‌ای و صلح بر اساس منافع مشترک اقتصادی را دنبال کرده‌اند؛ بلکه با افزایش نفوذ خود در بازارها، به‌نوعی منافع مشترک با کشورها و حفظ امنیت برای هر دو طرف رسیده‌اند و به‌نوعی تسلط و نفوذ سیاسی خود در کشورها و منطقه را از طریق اقتصاد پیگیری کرده‌اند.

امروزه کشورهای چین، ژاپن، آمریکا و اروپا از این الگو استفاده می کنند تا با رقابت اقتصادی و تجاری و نفوذ در بازارها، عملاً نوعی تسلط بر کشورها و منطقه جهان را به همراه داشته باشند. اما در عین حال برنامه سیاسی - نظامی را نیز در پشت اهداف اقتصادی دنبال می کنند.

در این الگو حتی کشورهای کوچک بدون زیرساخت سخت افزاری، منابع، ارتش و نیروی انسانی و... تنها با اتکا با نرم افزارها، نیروی علم و فکر، قدرت تولیدی و... توانسته اند رفاه و توسعه و قدرت خود را تقویت کنند و در فتح کشورها و نفوذ در بازارها و انتقال فرهنگ خود موفق بوده اند.

بخشی از کشورهای در حال گذار جهان نیز با اتخاذ سیاست های تلفیقی همانند عربستان سعودی همچنان به وارد کننده و خریدار بزرگ اسلحه و سیاست های تنش زا و اختلاف نظر سیاسی و نفوذ از طریق اهداف سیاسی نظامی و ایدئولوژیک مشغول هستند و اهداف سیاسی - نظامی را محور اصلی برنامه خود اعلام و در پشت آن نیز سعی دارند که از نظر اقتصادی، به عمران و آبادانی و رفاه و مصرف و تولید بپردازند. لذا کشورهای ناپایدار سیاسی از جمله در منطقه خاورمیانه که با تغییرات سیاسی، بی ثباتی و درگیری های مختلف همراه هستند، باید به تجربه یک قرن اخیر جهان توجه کنند و توسعه اقتصادی و رقابت اقتصادی را به عنوان محور برنامه های خود معرفی کنند تا منافع اقتصادی و صلح در منطقه، برنامه های تنش زدایی، ایجاد امنیت و کاهش هزینه های نظامی و امنیتی و سیاسی بتواند به ثبات، توسعه و رفاه بیشتر این جوامع کمک کند.

بخشی از کشورهای جهان نیز که عملاً توان نظامی سیاسی نداشته اند و هیچ گاه به عنوان قدرت منطقه ای یا تمدن ساز و امپراتوری مطرح نبوده اند، در حال حاضر از الگوی رقابت اقتصادی بهره برده و به جمع کشورهای اول صنعتی جهان پیوسته اند و باینکه جغرافیا، سرزمین، منابع، قدرت جمعیتی و نظامی و... نداشته اند؛ اما با اتکا به فکر، برنامه، کار و تلاش، اکنون به جرگه کشورهای صنعتی پیوسته اند و مانند سنگاپور، کره جنوبی، تایوان، مالزی، هنگ کنگ و... کشورهای کوچک و با حداقل منابع اما با گردش مالی بالا، جزو کشورهای مرفه جهان محسوب می شوند و برخی کشورها نیز مانند امارات، قطر، عمان، کویت از منابع خود به نفع مطلوب در جهت رشد شاخص های رفاه بهره برده اند.

روند سیاست های اقتصادی و سیاسی

بر این اساس می توان متوسطی از روند سیاست های اقتصادی و سیاسی کشورهای جهان را به شکل زیر مطرح کرد:

۱. سیاست های اصلی کشورهای عمده جهان در دوران قبل از جنگ جهانی دوم

- ۱-۱- رقابت شدید اقتصادی و ایجاد دیوارهای تعرفه ای (جنگ تعرفه ها) با همسایگان و جهان.
- ۱-۲- کسب منافع اقتصادی از کشورهای دور از طرق اقتصادی، نظامی و استعماری.
- ۱-۳- نهایتاً رقابت و جنگ نظامی با همسایگان باهدف کسب منافع اقتصادی.
- ۱-۴- از دست رفتن عمده دستاوردهای اقتصادی قبلی.

۲. سیاست‌های اصلی کشورهای عمده جهان در دوران اخیر

۲-۱- اتخاذ سیاست تنش‌زدایی با همسایگان و کشورهای نزدیک؛

۲-۲- ایجاد منافع مشترک اقتصادی با همسایگان؛

۲-۳- ایجاد همکاری‌های اقتصادی با همسایگان (از جمله اتحادیه مشترک اقتصادی، همکاری‌های مشترک اقتصادی باهدف تقویت توان اقتصادی، اتخاذ سیاست اقتصادی- سیاسی آزادی کار و سرمایه و ... با هدف تقویت توان اقتصادی)؛

۲-۴- ایجاد رقابت شدید اقتصادی بر اساس اصل مزیت نسبی با کشورهای دور؛

۲-۵- اولویت قرار دادن رقابت اقتصادی و سپس سیاسی و نظامی.

بنابراین به نظر می‌رسد همچنان سیاست‌های مداخله‌جویانه و تهاجمی و سیاسی در میان کشورهای جهان وجود دارد، ولی این بار دو ویژگی پیدا کرده است:

نخست اینکه، باید با همسایگان به سمت ایجاد منافع مشترک اقتصادی حرکت کرد تا از آسیب‌های محتمل و تجربه‌شده جهانی همانند جنگ و نزاع جلوگیری کرد (به قول زنده‌یاد دکتر حسین عظیمی هنگام حمله عراق به ایران رابطه اقتصادی دو کشور محدود به میزانی از تجارت کالا بود که به سرعت جایگزین شد. در حالی که اگر ما دارای منافع مشترک اقتصادی بودیم و عوامل مهم اقتصادی و سیاسی دو کشور با هم فعالیت‌های عمیق مشترک اقتصادی داشتند، به راحتی جنگ میان دو کشور فروکش می‌کرد. لذا با توجه به اینکه کشورهای پیرامونی جمهوری اسلامی ایران، کشورهای در حال گذر و ناپایدار هستند و با تغییرات سیاسی شدید مواجه هستند ما نیز باید از این سیاست استفاده کنیم و حتی با دادن امتیازات اقتصادی به کشورهای هم‌جوار، منافع اقتصادی- سیاسی مشترک به دست بیاوریم). البته سیاست‌های تنش‌زدایی ایران در مورد کشورهای پاکستان، افغانستان، ترکمنستان، ترکیه، عراق، کویت و امارات خیلی مؤثر بوده، ولی هنوز با ایجاد منافع مشترک فاصله زیادی داریم. لذا می‌توان با ایجاد سرمایه‌گذاری‌های مشترک، فعالیت‌های تولیدی مشترک، دادن امتیاز بنادر خشک و ... از این سیاست برای تقویت اقتصاد، قدرت رقابت اقتصادی، امنیت سیاسی-نظامی، به‌ویژه در شرایط برخورد مداخله‌جویانه آمریکا با ایران بهره برد.

دوم اینکه، می‌توان نتیجه گرفت که سیاست‌های تهاجمی نظامی و سیاسی کشورها، پشت رقابت شدید اقتصادی پنهان شده است یا به تعبیری دیگر، عمده کشورهای جهان (به‌جز آمریکا) رقابت اقتصادی را شرط موفقیت اهداف سیاسی خود می‌دانند. بعد از جنگ دوم جهانی در اروپا این اصطلاح مطرح شده بود که ما وارد جنگ دیگری شده‌ایم، ولی این بار سربازان ما کارگران تولیدی، افسران نظامی ما همان مهندسان و متخصصان، تانک‌ها و ادوات جنگی ما همان دستگاه‌های تولیدی ما هستند.

نگاهی کلی به روند تحولات و پیشرفت کشورهای مطرح جهان

در نگاهی کلی به روند تحولات و پیشرفت کشورهای مطرح جهان، به‌طور خلاصه روندهای کلی زیر مشاهده می‌شود:

۱. کشورهای اولیه پید شرو از جمله پرتغال، اسپانیا، هلند، دانمارک، سوئد، ایتالیا، بلژیک، نروژ، فنلاند و ...

اهم سیاست‌های کلی این کشورها را می‌توان به ترتیب ذیل ارائه کرد:

۱. رقابت شدید اقتصادی و ایجاد دیوارهای تعرفه‌ای (جنگ تعرفه‌ای) با همسایگان و جهان؛
۲. نهایتاً رقابت نظامی با همسایگان با هدف کسب منافع اقتصادی؛
۳. کسب منافع اقتصادی از کشورهای دور از طرق اقتصادی، نظامی و استعماری؛
۴. از دست رفتن مزیت اقتصادی این کشورها، درگیری و نزاع‌های فراوان مرزی و فروپاشی برخی کشورها.

۲. کشورهای اولیه صنعتی اروپایی از جمله انگلستان، فرانسه، آلمان و ... با تمرکز بر اقتصاد

اهم سیاست‌های کلی این کشورها را می‌توان به ترتیب زیر ارائه کرد:

۱. رقابت شدید اقتصادی و ایجاد دیوارهای تعرفه‌ای (جنگ تعرفه‌ها) با همسایگان و جهان؛
۲. کسب منافع اقتصادی از کشورهای دور از طرق اقتصادی، نظامی و استعماری؛
۳. نهایتاً رقابت نظامی با همسایگان با هدف کسب منافع اقتصادی؛
۴. بروز جنگ جهانی اول؛
۵. مجدداً به فاصله ۴ سال بروز جنگ جهانی دوم و از دست رفتن دستاوردهای اقتصادی قبلی؛
۶. شکست سیاست‌های قبلی و اجباراً تغییر سیاست‌های اقتصادی، سیاسی و نظامی و ...؛
۷. اتخاذ سیاست ایجاد منافع مشترک اقتصادی با همسایگان با هدف همکاری جمعی برای تقویت و رشد و توسعه اقتصادی و دور شدن از تنش و جنگ (ایجاد اتحادیه مشترک اقتصادی، رقابت اقتصادی در قالب اتحادیه اروپا، اتخاذ سیاست اقتصادی - سیاسی آزادی کار و سرمایه در اروپا، اتخاذ سیاست عدم تنش اقتصادی، سیاسی و نظامی با همسایگان و ...)؛
۸. ایجاد رقابت شدید اقتصادی با سایر کشورهای جهان.

نکته: به قول مرحوم دکتر حسین عظیمی، اروپاییان برای جلوگیری از جنگ‌های بعدی و نابودی اروپا، سیاست ایجاد منافع مشترک اقتصادی را ایجاد کردند، به طوری که مطرح می‌کنند اگر امروزه آلمان بخواهد برای مثال به فرانسه حمله کند، دقیقاً به بخشی از منافع خود حمله می‌کند. بنابراین اروپاییان می‌گویند امروزه دیگر نمی‌توان به سهولت بین کشورهای اروپایی جنگ به راه انداخت.

۳. کشورهای گروه سوم که مهاجران کشورهای فوق بودند، شامل آمریکا، کانادا، استرالیا و نیوزیلند

این کشورها متأثر از شرایط گروه اول به صورتی آرام سیاست‌های اقتصادی خود را همراه با سیاست خارجی مسالمت‌آمیز و بدون تنش و البته همراه با رقابت اقتصادی پیش بردند. کشورهای سوسیالیستی با الگوی رقابت سیاسی خارجی و ستیز و مقابله اقتصادی شامل: شوروی، یوگسلاوی، کره شمالی، کوبا و چین اولیه.

در میان این کشورها، شوروی اولویت سیاست خارجی تهاجمی با آمریکا و سیاست نظامی را برگزید و رقابت اقتصادی در اولویت این کشور قرار نگرفت. درنهایت این کشور بعد از ۷۰ سال بدون هیچ نوآوری اقتصادی (به‌استثنای ۴ حوزه صنایع اتمی، موشکی، نظامی و فضایی که با غرب رقابت می‌کرد) از هم فروپاشید. کشور چین به تبعیت از شوروی پرداخت، ولی به‌زودی به رقابت اقتصادی سیاسی با شوروی و سایر کشورهای جهان رسید و سیاست خارجی تنش‌زدایی و مسالمت‌آمیز با همسایگان را انتخاب کرد. برای مثال، رفتار کاملاً مسالمت‌آمیز چین بعد از الحاق هنگ‌کنگ برای جهان بسیار تعجب‌برانگیز بود. رقابت شدید اقتصادی با جهان به‌ویژه آمریکا و اروپا مدنظر قرار گرفت.

۴. کشور ژاپن

اهم سیاست‌های کلی این کشور را می‌توان به ترتیب زیر ارائه کرد:

۱. رقابت شدید و حمله نظامی با همسایگان (چین، اندونزی، سنگاپور، کره و...)
 ۲. کسب منافع اقتصادی از کشورهای نزدیک از طریق نظامی و استعمار؛
 ۳. ورود به جنگ جهانی دوم؛
 ۴. شکست در جنگ جهانی دوم و از دست رفتن دستاوردهای اقتصادی قبلی؛
 ۵. اجباراً تغییر سیاست‌های اقتصادی، سیاسی و نظامی و ...؛
 ۶. اتخاذ سیاست تنش‌زدایی با همسایگان، ایجاد رقابت شدید اقتصادی با کشورهای دور؛
 ۵. کشورهای آسیای جنوب شرقی (بره‌های آسیا) شامل تایوان، تایلند، سنگاپور، مالزی و ...
- سیاست‌های کلی این کشورها را می‌توان به ترتیب زیر ارائه کرد:
۱. همکاری و رقابت برنامه‌ریزی‌شده با یکدیگر.
 ۲. رقابت اقتصادی با جهان.

۶. آمریکا

سیاست‌های کلی اخیر این کشور را می‌توان به ترتیب زیر ارائه کرد:

۱. سیاست تنش‌زدایی با همسایگان خود (کانادا و مکزیک و حتی آمریکای جنوبی) البته از زمان ترامپ این سیاست‌ها کمی تغییر کرده است.
 ۲. سیاست رقابت و تا حدی تهاجمی اقتصادی، سیاسی و نظامی با کشورهای رقیب، به‌ویژه چین.
 ۳. اولویت دادن به مسائل سیاسی و نظامی از جمله با جمهوری اسلامی ایران و ...
- (آمریکا به دلایل مختلف از جمله حفظ ابرقدرتی و روحیه مداخله‌جویانه از سیاست‌های دیگری پیروی می‌کنند).



آینده‌نگری همکاری‌های توسعه‌ای ایران با کشورهای جهان با توجه به تحولات اخیر منطقه

خسرو نورمحمدی

مدیرکل آموزش مرکز پژوهش‌های توسعه و آینده‌نگری

بررسی روند ایجاد قدرت‌های جهانی و نظم نوین بین‌الملل

در جنگ جهانی اول و دوم بسیاری از کشورهای جهان درگیر این دو جنگ بزرگ شدند. پیروزمندان این جنگ‌ها به‌عنوان ابرقدرت خود را محق می‌دانستند که به‌واسطه پیروزی در این جنگ‌ها، نظم نوینی را به شکست‌خوردگان جنگ و سایر کشورهای جهان تحمیل کنند.

لذا پس از جنگ جهانی دوم، پیروزمندان این جنگ برای مدیریت جهان تصمیماتی گرفتند. ایجاد سازمان ملل متحد برای ایجاد این مدیریت و نظم جدید جهانی بود. البته کلمه نظم در زبان فارسی کلمه مثبت و خوب است که ترجمه اشتباهی از order است که به معنی ترتیب است. به عبارت دیگر، پیروزمندان جنگ جهانی کشورها را در سه ترتیب (که ما به آن نظم نیز گفته‌ایم) قرار دادند. کشورهای گروه اول یا همان برندگان جنگ جهانی دوم، کشورهای گروه دوم، شامل کشورهای قدرتمند اقتصادی، اجتماعی و سیاسی و ... و کشورهای گروه سوم که کشورهای ضعیف جهان هستند.

در این میان نیز قوانین خاصی توسط سازمان ملل ایجاد شد. برای مثال، شورای امنیت را در بالاترین سطح سازمان ملل متحد ایجاد کردند. در این شورا نیز شرطی به نام حق وتو ایجاد کردند. ایجاد این حق وتو برای رفع مشکل جهان نبود، بلکه برای حل مشکل کشورهای پیروز جنگ بود. آن‌ها می‌دیدند در هر کجا که منافع مشترکی بین آن‌ها ایجاد می‌شود یا در منطقه‌ای یا موضوعی با هم مشکل دارند، ممکن است این قضیه به جنگ بین آن‌ها و شروع جنگ جهانی دیگری بینجامد، لذا با هم نشستند و گفتند هر جا با هم مشکل داشتیم از حق وتو استفاده می‌کنیم که بین خودمان جنگ صورت نگیرد.

ایران و انقلاب شکوهمند اسلامی

ایران به دلیل موقعیت ژئوپلیتیک خود همواره مورد توجه قدرت‌های بزرگ بوده است. ولی بعد از تشکیل اتحاد جماهیر شوروی و پیدایش نفت، اهمیت ایران برای کشورهای جهان به‌ویژه آمریکا که جایگزین انگلستان شده بود، بیشتر شد.

در چنین شرایطی در سال ۱۳۵۷، انقلاب شکوهمند اسلامی ایران به وقوع پیوست. انقلاب اسلامی ایران به عمر یک نظام شاهنشاهی که با کودتا روی کار آمده بود و وابسته سیاسی به آمریکا و غرب بود، پایان داد. انقلاب اسلامی ایران مانند هر انقلاب ایدئولوژیک دیگری دارای مبانی و اصول خاصی است. یکی از این اصول

استقلال کشور است که با شعار «نه شرقی، نه غربی، جمهوری اسلامی» تبیین می‌شود. به عبارت روشن‌تر، مسئولان جمهوری اسلامی ایران به این نتیجه رسیده‌اند که به علت جایگاه ژئوپلیتیک و منابع ایران، دخالت ابرقدرت‌ها از اصلی‌ترین مشکلات کشور بوده است، لذا از همان ابتدا مشخص کردند که نه در بلوک شرق خواهند بود و نه در بلوک غرب و با ابرقدرت‌ها کنار نخواهند آمد.

البته صرفاً طرح این مسائل برای غرب چندان مهم نبود، لذا بلافاصله جمهوری اسلامی ایران را به رسمیت شناختند. چون تصور بر این بود که قدرت شوروی به پایان رسیده و انقلاب اسلامی مانند سایر انقلاب‌ها با جهان غرب کنار خواهد آمد. ولی انقلاب اسلامی ایران، چهره یک انقلاب دینی به خود گرفت و دیدگاه‌ها و شعارهایی نه‌تنها برای ایران بلکه برای سایر مسلمانان و مردم جهان داشت.

حال در منطقه‌ای که از نظر جهانی بسیار حساس است و نفت جهان را در اختیار دارد؛ یعنی منطقه اعراب، کشورهای عربی، ایران، خلیج فارس، در عین حال مسلمان و نیز منطقه‌ای که به خاطر توسعه‌نیافتگی بی‌ثبات است و عموم مردمش به‌نوعی از غرب، دل‌زده هستند یا احساس بی‌هویتی نسبت به غرب دارند و نیز این واقعیت در آن‌ها جاافتاده که غرب آمده است، اموالشان را دزدیده، نفتشان را برده و ضمناً آن‌ها را وحشی خطاب کرده است، این انقلاب رخ می‌دهد. این دیدگاه کم‌کم به قسمت‌های دیگری از جهان مانند آفریقا، آسیای جنوب شرقی، پاکستان و ... سرایت کرد.

این انقلاب در یک منطقه‌ای با این مختصات، به این شکل اتفاق می‌افتد و قطعاً به یک خطر بزرگ برای نظم (ترتیب) موجود جهانی تبدیل می‌شود و حتماً نظم موجود جهانی در مواجهه با آن عکس‌العمل نشان می‌دهد؛ و در این رابطه فقط بحث ایران مطرح نیست، بلکه کشورهای عربستان، عراق، مصر، کویت و تمام شیخ‌نشین‌ها، حتی سوریه نیز مطرح می‌شود. به این ترتیب، انقلاب ایران مهم‌ترین خطر را متوجه منافع نظام و قدرت‌های موجود در منطقه می‌کند. به این معنی که این منطقه به‌زودی از دست حکومت‌داران آن گرفته شود؛ و رفتار جمهوری اسلامی ایران در رابطه با کشورهای منطقه نیز این فرضیه را درست یا نادرست تقویت می‌کند. در همین رابطه باید اشاره کرد که جمهوری اسلامی ایران از زبان اسلام و قرآن به‌طور جدی صحبت می‌کند که هم با زبان بلوک‌های قدرتمند جهان متفاوت است و هم برای جمعیت مسلمان تمام این کشورها قابل فهم و درک و جذب است. از طرف دیگر با زبان استکبارستیزی صحبت می‌کند که جاذبه و مشتاقان زیادی در جهان دارد.

در همین رابطه باید اشاره کرد که در چنین شرایطی دیگر نمی‌توان با غرب و دیگران مثلاً با کمی ملایمت به نتیجه رسید. لذا از نظر قدرت‌های نظم‌نوین جهانی، این انقلاب باید دچار مشکل شود و از همان ابتدا این تخاصم شروع می‌شود، از جمله ایجاد مسائل داخلی، حمله عراق به ایران و ... و درنهایت هم‌پیمانان ابرقدرت‌ها کنار آن‌ها می‌ایستند، البته به‌جز لیبی و سوریه. به‌هرحال در قالب اقتصاد سیاسی و درک منافع کشورهای دیگر، به‌ویژه از نظر قدرت‌های جهانی موجود تا موقعی که ارزش‌های این انقلاب از هم نپاشد، درگیری با این انقلاب را کنار نمی‌گذارند. البته باید توجه شود که آن‌ها با این انقلاب ذاتاً مشکلی ندارند، بلکه مشکل آن‌ها به این دلیل است که این انقلاب منافع آن‌ها را دچار مشکل می‌کند و خواهد کرد.

در این فضا مسئولان و استراتژیست‌های جمهوری اسلامی ایران، اقدامات اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی خود را انجام می‌دهند تا اینکه در سال ۱۳۹۸ و ترور سردار سلیمانی و درگیری مستقیم ایران و آمریکا می‌رسیم. در این گزارش که به‌طور اجمال تهیه شده است به چند متغیر اساسی برمی‌خوریم که به نظر می‌آید آینده منطقه را تحت تأثیر شدید خود قرار می‌دهند، لذا استراتژیست‌های کشور باید با توجه به آن‌ها به آینده کشور، منطقه و جهان نگاه کنند:

نخست اینکه، به دلیل شرایط بازار انرژی، وضعیت منطقه در حال تغییر است. دوم اینکه، ادامه روند کنونی که به ضرر ایران خواهد بود با شناخت منافع مشترک با کشورهای منطقه و جهان می‌تواند تغییر کند. سوم اینکه، ایران با توجه به شرایط پیش‌آمده و بر اساس شناخت منافع سایر کشورها در منطقه و ایجاد منافع مشترک می‌تواند برتری خود را در ابعاد اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، امنیتی، نظامی و فرهنگی تقویت و تضمین کند.



وقایع اخیر و تغییر جایگاه جمهوری اسلامی ایران در جهان

در دهه‌های اخیر، آمریکا به انواع مختلف، حضور خود را چه به‌طور مستقیم و غیرمستقیم در منطقه زیاد کرده است و به دنبال از دست رفتن صدام در عراق می‌خواهد از هم‌پیمان بعدی خود؛ یعنی عربستان استفاده کند. البته پیدایش تضادهای مذهبی، طالبان و اخیراً داعش نشان از جدی‌تر شدن تضادهای ایران، عربستان و آمریکا دارد.

به هر حال جمهوری اسلامی ایران که تحرکات آمریکا را زیر نظر دارد به مقابله با این اقدامات می‌پردازد، ضمن اینکه تلاش می‌کند در حوزه‌های مشخصی همچون تقویت هم‌پیمانان، سیاست خارجی، صنایع نظامی و الکترونیک خود را قوی کند. با داعش به مبارزه جدی می‌پردازد و این گروه پر قدرت و استراتژیک را به سرعت از بین می‌برد. حال با توجه به تشدید محاصره اقتصادی ایران، افزایش شدید تحریم‌ها و افزایش تنش‌ها مشخص است که آمریکا قصد مقابله جدی اقتصادی (و نه نظامی) با ایران را دارد؛ یعنی آمریکا و متحدان وی تصمیم گرفته‌اند به جنگ اقتصادی تمام‌عیار با ایران بپردازند و از جنگ نظامی پرهیز کنند.

در این میان اتفاقی غیراستراتژیک برخلاف فرضیه فوق روی می‌دهد، به طوری که ترور قاسم سلیمانی فرمانده نظامی ایران، برخلاف تمامی قوانین و عرف بین‌المللی، اتفاق می‌افتد و بار دیگر آمریکا به طور مستقیم و نظامی مقابل ایران قرار می‌گیرد. البته خیلی زود آمریکا بیان می‌کند که قصد جنگ نظامی با ایران را ندارد. البته شاید بتوان این اتفاق را به مانور مشترک نظامی ایران، چین و روسیه که به معنی ورود این کشورها به حوزه امنیتی و اقتصادی آمریکا است نیز، نسبت داد.

بعد از این اقدام، رویارویی بزرگ ایران و آمریکا شروع می‌شود. اگرچه سناریوهای مختلفی مطرح می‌شود، ولی جمهوری اسلامی ایران دو راه در پیش رو دارد: ۱- با این موضوع مدارا کند و صبر کند تا تحریم‌های اقتصادی طی چند سال آینده کشور را ضعیف کند و سپس جنگ فیزیکی آمریکا شروع شود و ۲- به مقابله به مثل با آمریکا بپردازد و مستقیماً وارد فاز دوم برخورد پیش‌بینی شده با آمریکا برود. لذا لازم است با آینده‌نگری تحولات به تحلیل دقیق‌تر پرداخته شود و راه‌های تقویت توسعه سریع‌تر جمهوری اسلامی ایران بررسی و پیشنهاد شود.

برای این تجزیه و تحلیل در ابتدا لازم است تا ذی‌نفعان این وقایع و منافع آن‌ها مورد بررسی قرار گرفته و سناریوهای لازم تدوین شود. اگرچه تهیه چنین گزارشی باید در زمان و با اطلاعات جامع‌تری انجام شود، ولی به هر حال سعی شده تا در فرصتی کوتاه به تحلیل‌هایی مقدماتی پرداخته شود.

ذی‌نفعان آتی تحولات اخیر

در جدول ۱ کشورهای ذی‌نفع در منطقه خاورمیانه و منافع مدنظر آنان ارائه شده است.

جدول ۱: کشورهای ذی‌نفع در منطقه خاورمیانه و منافع مدنظر

اهداف کلی از ارتباط با سایر کشورها (به‌ویژه منطقه خاورمیانه)	نام کشور(ها)	ردیف
افزایش رشد اقتصادی	اتحادیه اروپا	
افزایش صادرات		
افزایش درآمد ملی		
دسترسی به نفت و گاز		
تسلط نظامی و امنیتی بر منطقه	فلسطین اشغالی	
افزایش رشد اقتصادی		
افزایش امنیت ملی		
هم‌پیمانی با کشورهای ابرقدرت به‌ویژه آمریکا برای		
تقویت امنیت	آسیای جنوب شرقی	
افزایش رشد اقتصادی		
افزایش صادرات		
دسترسی به نفت		
ثبات اقتصادی	آسیای مرکزی و قفقاز	
رشد اقتصادی		

دسترسی به آب راه‌ها و آب‌های بین‌المللی	
ثبات اقتصادی	
امنیت	آفریقای شمالی و مرکزی
رشد اقتصادی	
ثبات اقتصادی	
امنیت اقتصادی	
افزایش سرمایه‌گذاری خارجی	
افزایش مشارکت خارجی	
هم‌پیمانی با کشورهای ابرقدرت به‌ویژه آمریکا برای	امارات متحده عربی
تقویت امنیت	
اتکا به صادرات نفت و سرمایه‌گذاری خارجی و	
صادرات و واردات	
استعمار و استثمار کشورهای جهان	
حفظ و تقویت منافع ملی و منافع سرمایه‌داران و	
شرکت‌های بزرگ	
تسلط و مدیریت بر جهان	
افزایش صادرات	آمریکا
صادرات نظامی	
حفظ ابرقدرتی و برتری نظامی، امنیتی بر کشورهای	
جهان	
جنگ و تضعیف دشمنان خود	
ثبات اقتصادی	
رشد اقتصادی	کشورهای آسیای جنوب شرقی
افزایش صادرات	(اندونزی، کامبوج، فیلیپین، مالزی،
ایجاد اشتغال	لائوس، سنگاپور، تایلند، ویتنام، برونئی، تیمور
هم‌پیمانی با کشورهای ابرقدرت به‌ویژه آمریکا برای	شرقی، میانمار) حدود ۶۵۰ میلیون نفر جمعیت
تقویت امنیت	
ثبات اقتصادی	
رشد اقتصادی	
افزایش صادرات	
ایجاد اشتغال	پاکستان
هم‌پیمانی با کشورهای ابرقدرت به‌ویژه آمریکا برای	
تقویت امنیت	
ثبات اقتصادی	
صادرات نظامی	
حفظ حداقل تسلط نظامی بر منطقه از طریق بمب	روسیه
اتمی، موشک‌های دوربرد و ...	

ایجاد پیمان‌های امنیتی نظامی با کشورهای خلیج فارس	
ثبات اقتصادی	
رشد اقتصادی	
پیوند اقتصادی با اتحادیه اروپا	
تسلط فرهنگی اقتصادی بر منطقه	ترکیه
استفاده اقتصادی سیاسی از شرایط منطقه	
هم‌پیمانی با کشورهای ابرقدرت به‌ویژه آمریکا برای تقویت امنیت	
ایجاد هاب منطقه‌ای صدور گاز به اروپا	
دستیابی به بازارهای جدید	
ارتقای سطح ابرقدرتی	
رقابت اقتصادی با ژاپن، اروپا و آمریکا	چین
تسلط اقتصادی بر مناطق مختلف جهان	
دسترسی به نفت	
ثبات اقتصادی	
رشد اقتصادی	
صادرات	ژاپن
هم‌پیمانی با کشورهای ابرقدرت به‌ویژه آمریکا	
دسترسی به نفت	
ثبات امنیتی	
ثبات اقتصادی	
افزایش درآمد ملی	
افزایش اشتغال	عراق
هم‌پیمانی با کشورهای ابرقدرت به‌ویژه آمریکا برای تقویت امنیت	
وابستگی به صادرات نفت	
تسلط ایدئولوژیک و فرهنگی در کشورهای منطقه و جهان اسلام	
ثبات امنیتی	
تقویت امنیتی از طریق آمریکا و متحدان آن	
تضعیف اقتصادی، سیاسی و امنیتی ایران به‌عنوان کشور مخالف	عربستان
هم‌پیمانی با کشورهای ابرقدرت به‌ویژه آمریکا برای تقویت امنیت	
وابستگی به صادرات نفت	
ثبات امنیتی	قطر

ثبات اقتصادی	
جذب سرمایه‌گذاری خارجی	
هم‌پیمانی با کشورهای ابرقدرت به‌ویژه آمریکا برای	
تقویت امنیت	
وابستگی به صادرات نفت و سرمایه‌گذاری خارجی	
ثبات امنیتی	
ثبات اقتصادی	
سرمایه‌گذاری درآمدهای نفتی در خارج از کویت برای	
تقویت امنیت اقتصادی	کویت
هم‌پیمانی با کشورهای ابرقدرت به‌ویژه آمریکا برای	
تقویت امنیت	
وابستگی به صادرات نفت	
ثبات امنیتی	
ثبات اقتصادی	
هم‌پیمانی با کشورهای ابرقدرت به‌ویژه آمریکا برای	مصر
تقویت امنیت	
رشد اقتصادی	
رشد درآمد ملی و سرانه	
افزایش صادرات	
افزایش اشتغال	
هم‌پیمانی با کشورهای ابرقدرت به‌ویژه آمریکا برای	هند
تقویت امنیت	
دسترسی به بازار نفت	
دسترسی به بازارهای جدید	

متغیرها یا اهداف کشورهای ذی‌نفع در خاورمیانه

با دسته‌بندی و خلاصه کردن متغیرهای جدول بالا، جدول ۲ را می‌توان به شکل زیر ارائه کرد:

جدول ۲: خلاصه اهداف کلی کشورهای ذینفع در خاورمیانه

هدف جزئی	هدف کلی	ردیف
واردات نفت		
دسترسی به بازار نفت		
صادرات نفت		
افزایش درآمد ملی		
افزایش رشد اقتصادی	اقتصادی	
ثبات اقتصادی		
افزایش سرمایه‌گذاری خارجی		
جذب سرمایه‌گذاری خارجی		

افزایش صادرات	
ایجاد اشتغال	
تسلط اقتصادی بر مناطق مختلف جهان	
تضعیف اقتصادی، سیاسی و امنیتی ایران به‌عنوان کشور مخالف	
حفظ و تقویت منافع ملی و منافع سرمایه‌داران و شرکت‌های بزرگ	
دسترسی به آب راه‌ها و آب‌های بین‌المللی	
دسترسی به بازار گاز	
تقویت قدرت اقتصادی از طریق دسترسی به منابع خاورمیانه	
صادرات نظامی	
منافع اقتصادی (بازار مصرف)	
استفاده اقتصادی سیاسی از شرایط منطقه	
واردات کالا	
ارتقای سطح ابرقدرتی	
استعمار و استثمار کشورهای جهان	
تسلط و مدیریت بر جهان	سیاسی
تضعیف اقتصادی، سیاسی و امنیتی ایران به‌عنوان کشور مخالف آمریکا و متحدان آن	
منافع سیاسی	
افزایش امنیت ملی داخلی	
ایجاد پیمان‌های امنیتی نظامی با کشورهای خلیج فارس	
تضعیف اقتصادی، سیاسی و امنیتی ایران به‌عنوان کشور مخالف آمریکا و متحدانش	امنیتی
منافع امنیتی	
هم‌پیمانی با کشورهای ابرقدرت به‌ویژه آمریکا برای تقویت امنیت داخلی و خارجی	
ایجاد پیمان‌های امنیتی نظامی با کشورهای خلیج فارس	
جنگ و تضعیف دشمنان خود	
حفظ حداقل تسلط نظامی بر منطقه از طریق بمب اتمی، موشک‌های دوربرد و ...	نظامی
صادرات نظامی	
منافع نظامی	
استعمار و استثمار کشورهای جهان	استعمار و ابرقدرتی
حفظ ابرقدرتی و برتری نظامی، امنیتی بر کشورهای جهان	
تسلط ایدئولوژیک و فرهنگی در کشورهای منطقه و جهان اسلام	فرهنگی/ایدئ
تسلط فرهنگی اقتصادی بر منطقه	ولوژیکی
منافع ایدئولوژیک	

منافع عمده جمهوری اسلامی ایران

منافع جمهوری اسلامی ایران در جدول ۳ به طور خلاصه تنظیم شده است که عبارتند از:

جدول ۳: خلاصه اهداف عمده جمهوری اسلامی ایران

اهداف جزئی	هدف کلی	ردیف
ثبات اقتصادی	اقتصادی	
رشد اقتصادی		
توسعه اقتصادی		
افزایش صادرات		
اشتغال		
محیط کسب و کار		
...		
توسعه اجتماعی	اجتماعی	
توسعه سیاسی		
توسعه فرهنگی	فرهنگی	
گسترش فرهنگی ایران به سایر کشورهای اسلامی		
تضمین امنیت کشور	امنیتی	
تضمین امنیت منطقه‌ای		
ارتقای توان نظامی به عنوان کشور اول منطقه	نظامی	
گسترش دیدگاه ایدئولوژی اسلام و تشیع در جهان اسلام		
گسترش دیدگاه ضد استکباری و استثماری در جهان		

تجزیه و تحلیل منافع ذی نفعان در ارتباط با جمهوری اسلامی ایران

چنانچه اهداف جمهوری اسلامی ایران و منافع کشورهای مختلف را بررسی کنیم می‌توانیم نتایج جدول ۴ را داشته باشیم. نتایج رابطه ایران با هر کشور به صورت زیر می‌تواند در نظر گرفته شود:

- دوستانه؛
- منافع مشترک؛
- پیمان امنیتی؛
- پیمان اقتصادی؛
- پیمان تجاری؛
- دشمنی و جنگ؛
- رابطه نوسانی و چالشی.

جدول ۴: تجزیه و تحلیل منافع دینفعان در ارتباط با جمهوری اسلامی ایران

نتیجه محتمل ارتباط در شرایط کنونی	اهداف عمده	کشور(ها)	اهداف	کشور	ردیف
دوستانه منافع مشترک استراتژیک پیمان امنیتی پیمان اقتصادی پیمان تجاری دشمنی و جنگ رابطه نوسانی و چالش دار	افزایش رشد اقتصادی افزایش صادرات افزایش درآمد ملی دسترسی به نفت و گاز	اتحادیه اروپا	اقتصادی اجتماعی سیاسی فرهنگی امنیتی نظامی ایدئولوژیک	ایران	۱
دشمنی و جنگ	تسلط نظامی و امنیتی بر منطقه افزایش رشد اقتصادی افزایش امنیت ملی هم‌پیمانی با کشورهای ابرقدرت به‌ویژه آمریکا برای تقویت امنیت	فلسطین اشغالی	//	//	۲
دوستانه پیمان اقتصادی پیمان تجاری	افزایش رشد اقتصادی افزایش صادرات دسترسی به نفت	آسیای جنوب شرقی	//	//	۳
دوستانه پیمان اقتصادی پیمان تجاری منافع مشترک استراتژیک	ثبات اقتصادی رشد اقتصادی دسترسی به آب راه‌ها و آب‌های بین‌المللی	آسیای مرکزی و قفقاز	//	//	۴
دوستانه	ثبات اقتصادی امنیت رشد اقتصادی ثبات اقتصادی امنیت اقتصادی	آفریقای شمالی و مرکزی	//	//	۵
دوستانه پیمان اقتصادی پیمان تجاری	افزایش سرمایه‌گذاری خارجی افزایش مشارکت خارجی هم‌پیمانی با کشورهای ابرقدرت به‌ویژه آمریکا برای تقویت امنیت اتکا به صادرات نفت و سرمایه‌گذاری خارجی و صادرات و واردات	امارات متحده عربی	//	//	۶
دشمنی و جنگ	استعمار و استثمار کشورهای جهان	آمریکا	//	//	۷

	حفظ و تقویت منافع ملی و منافع سرمایه‌داران و شرکت‌های بزرگ تسلط و مدیریت بر جهان افزایش صادرات صادرات نظامی حفظ ابرقدرتی و برتری نظامی، امنیتی بر کشورهای جهان جنگ و تضعیف دشمنان خود ثبات اقتصادی رشد اقتصادی				
دوستانه پیمان اقتصادی پیمان تجاری	افزایش صادرات ایجاد اشتغال هم‌پیمانی با کشورهای ابرقدرت به‌ویژه آمریکا برای تقویت امنیت ثبات اقتصادی صادرات نظامی	پاکستان	//	//	۸
دوستانه پیمان اقتصادی پیمان تجاری	حفظ حداقل تسلط نظامی بر منطقه از طریق بمب اتمی، موشک‌های دوربرد و ... ایجاد پیمان‌های امنیتی نظامی با کشورهای خلیج فارس ثبات اقتصادی رشد اقتصادی پیوند اقتصادی با اتحادیه اروپا تسلط فرهنگی اقتصادی بر منطقه	روسیه	//	//	۹
دوستانه پیمان اقتصادی پیمان تجاری	استفاده اقتصادی سیاسی از شرایط منطقه هم‌پیمانی با کشورهای ابرقدرت به‌ویژه آمریکا برای تقویت امنیت ایجاد هاب منطقه‌ای و صدور گاز به اروپا	ترکیه	//	//	۱۰
دوستانه پیمان اقتصادی پیمان تجاری	دستیابی به بازارهای جدید ارتقای سطح ابرقدرتی رقابت اقتصادی با ژاپن، اروپا و آمریکا	چین	//	//	۱۱

	تسلط اقتصادی بر مناطق			
	مختلف جهان			
	دسترسی به نفت			
	ثبات اقتصادی			
دوستانه	رشد اقتصادی			
پیمان اقتصادی	صادرات	ژاپن	//	// ۱۲
پیمان تجاری	هم‌پیمانی با کشورهای ابرقدرت، به‌ویژه آمریکا			
	دسترسی به نفت			
	ثبات امنیتی			
	ثبات اقتصادی			
دوستانه	افزایش درآمد ملی			
پیمان اقتصادی	افزایش اشتغال	عراق	//	// ۱۳
پیمان تجاری	هم‌پیمانی با کشورهای ابرقدرت، به‌ویژه آمریکا برای تقویت امنیت وابستگی به صادرات نفت			
	ثبات امنیتی			
	ثبات اقتصادی			
دوستانه	جذب سرمایه‌گذاری خارجی			
پیمان اقتصادی	هم‌پیمانی با کشورهای ابرقدرت، به‌ویژه آمریکا برای تقویت امنیت وابستگی به صادرات نفت و سرمایه‌گذاری خارجی	قطر	//	// ۱۴
پیمان تجاری	ثبات امنیتی			
	ثبات اقتصادی			
دوستانه	سرمایه‌گذاری درآمدهای نفتی			
پیمان اقتصادی	در خارج از کویت برای تقویت امنیت اقتصادی	کویت	//	// ۱۵
پیمان تجاری	هم‌پیمانی با کشورهای ابرقدرت، به‌ویژه آمریکا برای تقویت امنیت وابستگی به صادرات نفت			
	ثبات امنیتی			
	ثبات اقتصادی			
دوستانه	هم‌پیمانی با کشورهای ابرقدرت، به‌ویژه آمریکا برای تقویت امنیت	مصر	//	// ۱۶
	رشد اقتصادی			
دوستانه	رشد درآمد ملی و سرانه	هند	//	// ۱۷
پیمان اقتصادی				

افزایش صادرات
افزایش اشتغال
هم‌پیمانی با کشورهای ابرقدرت
به‌ویژه آمریکا برای تقویت امنیت
دسترسی به بازار نفت
دسترسی به بازارهای جدید

آینده‌نگری تحولات منطقه خاورمیانه با توجه به سه تغییر استراتژیک

در جدول ۴ به بررسی اهداف جمهوری اسلامی ایران در رابطه با سایر کشورهای مدنظر در شرایط کنونی پرداخته شده است. نتایج اخذ شده از هر رابطه تا حد زیادی شرایط کنونی را توضیح می‌دهد. البته برای جلوگیری از طولانی شدن گزارش به تحلیل این روابط و انواع سناریوهای همکاری پرداخته نشده است. ولی هنگامی که بخواهیم سناریوهای کلی آینده روابط ایران با این کشورها را بررسی کنیم، شرایط به‌گونه‌ای خاص رقم خواهد خورد. در این رابطه به نظر می‌رسد چند متغیر استراتژیک جدید در حال بروز و ظهور هستند که شرایط آینده منطقه، به‌ویژه ایران را دستخوش تحولات اساسی خواهند کرد که باید در استراتژی‌های کشور مورد توجه قرار گیرد. این متغیرها شامل موارد زیر هستند:

تغییر اهمیت و جایگاه منابع نفت و گاز منطقه خاورمیانه

- منابع نفت و گاز منطقه رو به اتمام است و تا دو دهه آینده کاهش جدی از نظر تولید و تقاضای جهانی خواهد داشت.
- تکنولوژی‌های جایگزین سوخت‌های فسیلی در حال گسترش و مقرون به صرفه شدن هستند مانند انرژی‌های خورشیدی، کاهش مصرف سوخت، تکنولوژی‌های هیبریدی و لذا از این منظر نیز اهمیت منابع نفت و گاز خاورمیانه رو به کاهش است.
- آمریکا به‌عنوان بزرگ‌ترین تولیدکننده نفت و کاهش وابستگی به بازار انرژی خاورمیانه و آینده‌نگری شرایط منطقه خلیج فارس، احتمالاً به‌جای حضور و دخالت مستقیم در منطقه، به دنبال تغییر استراتژی خود از کنترل مستقیم بازار انرژی به مدیریت آن است.
- منفعت دیگر آمریکا در منطقه فروش تسلیحات نظامی در منطقه است، لذا تلاش خواهد داشت دشمنی و تخاصم را در میان کشورهای منطقه افزایش دهد. در این رابطه، ایران هراسی بیشترین منافع اقتصادی، امنیتی و نظامی را برای آمریکا خواهد داشت.
- با توجه به موارد مذکور، از دست رفتن اهمیت استراتژیک منطقه برای آمریکا، باید تا دو دهه آینده، یک قدرت منطقه‌ای، نظم و امنیت منطقه را بر عهده گیرد یا تضمین نماید.

تلاش چین برای حضور اقتصادی و نظامی در خاورمیانه از طریق ایران

- ابرقدرت اقتصادی نظامی چین به دنبال گسترش بازارهای اقتصادی و نظامی خود است. در این رابطه چین سیاست فعال اقتصادی و نظامی داشته و در حال گسترش نفوذ خود در مناطق مختلف جهان و استفاده از ایران برای حضور در منطقه خاورمیانه است.
- یکی از اهداف مهم اقتصادی چین از حضور در منطقه خلیج فارس، علاوه بر دسترسی به بازار انرژی، دسترسی به بازار اقتصادی منطقه است، اما از همه مهم‌تر چین با نزدیک شدن به ایران به دنبال تضمین حضور خود در کل منطقه به‌ویژه هند، پاکستان و افغانستان (منطقه سنتی حضور آمریکا) است.
- آمریکا به‌عنوان رقیب یا دشمن جدی چین، قطعاً تحولات اقتصادی و نظامی چین در منطقه را زیر نظر خواهد داشت. مانور مشترک چین، آمریکا و روسیه به‌نوعی برای آمریکا پیام از دست دادن منافع اقتصادی بزرگ منطقه خاورمیانه و حتی جنوب آسیا و آسیای جنوب شرقی را دارد.
- احتمالاً آمریکا از حضور چین و روسیه و به‌ویژه مانور مشترک نظامی، منافع خود و هم‌پیمانان خود را در مخاطره دیده است و شاید بتوان رفتار غیرمنطقی و غیرقانونی ترور سردار شهید سلیمانی را پیامی در این رابطه دانست. چون مهم‌ترین تحول در منطقه، این مانور نظامی بوده است که می‌توانست از طرف آمریکا به‌عنوان از دست رفتن منافع تلقی شود.
- جمهوری اسلامی ایران از رابطه نظامی با چین و روسیه که با مانور مشترک نظامی آن‌ها در یک ماه اخیر انجام شد، باید به دنبال منافع خود باشد نه منافع چین.

استقبال مردم از رفتارهای آزادی‌خواهانه و ضد استکباری و ضد آمریکایی ایران در جهان

- دیدگاه‌ها و عملکرد جمهوری اسلامی ایران بعد از انقلاب، طرفداران زیادی در کشورهای منطقه، مسلمان و دنیا پیدا کرده است. این دیدگاه‌ها در منطقه خلیج فارس و مسلمان و حتی فقیر، خواهان دارد.
- این رفتار و تأثیر آن بر مردم کشورهای منطقه، باعث تغییر رفتار حکومت‌های منطقه و هم‌پیمانان آن‌ها شده است که باید بر اساس منافع جمهوری اسلامی ایران قرار گیرد.

نتیجه گیری

- با توجه به تغییر اهمیت و جایگاه بازار انرژی منطقه خلیج فارس، رفتارهای ذی نفعان این منطقه در حال تغییر است.
- کشورهای ایران، عربستان و ترکیه می توانند با توجه به تغییر شرایط منطقه، قدرت اول اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی منطقه باشند.
- ایران به لحاظ جمعیت، وسعت، منابع طبیعی، قدرت نظامی و... می تواند قدرت اول منطقه باشد. ولی عربستان با توجه به قدرت اقتصادی و پشتوانه ابرقدرت‌ها، امکان تضعیف ایران با کمک آمریکا و امکان تفاهم با کشورهای منطقه، شانس کسب این جایگاه را نیز دارد. کشور ترکیه نیز با توجه به قدرت اقتصادی، سیاسی و هم‌پیمانی با کشورهای منطقه، به‌ویژه عربستان می تواند به این وضعیت دسترسی پیدا کند.
- آمریکا از سال‌ها پیش به دنبال قطع وابستگی خود به نفت خاورمیانه بود، به طوری که شورای سیاست‌گذاری انرژی آمریکا در سال ۲۰۰۷، استقلال انرژی آمریکا را سیاست این شورا اعلام کرده بود که در سال جاری به آن دست پیدا کردند. اکنون با توجه به اینکه صادرکننده نفت شده است و به نفت خاورمیانه نیاز مستقیم ندارد، در جهت منافع خود برای حضور در منطقه و مدیریت بازار انرژی و فروش تسلیحات نظامی و گران کردن هزینه تولید اقتصادی چین به‌عنوان بزرگ‌ترین رقیب خود، نیاز به ایجاد تنش و ناامنی در منطقه خواهد داشت. باید توجه داشت که برخلاف گذشته، از این پس افزایش قیمت نفت برای آمریکا (چون به صادرکننده نفت تبدیل شده است و قصد رقابت با رقبای بزرگ خود از طریق افزایش هزینه‌های تولید آن‌ها به دلیل وابستگی به انرژی را دارد)، ممکن است منفعت داشته باشد.
- در چنین وضعیتی آمریکا تلاش کرده ضمن تشدید درگیری ایران با همسایگان و ...، قدرت اقتصادی ایران را از طریق تحریم‌ها تضعیف کند. باید توجه داشت که اتحاد جماهیر شوروی بعد از ۷۰ سال و به هنگام فروپاشی دارای هیچ نوآوری و قدرت رقابت در سطح و مقیاس جهانی در حوزه‌های اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی نبود، به‌استثنای چهار حوزه بمب اتم، موشک‌های دوربرد و صنایع نظامی. دلیل موفقیت شوروی نیز این بود که صرفاً در این چهار حوزه به رقابت با غرب پرداخته بود و در بقیه حوزه‌ها ناتوان یا وابسته به بقیه جهان بود. آمریکا در برخورد با ایران قصد دارد که حوزه اقتصادی ایران را از همکاری و رقابت با جهان بازدارد و درآمدهای اقتصادی ایران از این ناحیه را به حداقل برساند. اگر چنین وضعیتی بتواند اتفاق بیفتد، قطعاً ایران در حوزه‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی به‌عنوان کشور اول تضعیف می‌شود و جایگاه عربستان و به‌ویژه ترکیه (با توجه به قدرت و اصلاحات اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی) در منطقه افزایش خواهد یافت.
- کشور چین قصد جدی برای نفوذ اقتصادی و نظامی در منطقه دارد و به دلیل عدم منافع استراتژیک اقتصادی با ایران، احتمالاً منافع یک طرفه و بیشتری از ارتباط با ایران خواهد برد. به‌ویژه آنکه بر اساس تجربیات ایجاد منافع مشترک از جمله اروپا، ایران باید با همسایگان خود وارد ایجاد منافع

مشترک اقتصادی سیاسی شده و با کشورهای دور وارد رقابت و همکاری اقتصادی شود. در حالی که نشانه‌هایی معکوس از این سیاست‌ها وجود دارد. در همین رابطه باید اشاره کرد که چین بعد از حدود سه هفته از برگزاری مانور مشترک نظامی با ایران و روسیه در منطقه خلیج فارس، با آمریکا پیمان اقتصادی امضا کرد. باید توجه داشت که چین با آینده‌نگری رفتار تنش‌زای آمریکا در منطقه خلیج فارس و افزایش احتمالی قیمت انرژی به دنبال کاهش وابستگی خود به نفت خلیج فارس خواهد بود. انتقال لوله گاز از ترکمنستان به چین نشانه‌هایی از این رفتار آینده‌نگرانه است. بنابراین چین در منطقه خلیج فارس عمدتاً به دنبال منافع اقتصادی خود است و احتمالاً نمی‌تواند متحد استراتژیک کشورهای خلیج فارس تلقی شود.

- قطعاً کشورهای منطقه از تغییر شرایط ژئوپلیتیک و متعاقباً سناریوهای بحرانی منطقه آگاه هستند. آن‌ها یا باید از یک مدافع قوی نظامی خارجی استفاده کنند یا باید تشکل اقتصادی، سیاسی و نظامی داخلی با توجه به منافع مشترک (همانند اتحادیه اروپا) ایجاد نمایند. در چنین شرایطی (که همسایگان ما آینده خلیج فارس را می‌دانند) قطعاً خواهان همکاری استراتژیک فی‌مابین خواهند بود. همین وضعیت نشان می‌دهد که کشورهای همچون امارات، قطر، عمان، کویت و ... خواهان امنیت منطقه از طریق ایجاد منافع مشترک هستند.
- جمهوری اسلامی ایران در چنین شرایطی، بازیگر اصلی در منطقه است و خواهد ماند. این نقش به‌واسطه عواملی همچون موقعیت جغرافیایی، موقعیت ژئوپلیتیک، وسعت، تنوع آب و هوایی، منابع طبیعی، جمعیت، توان اقتصادی، توان فنی و ... به وجود آمده است. در چنین شرایطی ایران با شناسایی منافع دیگران و مدیریت و استفاده از آن در جهت اهداف و منافع خود و همسایگان، می‌تواند به توسعه اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی خود و منطقه کمک کند. البته در این رابطه، چهار راهکار اصلی وجود دارد:
 - توجه به تغییرات استراتژیک منطقه؛
 - شناسایی اهداف و منافع کشورهای منطقه؛
 - استفاده از اهداف و منافع کشورهای جهان در راستای اهداف و منافع خود و دیگران؛
 - تقویت اقتصادی، سیاسی و امنیتی جمهوری اسلامی ایران از طریق گسترش پیمان‌های اقتصادی در جهت ایجاد منافع استراتژیک با کشورهای همسایه و رقابت اقتصادی با کشورهای دور (البته باید توجه داشت که جمهوری اسلامی ایران به دلایل مختلفی از وضعیت‌های قبلی پیش‌آمده همچون ایجاد کشورهای مستقل مشترک‌المنافع نتوانست استفاده کند. لذا برای ایجاد شرایط جدید باید از ساختارهای کارآمد و تجربیات موفق استفاده نماید).

آینده نگری (سناریوهای) همکاری جمهوری اسلامی ایران با سایر کشورها در جهت تحقق توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی

با توجه به موارد بالا به نظر می‌رسد که ایران تا دو دهه آینده قدرت اقتصادی و اجتماعی منطقه می‌شود که در این صورت ثبات امنیتی و اقتصادی پیدا کرده و تحقق توسعه آسان تر می‌شود. ولی با توجه به شرایط کنونی پیش آمده و پیش بینی تداوم دشمنی و خصومت آمریکا با ایران حداقل برای دو دهه آینده، در این صورت فرایند توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور کند می‌شود. به نظر می‌رسد در این رابطه جمهوری اسلامی ایران باید دو استراتژی را مدنظر قرار دهد تا بتواند به اهداف خود دست یابد:

ارتباط و تعامل با کشورهای جهان بر اساس منافع مشترک

کشورهای مختلف از ارتباط با ایران به دنبال اهداف خود هستند. جمهوری اسلامی ایران نیز باید در این ارتباط منافع این کشورها را به طور مستمر در کوتاه مدت، میان مدت و بلندمدت رصد کرده و به گونه‌ای ارتباطات خود را سامان دهد که در راستای اهداف بلندمدت توسعه کشور قرار گیرد.

ایجاد منافع مشترک استراتژیک با کشورهای منطقه (از جمله اتحادیه اقتصادی کشورهای منطقه)

بخشی از کشورهایی که ایران می‌تواند با آنها ارتباط برقرار کند، به دلایل مختلف تغییر رفتار خواهند داد:

- اول اینکه منافع آنها، نوع رفتارشان را تعیین می‌کند و با تغییر منافع کشورها، رفتارشان در مقابل ایران تغییر خواهد کرد.
- به دلایل برشمرده شده، آمریکا و هم‌پیمانان او تلاش خواهند کرد ثبات اقتصادی و امنیتی ایران را به هم بریزند. حتی تلاش می‌کنند با فشار و راه‌های دیگر، هم‌پیمانان ایران را مجبور به تغییر رفتار کنند.
- کشورهای همسایه ایران و بسیاری از کشورهای مرتبط، کشورهای در حال توسعه هستند و ویژگی اصلی کشورهای در حال توسعه تغییرات مداوم و بی‌ثباتی است و در چنین شرایطی نمی‌توان با این کشورها به راحتی ارتباط مطمئن و مستمر داشت.

بنابراین باید بر اساس منافع استراتژیک مشترک، اقتصاد و سیاست ایران با کشورهای مختلف به هم پیوند بخورد تا منافع اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی ایران برای کشور هم‌پیمان نیز مهم و حیاتی تلقی شود. در این رابطه می‌توان به تجربیات اروپا توجه کرد. کشورهای اروپایی بعد از تحولات رنسانس، انقلاب صنعتی و پیشرفت‌های بزرگ اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی برای کشورهای جهان به صورت الگو درآمد بودند. در این زمان جنگ جهانی اول در اروپا بین متحدین امپراتوری آلمان (اتریش - مجارستان، عثمانی و بلغارستان) و نیروهای متفق (جمهوری سوم فرانسه، بریتانیا، روسیه، صربستان، ایتالیا، ایالات متحده آمریکا، ژاپن و رومانی) در سال ۱۹۱۴ میلادی به مدت ۴ سال طول کشید و ضمن از بین بردن زیربنای اقتصادی اجتماعی اروپا، حدود ۱۰ میلیون کشته بر جای گذاشت. ولی مجدداً در سال ۱۹۳۹ در کمال ناباوری، جهان مواجه با شروع جنگ جهانی دوم شد که به مدت ۶ سال تا سال ۱۹۴۵ ادامه یافت. در این جنگ جهانی ضمن از بین رفتن

مجدد زیرساخت‌های اقتصادی و اجتماعی کشورهای اروپایی و سایرین (۳۰ کشور در این جنگ درگیر شدند) حدود ۸۰ میلیون انسان کشته شدند.

پس از این وقایع، استراتژیست‌های ذی‌نفع به دنبال راه‌حلی برای حذف جنگ در اروپا شدند و راه‌حل مؤثر آن‌ها ایجاد منافع مشترک بلندمدت بود. یکی از این راه‌کارها، آزادی کار و سرمایه و ایجاد منطقه مشترک اقتصادی در اروپا بود که به وسیله آن اقتصادهای آن‌ها دچار پیوندهای اساسی شد، به طوری که امکان وقوع جنگی دوباره در اروپا به حداقل ممکن کاهش یافت و در سایه این اقدامات، روند توسعه همه کشورهای اروپایی هموارتر شد و رقابت اقتصادی خود را نه با همسایگان، بلکه با کشورهای دور شروع کرد.

جمهوری اسلامی ایران نیز باید در ارتباط با کشورها از این استراتژی استفاده کند. البته متأسفانه در سال‌های گذشته در ارتباط با همسایگان خود عمدتاً به مبادلات تجاری بسنده کرده‌ایم که اساساً کافی نیست، چراکه در صورت ایجاد تنش و بحران میان دو کشور، به راحتی می‌توانند با یکدیگر قطع ارتباط کنند.

نمونه دیگر، جنگ تحمیلی عراق علیه ایران در سال ۱۳۵۹ بود. در صورتی که اگر منافع مشترک بلندمدت اقتصادی بین دو کشور بود، وقوع جنگ به راحتی در ایران امکان نداشت و چنانچه می‌خواست این اتفاق بیافتد هزاران سرمایه‌دار، سیاست‌مدار، متخصص و غیره به دلیل به خطر افتادن منافع‌شان اجازه این کار را نمی‌دادند.

ایجاد گروه منافع مشترک اقتصادی استراتژیک در راستای تقویت فرایند توسعه جمهوری اسلامی ایران

سیاست‌های تنش‌زدایی ایران در سال‌های اخیر در مورد کشورهای پاکستان، افغانستان، ترکمنستان، ترکیه، عراق، کویت، امارات و ... بسیار مؤثر بوده، ولی هنوز با ایجاد منافع مشترک فاصله زیادی داریم. به طور مثال در دو دهه گذشته از فرصت ایجاد کشورهای مستقل آسیای مرکزی و قفقاز نتوانسته‌ایم بهره‌برداری مناسب نماییم. لذا می‌توان با ایجاد سرمایه‌گذاری‌های مشترک، فعالیت‌های تولیدی مشترک، دادن امتیاز بنادر خشک و ... از این سیاست برای تقویت اقتصاد، قدرت رقابت اقتصادی، امنیت سیاسی - نظامی بهره برد.

ایجاد گروه منافع مشترک بلندمدت و ایجاد پیوندهای عمیق اقتصادی سیاسی با کشورهای منطقه توصیه می‌شود. کارکرد این گروه با کمک بخش خصوصی باید بر اساس واقعیت‌های موجود، برای دستیابی به اهداف مشخصی باشد.

البته باید توجه داشت که جمهوری اسلامی ایران به دلایل مختلفی از وضعیت‌های قبلی پیش‌آمده همچون ایجاد کشورهای مستقل مشترک‌المنافع نتوانست استفاده کند. لذا به نظر می‌رسد ادامه تلاش‌ها با همان ساختار قبلی نتایج پیش‌گفته را حاصل خواهد کرد. برای ایجاد شرایط جدید باید از ساختارهای کارآمد و تجربیات موفق استفاده کند. در این رابطه تشکیل گروه‌هایی با مشارکت حداقل ۵۰ درصد بخش خصوصی و با حضور وزارت امور اقتصادی و دارایی، سازمان سرمایه‌گذاری خارجی، سازمان برنامه و بودجه کشور، وزارت امور خارجه، وزارت صنایع، معادن و تجارت و ... با استفاده از تجارب جهانی پیشنهاد می‌شود.

سازمان برنامه و بودجه کشور در این راستا می‌تواند ضمن تغییر دیدگاه خود از پرداختن به برنامه‌ریزی جامع و داخل کشور، به‌جای واحد همکاری‌های بین‌الملل، دفتر منافع مشترک اقتصادی را ایجاد کند تا از این طریق بتواند به افزایش رشد و توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور کمک کند.

منابع

- اخباری محمد، چوپانی، محسن رستمی و ابوذر میار عباسی (۱۳۹۰). «الگوی همکاری منطقه‌ای در افق سند چشم‌انداز»، نشریه ژئوپلیتیک، زمستان ۱۳۹۰، سال هفتم، شماره ۴، ۷۷-۵۴.
- تارو، لستر (۱۳۹۷). *رویارویی بزرگ: نبرد اقتصادی آینده ژاپن، اروپا و آمریکا*، ترجمه عزیز کیاوند، چاپ پنجم، تهران: دیدار.
- حسینی، سیده لطیفه (۱۳۹۴). «نقش منطقه‌گرایی در حفظ صلح و امنیت منطقه‌ای: با تأکید بر نقش سازمان همکاری اسلامی در منطقه خاورمیانه»، پژوهش تطبیقی حقوق اسلام و غرب، سال دوم، شماره ۳، ۲۹-۵۰.
- خسبانی یزدانی، احسان و ملک تاج خسروی (۱۳۹۸). «آینده عراق و سناریوهای مربوط به آن (۲۰۲۰-۲۰۱۰)»، *مطالعات روابط بین‌الملل*، سال دوازدهم، شماره ۴۶، ۸۷-۱۲۱.
- ذوالفقاری، مهدی (۱۳۸۶). «ژئوپلیتیک خلیج فارس: ایران و آمریکا (تهدیدها و فرصت‌های فراوری جمهوری اسلامی)»، *ره‌آورد سیاسی*، شماره ۱۵.
- روحانی، حسن «همه کشورها خواهان روابط با ایران هستند»، *روزنامه فرهیختگان*، ۱۳۹۸/۹/۲۶.
- روزنامه ایران (۱۳۹۱). در گفت‌وگویی با علی‌اکبر سیبویه سفیر جمهوری اسلامی ایران در عمان، «افق روشن برای آینده بیداری اسلامی و روابط ایران با عمان»، یکشنبه ۳۰ مهر ۱۳۹۱.
- سایت اداره اطلاعات انرژی آمریکا (<http://www.eia.gov>).
- خبرآنلاین، رابطه ایران و روسیه؛ «اتحاد استراتژیک» یا «همسویی منافع»؟، ۱۸ شهریور ۱۳۹۸.
- صادقی چیمه، احسان «آینده روابط ایران و چین در پرتو تحولات منطقه‌ای و بین‌المللی»، قابل دسترس در سایت دیپلماسی ایرانی: <http://irdiplomacy.ir>.
- سنایی مهدی (۱۳۸۵). «آینده روابط ایران و روسیه»، ماهنامه *ایرس*، شماره ۱۳.
- صادقی اول، هادی و جعفر نقدی عشرت‌آباد (۱۳۹۳). «روابط ایران و دژ منطقه‌ای شورای همکاری خلیج فارس»، *سیاست جهانی*، سال سوم، شماره ۴، ۱۵۱-۱۸۲.
- عظیمی، حسین (۱۳۹۵). *اقتصاد ایران: توسعه، برنامه‌ریزی، سیاست و فرهنگ*، به کوشش خسرو نورمحمدی، چاپ سوم، تهران: نی.
- عظیمی، حسین (۱۳۹۷). *اقتصاد ایران امروز: توسعه بر محور آموزش، فرهنگ و تمدن*، به کوشش خسرو نورمحمدی، چاپ سوم، تهران: نی.
- عیوضی، محمدرحیم و عبدالله حسینی عبدالله (۱۳۹۴). «آینده روابط ایران و ترکیه در پرتو تحولات چند سال اخیر جهان عرب»، *مطالعات سیاسی جهان اسلام*، سال چهارم، شماره ۲، ۱۱۹-۹۵.
- فوزی، یحیی و مهدی پیرزادی (۱۳۹۷). «آینده پژوهی روابط ایران با قدرت‌های بزرگ آمریکا، اتحادیه اروپا، چین و روسیه»، *سیاست کاربردی*، سال یکم، شماره ۱، ۱۱۲-۶۹.
- فیروزنژاد، پوریا (۱۳۹۸). «ضرورت نشست فراگیر منطقه‌ای با هدف گفت‌وگوهای سازنده» *خبرگزاری جمهوری اسلامی ایران*، ۱۲ آذر ۱۳۹۸.